بسم الله الرحمن الرحیم

فصلنامه علمی ـ پژوهشی

جمعیت

سال هشتم، شماره ۳۲ و ۳۱

بهار، تابستان ۱۳۷۹

انفجار جمعیت در هند*

کثرت جمعیت در هند یکی از مشکلات عمده این کشور محسوب می‌شود. این مسئله ریشه بسیاری از معضلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هند را تشکیل می‌دهد. براساس آخرین برآورد بعمل آمده توسط کارشناسان این کشور، جمعیت هند در حال حاضر ۹۶۵/۶ میلیون نفر می‌باشد. بیشترین تعداد جمعیت در ایالتهای اوتارپرادش و بیهار هستند، ایالت سیکتم و میزورام کمترین جمعیت را در خود جای داده‌اند.

هند پس از چین پرجمعیت‌ترین کشور جهان می‌باشد. روزانه به میزان ۷۲۰۰۰ کودک در این کشور متولد می‌شوند که در مقایسه با چین که روزانه ۶۰۰۰۰ کودک در آن متولد می‌شود، رقم قابل توجهی است. نرخ رشد جمعیت در هند از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۶ تقریباً ثابت و به میزان ۲ درصد بوده است. با در نظرگرفتن میزان مرگ ومیر در این کشور، سالانه ۱۵ میلیون نفر بر جمعیت هند افزوده می‌شود. براساس برآورد ارائه شده از سوی مرکز ثبت و سرشماری هند، در روز ۱۱ می سال ۲۰۰۰ میلادی جمعیت هند به یک میلیارد نفر بالغ شد و این روز به عنوان «روز ملی جمعیت» و یا «روز یک میلیارد» در هند مطرح شده است. همچنین پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۴۰ میلادی هند از نظر جمعیت چین را پشت سر گذاشته و پرجمعیت‌ترین کشور جهان گردد. در صورت ادامه روند رشد جمعیت در این کشور، جمعیت هند در سال ۲۰۴۰ به ۱/۵ میلیارد نفر خواهد رسید.

---

*- گزارش واصله از سفارت جمهوری اسلامی ایران در دهلی‌نو

سرشماری جمعیت در هند

سرشماری جمعیت در هند هر ده سال یکبار انجام می‌گیرد. آخرین سرشماری بعمل آمده در سال ۱۹۹۱ به مورد اجرا درآمده و قرار است چهاردهمین سرشماری سراسری در ماه مارس ۲۰۰۱ میلادی در این کشور به اجرا درآید. دولت این کشور از هم‌اکنون برنامه‌ریزی لازم برای اجرای این سرشماری را به انجام رسانده و قرار است این سرشماری در مدت سه هفته به انجام برسد. هزینه اجرای این سرشماری ۷ میلیارد روپیه برآورد می‌شود، این مبلغ ۲۰ برابر کمتر از آخرین سرشماری بعمل آمده در آمریکا می‌باشد.

برای اجرای چهاردهمین سرشماری سراسری هند دو میلیون نفر بکار گماشته خواهند شد. این عده زیر نظر چهارصد هزار ناظر خانه به خانه از بیش از یک میلیارد نفر هندی در زمینه مشخصات فردی، مذهب، زبان، آداب و رسوم و غیره اطلاعاتی را جمع‌آوری خواهند کرد.

برنامه کنترل جمعیت در هند

در سال ۱۹۵۲ اولین اداره دولتی به منظور برنامه‌ریزی در جهت کنترل جمعیت در هند تأسیس شد. با تأسیس این اداره، هند اولین کشور در سطح جهان بود که نسبت به مسئله کنترل جمعیت اقدام به برنامه‌ریزی دولتی و ملی می‌نمود. در آن سال جمعیت هند ۳۴۰ میلیون نفر بود. این اداره وظیفه داشت که نرخ رشد جمعیت را در هند به تدریج کاهش داده بطوری که تا پایان قرن بیستم آن را به صفر برساند. کارشناسان جمعیت در آن سال چنین پیش‌بینی نمودند که با اجرای طرحهای کنترل جمعیت تا پایان قرن بیستم جمعیت هند دو برابر یعنی در حدود ۶۸۰ میلیون نفر خواهد شد، در حالیکه جمعیت هند در پایان این قرن به یک میلیارد نفر بالغ آمده است.

برنامه اول کنترل جمعیت در هند برای سالهای ۱۹۵۲ تا ۱۹۷۰ طرح‌ریزی و اجرا شد. این برنامه در دو بخش اصلی شامل آموزش و تعلیم خانواده‌ها در جهت زاد و ولد کمتر

و همچنین اجرای راههای پزشکی و فیزیکی به منظور تقلیل در تولید مثل تنظیم شده بود. سانجی گاندی فرزند ایندیرا گاندی نخست وزیر فقید هند ریاست اداره کنترل جمعیت هند را در اواخر برنامه اول بعهده داشت، وی بعدها متهم به تشویق پزشکان کشور به عقیم نمودن تعداد زیادی از مردم بدون اطلاع آنها شد. کارشناسان معتقدند که در برنامه اول کنترل جمعیت در هند به آموزش و تعلیم در جهت کنترل جمعیت در خانواده‌ها کمتر توجه شده و مسئولین ذیربط نیز در اجرای برنامه‌های آموزشی قصور ورزیده‌اند. آنها معتقدند که برنامه‌های کنترل جمعیت در هند تا زمان حاضر همگی با شکست مواجه شده‌اند و این کشور نتوانسته است قدم مؤثری در این جهت بردارد.

بطور کلی علل شکست برنامه‌های کنترل جمعیت در هند عبارتند از:

الف ـ این برنامه‌ها بر اساس واقعیات موجود در جامعه هند تنظیم نشده‌اند و عواملی همچون وضعیت اقتصادی، جغرافیایی، فرهنگی، مذهب و آداب و رسوم که در رشد نرخ جمعیت مؤثر هستند، نادیده انگاشته شده‌اند. به عبارت دیگر این برنامه‌ها در زمینه آموزش خانواده‌ها بخوبی تنظیم نشده‌اند.

ب ـ مسئولین ذیربط، در مرحله اجرا، بطور جدی اجرای برنامه‌ها را مورد پیگیری قرار نداده‌اند.

ج ـ کلیه امکانات و دستگاههای دولتی در این خصوص بسیج نشده و بطور هماهنگ عمل ننموده‌اند. بطور مثال برنامه کنترل جمعیت و تشویق خانواده‌ها به داشتن فرزند کمتر بطور همزمان و هماهنگ با برنامه‌های مبارزه با فقر و مبارزه با بی‌سوادی به مورد اجرا در نیامده است. زیرا فقر و بی‌سوادی از عوامل مهم بی‌توجهی به کنترل میزان زاد و ولد در خانواده‌ها می‌باشند. بی‌توجهی به این دو عامل یا شکست در مبارزه با آنها تأثیر بسزائی در برنامه‌های کنترل جمعیت برجای می‌گذارد.

پس از اجرای برنامه‌های اصلاحات اقتصادی و اتخاذ سیاست درهای باز در سال ۱۹۹۱ توسط دولت وقت هند، این کشور به پیشرفت‌های قابل توجهی درزمینه‌های اقتصادی و اجتماعی نائل آمد. در حال حاضر مسئولین کنترل جمعیت در هند امیدوارند

که در پرتو این اصلاحات و بهبودی وضعیت اقتصادی و سوادآموزی مردم، نرخ رشد جمعیت تا ۱/۵ درصد برای سال ۲۰۰۱ تثبیت شود، اخیراً مراکز و شخصیت‌های خصوصی در زمینه آموزش خانواده‌ها و جوانان تازه ازدواج کرده با مؤسسات دولتی همکاری نموده و روشهای جلوگیری از بارداری را به آنها آموزش می‌دهند، یکی از مهمترین این مراکز Family Planning Association of India می‌باشد که شعبه‌های زیادی در شهرهای بزرگ و کوچک هند دارد. این مؤسسه همچنین از طرق مختلف اثرات و عواقب ازدیاد جمعیت در اجتماع را به خانواده‌ها آموزش می‌دهد.

نتیجه‌گیری

هند در زمره کشورهای فقیر جهان محسوب می‌شود. یکی از عوامل مهم فقر این کشور جمعیت بسیار زیاد آن می‌باشد. ازدیاد جمعیت معمولاً مشکلاتی همچون فقر، کمبود غذا و بهداشت، بیکاری، درگیری‌های اجتماعی، افزایش جرائم، آسیب به محیط زیست و غیره را به همراه می‌آورد. نیمی از جمعیت کنونی هند را جوانان زیر ۲۳ سال تشکیل می‌دهند. در این کشور ۹۰ میلیون بیکار وجود داشته و تعداد زیادی نیز در مشاغل کاذب و بی‌ثمر مشغول بکار هستند. بر اساس آمارهای مراکز غیردولتی ۴۶ درصد از مردم این کشور زیر خط فقر بسر می‌برند (براساس معیارهای داخلی هند) و ۴۸ درصد مردم این کشور بی‌سواد هستند. هشتاد درصد مردم این کشور مبتلا به انواع و اقسام بیماری‌ها بوده و کمتر از یک درصد مبتلا به ویروس ایدز می‌باشند. همه این مشکلات به نحوی با موضوع کثرت جمعیت در ارتباط می‌باشند. از طرفی ازدیاد جمعیت و به تعبیر دقیق‌تر انفجار جمعیت در هند رفته‌رفته به یک مشکل امنیتی برای این کشور مبدل خواهد شد، زیرا پس از اجرای برنامه‌های سیاست باز اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این کشور، جامعه هند بیش از پیش انتظار بهبود وضعیت زندگی خود را دارد و نرسیدن به این هدف موجب افزایش جرائم و نارضایتی عمومی را بدنبال خواهد داشت.

در مجموع هند بدون کنترل نرخ رشد جمعیت نخواهد توانست برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را با موفقیت به انجام برساند. کارشناسان جمعیت هشدار داده‌اند که اگر نرخ رشد جمعیت در هند کاهش نیابد برنامه‌های توسعه این کشور در آینده نزدیک با شکست مواجه خواهد شد. با شکست برنامه‌های کنترل جمعیت در هند، این کشور یک فرصت پنجاه ساله را برای حل این معضل از دست داده است. پیش‌بینی وضعیت بهتر برای جمعیت هند نیز به دشواری باور می‌شود.

فهرست منابع:

- مجله *Frontline* شماره مورخ ۱۸ جون ۹۹.
- روزنامه *Asian Age* شماره مورخ ۷ می و ۱۷ جون ۹۹.
- *INDIA 1999*

مفاهیم جمعیت شناختی در فرهنگ و ادب پارسی

دکتر احمد کتابی*

درآمد

جمعیت‌شناسی، دانشی است نوپا که اساساً در مغرب زمین بنیان گرفته است و از پیدایش آن به شکل یک مجموعهٔ نظام‌مند** علمی، بیش از نیم قرن نمی‌گذرد.(۱) بسیاری از اصطلاحات و تعبیرات متداول در این علم از قبیل «جوانی» و «سالخوردگی» جمعیت، «عمر متوسط»، «تنظیم خانواده» و امثال آن نیز قدمت چندانی ندارند و غالباً در چند دههٔ اخیر مطرح و رایج شده‌اند. با وجود این، بسیاری از «مسائل و موضوعات مربوط به جمعیت» ـ البته اگر مفهوم کلی و عمومی این تعبیر را در نظر داشته باشیم ـ کاملاً قدیمی‌اند و سابقه‌ای به قدمتِ تاریخ بشر دارند. در واقع، مسائلی نظیر زناشوئی، فرزندآوری، سالخوردگی، مرگ و...از زمانی که نخستین انسانها بر روی کره زمین پدید آمدند و به توالد و تناسل پرداختند تا به امروز، برای همهٔ آدمیان و همهٔ فرهنگهای انسانی مطرح بوده‌اند و در آینده هم مطرح خواهند بود.

در سلسله مقالاتی که نخستین آنها را پیش روی دارید، کوشش شده است تا انعکاس

---

*- عضو هیأتِ علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

**-systematic

بعضی از مفاهیم مهم و موضوعات اصلی مربوط به جمعیت در فرهنگ و ادب منثور و منظوم فارسی ردیابی و تجزیه و تحلیل گردد.

***

بررسی حاضر را شاید بتوان از جملهٔ نخستین گام‌هایی تلقی کرد که در جهت مطالعه و تحلیل جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی جمعیت‌شناسی ایران برداشته می‌شود و از این‌رو، نیازمند جرح وتعدیل و اصلاحاتی بنیادی است ـ کاری که جز به مددِ رهنمودها و نقدهای سازندهٔ دانش‌پژوهان و همکاران ارجمند، انجام‌پذیر نخواهد بود. یافته‌های این بررسی همچنین می‌تواند برای علاقمندان به جمعیت‌شناسی تاریخی ایران نیز، از جهاتی قابل بررسی و تعمّق باشد.

نخستین مقاله از این مجموعه، به بررسی مقولهٔ بسیار مهم «زناشویی» که ادامهٔ نسل آدمیان بدان وابسته است، اختصاص یافته است:

۱- زناشویی در فرهنگ و ادب ایران

۱-۱- نفی رهبانیت و ستایش ازدواج

«هرکس که زن ندارد آرام تن ندارد*»

در فرهنگ ایران زمین ـ چه در عصر باستان و چه در دوران پس از اسلام ـ زناشویی به عنوان تنها طریقهٔ مقبول ارضاء تمایل جنسی و نیز تنها وسیلهٔ مشروع تداوم نسل، از ارجمندی و منزلت والایی برخوردار بوده است تا آنجا که در بسیاری موارد، از آن، به عنوان امری «مقدس» یاد شده است. انعکاس این احترام و تکریم را به روشنی می‌توان در آثار اکثرِ قاطع اندیشمندان، نویسندگان و شاعران ایرانی از قدیم‌ترین ایام یافت.

سخن را با نقل اندیشه‌های سخنور سترگ پارسی ـ حکیم طوس ـ آغاز می‌کنیم:** **فردوسی** (متوفای ۴۱۱ یا ۴۱۶ هـ ق)، علیرغم برخی بدبینی‌ها و گفته‌های تلخ و گزنده‌اش

---

* - مأخذ: **امثال و حکم**، تألیف شادروان علامّه علی‌اکبر دهخدا، انتشارات امیرکبیر، جلد چهارم

** - بررسی آثار مربوط به دوران قبل از اسلام، به فرصتی دیگر موکول می‌شود.

در مورد زنان،[۲] اختیار تاهّل را نه تنها عملی شایسته، بلکه امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌داند. از نظر وی، احتیاج به زناشویی برای انسانها ـ در هر موقعیت و مرتبه‌ای که باشند ـ نیازی در ردیف خوراک، پوشاک و مسکن است:

اگر شاه دیدی وگر زیردست — وگر پاکدل مردِ یزدان‌پرست
چنان دان که چاره نباشد ز جفت — ز پوشیدن و خورد و جای نهفت[۳]

صرف نظر از ملاحظات مذکور، فردوسی همسرگزینی را به عنوان الزامی دینی تلقی می‌کند: در باور او، تفّرد (=تنهابودن، تجّرد) از ویژگی‌های خداوند و در مقابل، جفت‌یابی از خصایص و لوازمِ حیات انسانی و راز بقای موجودات است که از حکمت بالغهٔ الهی نشأت می‌گیرد:

بدانگه که لوح آفرید و قلم — بزد بر همه بودنیها رقم
جهان را فزایش زجفت آفرید — که از یک فزونی نیاید پدید[۴]
یکی نیست جز داورِ کردگار — که او را نه انباز* و نه جفت و یار
هرآنچ آفریده است جفت آفرید** — گشاده ز راز نهفت آفرید[۵]
اگر نیستی جفت‌اندر جهان — بماندی توانایی‌اندر نهان[۶]
دلاور که پرهیز جوید زجفت — بماند بآسانی اندر نهفت[۷]
بویژه که باشد زتخم بزرگ*** — چو بی‌جفت باشد نماند سترگ[۸]

از دیدگاه فردوسی، کسی که همسر اختیار می‌نماید، در واقع، در جهت متابعتِ از مشیّتِ الهی و اطاعتِ از اوامر دینی گام برداشته است:

چه مهتر چه کهتر چو شد جفت‌جوی — سویِ دین و آیین نهاده است روی[۹]

و در مقابل، فردی که تجّرد پیشه می‌کند، عملاً عدم پایبندی خود را به آیین خداوندی

---

* - شریک

** - در چندین آیه از آیات قرآن کریم هم این معنی آمده است:
«و من کل شی خلقنا زوجین» (ذاریات، آیهٔ ۴۹) و از هرچیز دو نوع نر و ماده آفریدیم، «واللّه خلق الزوجین الذکر و الانثی» (حجر، آیهٔ ۲۲) خداوند جفت‌ها را نر و ماده آفرید، «و من کل الثمرات جَعَلَ فیها زوجین اثنین» (یس، آیهٔ ۳۶) و نیز آیات ۲۱ از سورهٔ روم، ۳ از سورهٔ رعد و ۴۵ از سورهٔ نجم

*** - بزرگ‌زاده، از نسل و تبار بزرگان و اشراف

نشان داده است:

و دیگر که مایه زدین خدای ندیدم که ماندی جوان را به جای*[۱۰]

فردوسی ضمن ابیاتی دیگر، برخورداری از وجود همسر را آرامش‌بخش، وسیلهٔ هدایت جوانان و مایهٔ استواری دین به شمار می‌آورد:

اگر تاجدار است اگر پهلوان به زن گیرد آرام مرد جوان

همان زو بود دین یزدان به پای جوان را به نیکی بود رهنمای[۱۱]

ناگفته نماند که فردوسی، علی‌الاصول، با افزایش جمعیت نظر موافق دارد و ازدیاد نفوس را موجب آراستگی جامعه و ارزشمند شدن اموال و ثروتها می‌داند:

زمانه به مردم شد آراسته وزو ارج گیرد همی خواسته[۱۲]

اسدی طوسی (متوفی در ۴۶۵ هـ ق) هم، نظیر فردوسی، جفت‌طلبی را لازمهٔ خلقت و نشانهٔ وجود خالق تلقی می‌کند. بنابه تمثیل او، هیچ خامه‌ای (= قلمی) بدون داشتن دوسر توان نوشتن و هیچ مرغی بدون همراهیِ دو بال یارای پرواز ندارد:

به گیتی خداوند از آن شد پدید** که هرچیز را پاک جفت آفرید

خطی ناورد خامهٔ بی‌دوسر چو مرغی نگیرد هوا بی‌دو پر

یگانه گهر گرچه والا بود نکوتر چو جفتیش همتا بود[۱۳]

هم او در اشعاری دیگر، بر ضرورتِ شوهر اختیارکردن دختران و زنان تأکید می‌ورزد و سایهٔ شوهر را به منزلهٔ نیمهٔ دوم وجود زن محسوب می‌دارد:

چو نیمه است تنها زن ارچه نکوست دگر نیمه‌اش سایهٔ شوی اوست

زنان را بود شوی کردن هنر برِ شوی زن به که نزد پدر

بود سیب خوشبوی بر شاخ خویش ولیکن به جامه دهد بوی، بیش

زنِ ار چند با چیز*** و با آبروی نگیرد دلش خرمی جز به شوی[۱۴]

فرخی سیستانی (متوفی در ۴۲۹ هق) هم، شوهر دادن دختران را ـ البته به شویی

---

*- در امثال و حکم دهخدا (ذیل: لا رهبانیة فی‌الاسلام، جلد ۳، صفحهٔ ۱۳۵۴) این بیت به صورت زیر ضبط شده است:

و دیگر که بی‌جفت، دین خدای نـدیدیم مـرد جوان را به پای

- وجود خداوند از اینجا آشکار می‌شود. *- ثروتمند، متموّل

شایسته ـ اجتناب‌ناپذیر می‌داند:

کسی را که دختر بود چاره نیست ز شو دادن و شویِ شایانِ زن*

فخرالدین اسعد گرگانی (متوفای نیمهٔ دوم قرن پنجم، بعد از ۴۶۶ هق) نیز در منظومهٔ ویس و رامین، به غریزهٔ جفت‌طلبی، منتها از جانب زن، اشاره کرده است:

خدای ما سرشت زن چنین کرد که زن را نیست کامی خوش‌تر از مرد(۱۵)

امام محمد غزّالی (متوفی در ۵۰۶ هق) هم، اختیار تأهّل را از لوازم دینداری تلقی می‌کند** و آن را در ردیف ضروریاتی نظیر خوراک و آب به شمار می‌آورد:

«بدانکه نکاح کردن از جملهٔ راه دین است همچون طعام خوردن که همچنانکه راه دین را به حیات و بقایِ شخصِ آدمی حاجت است و حیات بی‌طعام و شراب (= نوشیدنی، آب) ممکن نیست، همچنین به بقای جنس آدمی و نسل وی حاجت است و این بی‌نکاح ممکن نباشد، پس نکاح، سببِ اصل وجود است و طعام سببِ بقای وجود...»

به اعتقاد غزالی، حکمت و انگیزهٔ اصلی تجویز ازدواج، ارضای شهوت نیست، بلکه شهوت در واقع امر، خود وسیله و واسطه‌ایست برای ابقای نسل و ایجاد و ازدیاد مؤمنان:

«مباح کردن نکاح برای این (بقای نسل) است نه برای شهوت، بلکه شهوت که آفریده است هم برای آن آفریده است تا موّکل (= باعث، موجب) باشد و متقاضی، تا خلق را به نکاح آرد، تا سالکان راه دین در وجود همی آیند، و راه دین روند که همهٔ خلق برای دین آفریده‌اند...، و هرچند آدمی بیش شود، بندگان حضرت ربوبیت بیشتر می‌شوند و امّت مصطفی علیه‌السلام بیش می‌شود...»

در واقع، به نظر غزالی، هرگاه زن و مردی ازدواج نکنند، به منزلهٔ آن است که صاحب زمینی با وجود داشتن بذر و گاو و وسایل مختلف زراعت، به کشت و زرع نپردازد.

پس از این توجیهات کلی، غزالی به شرح محاسن ازدواج می‌پردازد و برای آن پنج

---

* - به نقل از امثال و حکم دهخدا

** - «گروهی گفته‌اند که نکاح کردن فاضل‌تر (= بهتر و شایسته‌تر) از آنکه به نوافل (مستحّبات: نمازهای مستحب) عبادت مشغول شدن» (کیمیای سعادت)

مزیت و یا به تعبیر او پنج **فایده** قائل می‌شود:

«...بدانکه فضل نکاح به سبب فوایدی است و **فواید** نکاح پنج است:

فایدهٔ اول در (پیدا کردن) فرزند است و به سبب فرزند چهارگونه ثواب (حاصل) است.

فایدهٔ دوم در نکاح آن است که دین خویش را در حصار کند* و شهوت را که آلت شیطان است از خویشتن باز کند**... و هر که نکاح نکند غالب آن بود*** که چشم از نظر و دل از وسوسه نگاه نتواند داشت.

فایدهٔ سوم انس باشد به دیدار زنان و راحتی که دل را حاصل آید به سبب مجالست و مزاح با ایشان که آن آسایش، سبب آن باشد که رغبتِ عبادت تازه گردد که مواظبتِ (= پیگیری، استمرار) بر عبادت ملال‌آورد و دل در آن گرفته شود و این آسایش، آن قوّت را باز آورد.

فایدهٔ چهارم آن بود که زن، تیمارخانه بدارد و کار رفتن و پختن و شستن کفایت کند که اگر مرد بدین مشغول شود، از علم و عملِ عبادت بازماند و بدین سبب، زن یار بود در راه دین و بدین سبب است که بوسلیمان دارانی گفته است که «زنِ نیک از دنیا نیست که از آخرت است».

فایدهٔ پنجم آنکه صبرکردن بر اخلاق زنان و کفایت کردن مهمّاتِ ایشان و نگاهداشتن ایشان بر راه شرع جز به مجاهدتی تمام نتوان کرد و این مجاهدت از فاضل‌ترین عبادات است...»(۱۶)

ابوسعید ابی‌الخیر صوفی و عارف بزرگ قرن پنجم (متوفای ۴۴۰ هق) هم، باصراحت و قاطعیت، اندیشهٔ رهبانیت را نفی و بر ضرورت برخورداری آدمی از همهٔ نعمت‌ها و لذت‌های مشروع و از جمله تمتّع از همسر تأکید کرده است:

«شیخ ما را گفتند: فلان بر آب رود گفت: این سهل باشد که چغزی (=قورباغه) و بط نیز بر آب روند. گفتند: فلان در هوا رود. گفت: این نیک ممکن باشد که مگس و زغن نیز، در

---

*- با اجتناب از گناه و معصیت دین خود را محفوظ دارد.

**- به گفتهٔ غزالی «آنکه ازدواج کند نیمی از دین خود را حفظ کرده است پس براو باد که برای حفظ نیم دیگر از خدا بترسد» (کیمیای سعادت)

***- احتمال آن می‌رود

هوا پرند. گفتند: فلان به دمی (= در یک لحظه) از مشرق به مغرب شود. گفت: این سخت آسان باشد که شیطان نیز به دمی از مغرب به مشرق شود.

مرد آن است که بخورد و بخسبد و به بازار رود و ستد و داد کند و با مردم درآمیزد و زن خواهد و با این همه، دمی از یاد خدا غافل نماند»[۱۷]

هم او در جایی دیگر، احتیاج به زناشویی را یکی از چهار نیاز اصلی و اولیهٔ انسان - خوراک، پوشاک، مسکن، ارضاءجنسی - به شمار آورده است:

«آدمی از چهار چیز ناگزیر بود: اوّل، نانی، دویم خُلقانی (=جامه‌ای کهنه)، سیم ویرانی (= کلبه خرابه‌ای)، چهارم، جانانی (= همسری، دلبری)»[۱۸]

جلال‌الدین محمد مولوی شاعر و عارف گرانقدر قرن هفتم هجری (متوفی در ۶۷۲ هـ ق) نیز، با وجود بدبینی مفرطی که گاه در مورد زنان اظهار کرده،[۱۹] وجود زن را عنصری حیاتی و تمایل جنسی بین مرد و زن را رمز بقای گیتی تلقی نموده است:[۲۰]

چون پی یسکن الیهاش*آفرید — کی توانند آدم از حوّا برید
آنکه عالم مست گفتش آمدی** — کلّمینی یا حمیرا*** می‌زدی
ظاهراً بر زن چو آب ار غالبی — باطناً مغلوب وزن را طالبی
بهر آن میل است در ماده به نر — تا بود تکمیل کار یکدگر
میل اندر مرد و زن حق زآن نهاد — تا بقا یابد جهان زین اتحاد****

---

*- اشاره‌ایست به آیهٔ شریفهٔ: هوالذی خلقکم من نفس واحده و جعل منها زوجها لیسکن الیها (آیهٔ ۱۸۹ از سورهٔ الاعراف) یعنی: اوست که شما را از نفس واحد آفرید و جفت او (=آدم) را از او قرار داد تا با وی آرام گیرد...

**- اشاره‌ایست به حضرت ختمی مرتبت (ص)

***- منظور، عایشه همسر مورد علاقهٔ پیامبر (ص) است که به مناسبت سرخی مو حمیرا، خوانده می‌شد. در **کیمیای سعادت** غزالی آمده است: حضرت رسول در هنگام خستگی «دست بر عایشه زدی و گفتی کلّمینی یا عایشه، با من سخن گوی، خواستی تا قوّتی دهد خود را...»

****- از دیدگاه **مولوی**، نه تنها زن و مرد که همه اجزا و عناصر عالم، طالب و عاشق جفت خویشند:

حکمت حق در قضا و در قدر — کرد ما را عاشقان همدگر
جمله اجزای جهان زآن حکم پیش — جفت جفت و عاشقان جفت خویش
هست هر جز وی ز عالم جفت‌خواه — راست همچون کهربا و برگ کاه

و این جفت خواهی و اتحاد طلبی، خود رمز بقای عالم و عامل اصلی ترقّی است چنانکه بنا به تمثیل مولانا، هیچ سقفی بدون اتصال و اتکای به دیوارها برجای نمی‌ماند و هیچ نوشته‌ای، بدون همراهی قلم و مرکب بر کاغذ نقش نمی‌بندد:

چون عدو نبود جهاد آمد محال شهوت ار نبود نباشد انتسال*
هین مکن خود را خصی** رهبان مشو زآنکه عفت هست شهوت را گرو***

دفتر پنجم، ذیل عنوان: در معنی حدیث لا رهبانیة فی الاسلام

پس نکاح آمد چو لاحول و لا تا که دیوت نفکند اندر بلا
چون حریص خوردنی زن خواه زود[۲۱] ورنه آمد گربه و دنبه ربود

دفتر پنجم، ذیل عنوان: داستان آن کنیزک که...

۲-۱- مخالفت با تأهّل و تشویق تجرّد

در میان آثار نویسندگان و شاعران ایرانی متقدّم و متأخّر، طبعاً مخالفت‌هایی هم با ازدواج ابراز شده است. این مخالفت‌ها عمدتاً در میان دو گروه مشاهده می‌شود:

گروه اول کسانی هستند که اختیار تأهل را مخلِّ آسایش خیال و موجب در قید و بند قرار گرفتن فرد و محدود شدن آزادی عمل وی می‌دانند. اینان، برای توجیه تمایل خود به تجرّد، غالباً به زبان طنز و مطایبه متوسّل شده‌اند. ذیلاً به آرای برخی از این صاحب‌نظران، به ترتیب تقدّمِ زمانی، اشاره می‌گردد:

رکن‌الدین اوحدی مراغه‌ای (متوفی در ۷۳۸ هق) از منتقدان و مخالفان سرسخت تأهل است. وی در مقام مخالفت با زن و ازدواج تا آنجا پیش می‌رود که به پسرش که مشتاق ازدواج است توصیه می‌کند، برای اطفایِ غریزهٔ جنسی خویش، به جای زناشویی، به زنا متوسّل شود!:

گر نباشد یاری دیوارها کی برآید خانه‌ها، انبارها
هر یکی دیوار اگر باشد جدا سقف چون باشد معلّق برهوا؟
گر نباشد یاری حبر و قلم کی فتد برروی کاغذها رقم
این حصیری که کسی می‌گسترد گر نپیوندد به هم بادش برد
حق زهر جنسی چو زوجین آفرید پس نتایج شد ز جمعیت پدید

مثنوی، دفتر ششم، ذیل عنوان: مناظرهٔ مرغ با صیاد در ترهیب و...

*- اگر شهوت در کار نباشد، زاد و ولد و ادامهٔ نسل میسر نیست.

**- عقیم

***- حفظِ عفت، منوط به اِطفای شهوت به طریق مشروع است.

پسری با پدر به زاری گفت — که مرا یار شو به همسر و جفت
گفت بابا! زناکن و زن نه! — پندگیر از خلایق از من نه
زن بخواهی ترا رها نکند — گر تو بگذاری اش چها نکند؟
از من و مادرت نگیری پند — چند دیدی و باز بینی چند
آن رها کن که آب و هیمه نماند — ریش بابا نگر که نیمه نماند[۲۲]

وی سپس به احتمال بروز اختلاف زناشویی و بالا گرفتن کار مرافعه و مراجعهٔ زن به قاضی برای دریافت مهریه و اخذ طلاق اشاره می‌کند:

چو تهی کرد سفره و کوزه — دست یازد به چادر و موزه
پیش قاضی برد که مهر بده — به خوشی نیستت به قهر بده[۲۴]

حمدالله مستوفی ـ مورخ و جغرافی‌دان معروف (متوفای ۷۵۰ هـ ق)، در تاریخ گزیدهٔ خود، در مقام نکوهش از زناشوئی توصیه‌ای را نقل می‌کند که در اصل، منسوب به خسروانوشیروان است:

«کم رنجی در تنهایی است، بینوایی در کدخدایی است»[۲۴]

عبید زاکانی شاعر و نویسندهٔ طنزپرداز بزرگ قرن هشتم (متوفای ۷۷۲ هق) را هم، در بیان عواقب و توالیِ تأهّل سخنان و اشعاری خواندنی و شیندنی است[۲۵]؛ ازجمله: در رسالهٔ «ده فصل» او که حالتی فرهنگ‌گونه ـ ارائهٔ معانی طنزآمیز برای واژه‌ها ـ دارد، در مقایسهٔ احوال مجّردان و متأهّلان چنین آمده است:

المجّرد: آنکه بر ریش دنیا خندد.

الشقی (= بدبخت): کدخدا (= شوهر)

الباطل: عمر کدخدائی (= دوران زن‌داری)

الضایع: روزگار او

التلف: مال او

الپریشان: خاطر او

الماتم‌سرا: خانهٔ او

التلخ: عیش او

العدو (= دشمن) خانگی: فرزند

البدأخلق: آنکه به دختر گرفتار باشد

المعیل (= عیال‌وار): المبتلا

الخویشاوند: دشمن جان

الندامة و الافلاس: حاصلِ «کدخدایی»

القلتبان والترش روی: بدوزن

القوز بالای قوز: مادرزن

الشهوت: خانه برانداز مرد و زن

الفرجِ بعدالشدة: لفظِ سه طلاق

***

الکدخدا: طوق دو شاخه در گلو

الکدخدائی: تدارک شاخ‌زنی و شاخ‌داری

الاولاد: تسلّی دل و آزارجان*

در رسالهٔ «صد پند» هم، به برخی از گرفتاری‌ها و اشتغالات ناشی از اهل و عیال، به تعریض، اشاره گردیده و در مورد آنها هشدار داده‌شده است:

«از حکومت دایه و تنعّم قابله و شکل کهواره و گریهٔ بی‌هنگام بچه و گندهٔ... کهنه و مغزخر دیزه و سلام داماد و نفاق عروس و تکلّف مادرزن ترسان باشید**» در همان رساله (ذیل شماره‌های ۲۶ و ۳۶) چنین آمده است:

- «مجّردی و قلندری را مایهٔ شادمانی و اصل زندگانی دانید.»

- «زن مخواهید تا قلتبان مشوید»

و نیز در «رسالهٔ دلگشا»، در قالب تمثیلی جالب، احوال سه مرد مورد مقایسه قرار گرفته

---

* - از تعریفات ملا دو پیازه (کلیّات عبید)

** - این مورد، از کلیات عبید به تصحیح شادروان دکتر محمدجعفر محجوب که توسّط دکتر احسان یارشاطر به چاپ رسیده نقل شده است.

است: نخست، کسی که سر به گریبان، در اختیار تأهّل مردّد است، دوّم، کسی که ازدواج کرده و دچار پشیمانی شده و سوّم کسی که همسر خود را طلاق گفته است:

«در سرای ترکان خاتون، خطاییان (= ختائیان، اهالی ختا، ناحیه‌ای در شمال چین) در اثنای (= میان، بین) صورتها سه صورت ساخته‌اند: یکی نشسته و سر به جیب تفکّر فر برده. یکی دست بر سر می‌زند و به دست دیگر ریش می‌کند و یکی رقص می‌کند. بر بالای اولین نوشته‌اند که این کس فکر می‌کند که زن بخواهم یا نه...دوم زن خواسته است و پشیمان شده. سوّم را نوشته‌اند که این زن طلاق داده است و فارغ شده...»

در بین اشعار عبید هم ابیات متعددی در نکوهش ازدواج و ستایش تجرّد مشاهده می‌شود از آن جمله است:

مجرّد باش و برریش جهان خند — ز مردم بکسل و بر مردمان خند
مکن زن هر زمان جنگی نیندوز — ز بهر شهوتی ننگی میندوز
علایق بر سرخاکت نشاند — مجرّد شو که تجریدت رهاند

حکیم روحانی تبریزی (از شعرای قرن نهم هق)، مردان را از دو کار برحذر می‌دارد: اختیار تأهّل حتی اگر همسر مورد نظر پادشاه‌زاده باشد و اخذ وام هر چند بازپرداخت آن به قیامت موکول گردد:

مرد آزاده به گیتی نکند میل دو کار — تا همه عمر ز آفات سلامت باشد
زن نخواهد اگرش دختر قیصر بدهند — وام نستاند اگر وعده قیامت باشد*

شجاع، مولّف کتاب «انیس الناس» (مورّخ ۸۳۰ هـ ق) هم، ضمن فصلی از کتاب مزبور، تحت عنوان «در نصایح حکماء فرزندان را» به مردان توصیه می‌کند که حتی‌المقدور به اختیار همسر تن در ندهند و بی‌نیازی و آزادی عمل خود را محفوظ نگاهدارند:

«تا توانی مجرّد زی (= زندگی کن) و منفرد باش چه مجرّدی علّتِ استغناء و آزادی است»

هم او، در جایی دیگر از کتاب یاد شده، با لحنی بسیار موهن، به تنقید از زنان و تقبیح

---

*- منقول از امثال و حکم دهخدا، جلد ۳ صفحهٔ ۱۵۱۱ (ناگفته نماند که در جلد ۱ امثال و حکم، صفحهٔ ۴۱۴ دو بیت یاد شده با مختصر تفاوتی به ابن‌یمین منتسب شده است.)

همسرگزینی می‌پردازد:

«مرگ بِه دان از نیاز به همسران خویش!»[۲۶]

فخرالدین اوحد مستوفی (= اوحد سبزواری، متوفای ۸۶۸ هـ ق) نیز، از طرفداران تجرّد و عُزوبت است. نامبرده در پاسخ به یکی از مصاحبانش که وی را به اختیار تأهّل تشویق و تحریض می‌کرده، ضمن ابیاتی به عدم سنخیتِ فکری بین مرد و زن، به زعم خویش، استناد کرده است:

همدمی می‌گفت با اوحد در اثنای سخن
کای تو آگاه از رموز چرخ و راز آسمان
مریمِ طبع‌گهر زایت چراکرده‌است قطع
چون مسیحا رشتهٔ پیوند از وصل زنان؟
مرد را هرگز نگیرد چهرهٔ دولت فروغ
تا به نور زن نپیوندد چراغ خانمان
گفتمش ای یار نیکوخواه می‌دانم یقین
کز نکوخواهان نمی‌شاید به جز نیکی گمان
وصل زن هر چند باشد پیش مرد کامجوی
روح و راحت راکفیل‌و عیش وعشرت را ضمان
لیک با او شمع صحبت در نمی‌گیرد از آنک
من سخن از آسمان می‌گویم او از ریسمان[۲۷]

ملاحسین کاشفی (متوفی در ۹۰۶ یا ۹۱۰ هق) هم، ضمن بیت مشهوری، به مردان توصیه می‌کند که به خاطر لحظه‌ای ارضای جنسی، خود را تسلیم خواسته‌های زنان نکنند که این، از آیین شیرمردان بدور است:

برای یک دمه شهوت که خاک بر سرآن زبون زن شدن آیین شیرمردان نیست[۲۸]

روحی اُنارجانی از شاعران نیمهٔ دوم قرن دهم هجری نیز، از مخالفان و منتقدان سرسخت تاهّل است. وی فصل دهم از رسالهٔ خود را[۲۹] به شرح عواقب ناگواری

اختصاص داده که به زعم او، بر ازدواج مترتب است. در آغاز فصل مزبور که عنوان آن «مذمّت کدخدایی از قول اکابر» است، چنین می‌خوانیم:

«بدان که کدخدائی بلائی است مبرم و باعث صدگونه درد و اَلَم چنانکه قائل (= گوینده‌ای) گفته؛ شعر:

گر کار نه برقرار خواهی زن خواه ور محنت بی‌شمار خواهی زن خواه
آوارگی از دیار خواهی زن خواه نه روز و نَه روزگار خواهی زن خواه

بنا به استدلال روحی، فایده و بهرهٔ ازدواج ایجاد فرزند است که در صورتیکه صالح از کار در آید (امری که احتمال آن اندک است)، البته سعادتی است مقرون به آسایش و در صورتیکه ناخلف شود، مصیبتی است عظمی و نشانهٔ خشم خداوند نسبت به پدر و مادر:

«...فی‌الواقع، آن کسانی که ایشان را فهم دقیق و فکر عمیق است چون نیک ملاحظه فرمایند که از کدخدایی حظ و بهره‌ای که هست کدام است، [به این نتیجه می‌رسندکه]: اولاً نطفه‌ایست که به وجود آید [که] اگر قابل (= صالح) باشد دولتی است روزافزون و سعادتی است به راحت مقرون و آن کم‌واقع شود، تا حضرت حق تعالی که را نصیب کند و اگر ناقابل (= ناصالح) و ناهموار باشد غضبی است من عندالله مر پدر و مادر را که هیچ علاج ندارد چنانکه حضرت شیخ سعدی علیه‌الرحمه فرموده است:

زنان باردار ای مرد هشیار اگر وقت ولادت مار زایند
از آن بهتر به نزدیک خردمند که فرزندان ناهموار زایند

اما از آنجا که عالَمِ مهر و محبت پدر و مادریست، [فرزند هرقدر ناخلف و نامطلوب هم باشد باز در نظر پدر و مادر عزیز است] چنانکه گفته‌اند، بیت:

زاده اگر تودهٔ خاکستر است سرمهٔ چشم پدر و مادر است

حال، صرف‌نظر از آن همه آلام و مصائبی که والدین برای پرورش فرزند متحمل می‌شوند، باید در نظرگرفت که در صورتِ فوتِ پدر و مادر و یا اولاد، حال و روز فرزند در حالت یتیمی و وضع پدر و مادر در فقدانِ فرزندِ دلبندِ خود چگونه خواهد بود؟

«نیکو ملاحظه فرمایند که با وجودِ این همه بلیه، از حین طفولیت تا سرحد کمال فرزند، در رعایت و تربیتشان چه می‌کشند و اگر ایشان رامفارقتی یا مصیبتی روی نماید احوال فرزندان در یتیمی و پدران و مادران را در بی‌فرزندی چه می‌شود؟...»

به اعتقاد روحی، مصیبت تأهّل ناشی از این است که زن یا زیباست و یا زشت. اگر زیبا باشد به عفاف و سازگاری او مطمئن نمی‌توان شد و اگر عفیف باشد، یقیناً زیبا نخواهد بود! و نیک پیداست که مصاحبت و مباشرت با زن زشت‌روی خود عذابی است دردناک:

«...غم و الم کدخدایی (= همسرداری) آنکه: اگر زن مقبولهٔ (= خوش‌سیما) باشد معلوم نیست که مستوره (= پوشیده، باعفاف) باشد و سازگار بود زیرا که مقبولهٔ مستوره کمیاب و نادر می‌باشد... و اگر مستوره باشد به یقین که مقبوله نخواهد بود و با ناقبول* صحبت داشتن خود عذابی است الیم و بلائی است چنانکه شیخ سعدی می‌فرماید؛ شعر:

زینهار از قرین بد زینهار　　و قِنا ربّنا عذاب النار

و نیز گفته‌اند:

به بی‌رغبتی شهوت انگیختن　　به رغبت بود خون خود ریختن

حاصل کلام اینکه اختیار «تأهّل» را جز پشیمانی و ملال نتیجه و ثمری نیست و از این رو باید از گرفتار آمدن در دام آن برحذر بود:

«...پس، از کدخدائی در سَفَر و حَضَر...بجز ندامت و ملالِ خاطر چیزی متصّور نیست. زنهار که به سخن ایشان و زنکان بی‌عقل که خود را بخواهند بیارایند و دو سه روزی حظ و عیش کنند... خود را در گرداب بلای بحر کدخدایی سرگردان و مستغرق نباید ساخت و روزگار خود را سیه و تبه نباید کرد و قدر تنهائی و ذوق تجّرد را دانسته، مردانه‌وار قدم از وادی تاهّل [بیرون] باید کشید و گویِ سعادت و عشرت از میدان فراغت ربوده، از این امرِ کریه احتراز باید نمودن و فارغ نشستن. ای وای به حال آن کسانی که این مضمون رابه سمعِ رضا نشنوند و خود را به بلیّات و عقوبات گرفتار سازند و کدخدایی اختیار کنند! یقین که تیره‌بخت و سیاهروز خواهند بود! چنانکه قائل

* - به احتمال زیاد، این کلمه در اصل، «نامقبول» (به معنای زشت‌رو) بوده است.

گفته، شعر:

چو تیره شود مرد را روزگار — رود کدخدایی کند اختیار
کند سر به زیر لحاف کهن! — همه آن کند کش نیاید به کار

زیرا که حاصل از این کار به جز بی‌حاصلی نیست...»

در پایان این بخش، بی‌مناسبت نیست نقل قول‌هایی را که در کتاب **مطلع‌العلوم** در مذمّت تأهّل آمده است، ذکر کنیم:

از حکیمی پرسیدند: چه گویی در حق نکاح؟

گفت: یک ماه شادمانی است و بعد از آن اندوه جاودانی

***

حکیمی گفت: من مجّرد بودم، کدخدایان (=متأهلان) گنگ بودند که مرا بر گرفتاری‌های کدخدایی مطلع نکردند و اکنون که من کدخدا شده‌ام مجّردان کر شده‌اند که گوش به نصیحت من ندارند.*

گروه دوم: صوفیان و عرفایِ طرفدار تجّرد

در نظر بسیاری از متصّوفان و عارفان، اختیار تأهّل و قبول مسئولیت‌های خانوادگی به عنوان نوعی مانع در راه ریاضت و تزکیه نفس تلقی می‌شود.** در تأیید این مدعا، به آراء چندتن از بزرگان متصوفه و عرفا، اشاره می‌گردد:

سخن را از **رابعهٔ عدویه** ـ عارفهٔ بسیار مشهور قرن دوم هجری ـ آغاز می‌کنیم:

---

*- کتاب کوچه، گردآوری شادروان **احمد شاملو**، حرف الف، دفتر پنجم

- از **حسن بصری منقول است که «اگر خداوند برای فردی خیر و نیکی خواست هرگز او را دچار زن و فرزند نخواهد کرد» و از **رباح بن عمرو قیسی** روایت شده است که «شخص به درجهٔ صدّ یقین نمی‌رسد مگر اینکه زن خود را چون بیوه‌ای رها نماید و فرزندان خود را چون یتیمان کند و به لانهٔ سگان پناه برد» (نظیر این گفته را **عطّار** در «تذکرة الاولیاء» از **ابراهیم ادهم** به این شرح نقل کرده است: «تا عیال خود را چون بیوگان نکنی و فرزندان خود را چون یتیمان نگردانی و شب بر خاکدان سگان نخسبی، طمع مدار که در صف مردانت راهی دهند!»)

ابوسلیمان دارانی می‌گفت: «ازدواج روی آوردن به محبت دنیاست» و **وحید اغرب** معتقد بود که «در حال تجّرد، شیرینی عبادت و فراغت خاطر بیشتر است» و **شیخ ابواسحاق** کازرونی مدعی آن بود که اگر در پیش من، زنی از استونی (= ستونی) تفاوت بودی نکاح کردمی» (مستخرج از کتاب «پردهٔ پندار» اثر علی دشتی)

زندگی این زن زاهد نامدار به شیوهٔ زندگی زنان راهبهٔ مسیحی بسیار شبیه بود: وی غالب اوقات خود را به ذکر و عبادت می‌گذرانید و جز به معبود نمی‌اندیشید. به گفتهٔ یکی از نویسندگان، وی «چنان از هواهای نفسانی پاک شده بود که **حسن بصری** گفت: یک شبانه روز نزد رابعه بودم. هرگز به ذهن من نیامد که من مردی هستم و او زنی. چون از پیش او برخاستم خود را مفلسی دیدم و او را مخلصی»

منقول است که روزی حسن بصری ـ عارف شهیر قرون اول و دوم هجری ـ از وی خواستگاری کرد. رابعه چنان فانی در حق شده بود که گفت: «عقدِ نکاح به موجودی تعلّق می‌گیرد و اینجا دیگر موجودی باقی نمانده است. من از خود نیست شده و به او هست شده‌ام. همه از آنِ او هستم و در حکمِ او. اجازهٔ خواستگاری از او باید خواست نه از من»*(۳۰)

معروف است که ابراهیم ادهم ـ با همه زن گریزی‌اش ـ ارج و احترام وافری برای رابعه قائل بود.

حکیم ناصرخسرو قبادیانی ـ شاعر، متفکّر و فیلسوف قرن پنجم هجری (متوفای ۴۸۱ هق)هم، از زمرهٔ مخالفان ازدواج است. گرچه نامبرده را نمی‌توان ـ به مفهوم اخصّ کلمه ـ از جملهٔ عرفا و متصوفه به شمار آورد ولی گرایش‌های عرفانی و صوفیانه وی قابل انکار نیست.

ناصرخسرو، ضمن اشعار خود، در چندین جا به مردم توصیه می‌کند طریق «تجرّد» را برگزیند و از شیوهٔ عیسی‌بن مریم و ابراهیم ادهم ـ در اجتناب از تاهّل ـ پیروی کنند:

چو خواهی زین سرا رفتن یکی روز — شب تجرید را شمعی برافروز
مجرّد باش چون عیسی‌بن مریم — تبرا کن چو ابراهیم ادهم

سعادت‌نامه

منه برجان خود بار زر و زن — قدم بر تارک این هر دو برزن

---

*- از حسن بصری این سخن نیز نقل شده است که: «برادران پیش ما عزیزترند از اهل و فرزند که ایشان یار دین‌اند و اهل و فرزند یار دنیا و خصم دین»(۳۱) (همان مأخذ)

روشنایی نامه

چشم و دل و گوش هر یکی همه شب پند دهد با تن نزار مرا
چشم همی گوید از حرام و حرم بسته همی دار زینهار مرا[۳۲]

سنائی غزنوی (متوفای ۵۲۵ یا ۵۴۵ هـ ق)، در کتاب حدیقةالحقیقه خود روابط و علایق زناشویی را نشانهٔ دلبستگی و پایبندی به دنیا و به عنوان عاملی که از خودشناسی و تزکیهٔ نفس مانع می‌شود، تلقی کرده است. به عقیدهٔ وی، این بستگی‌ها و علائق باید حتی‌المقدور کاهش یابد و افراد زیر بار مسئولیت زندگی مشترک نروند. نامبرده، در یکی از اشعار خود، ضمن برشمردن خصایص «صوفی» وی را بدین‌گونه توصیف می‌کند:

شادمانه بود به گاهِ رحیل* نبود پای بسته همچو معیل
همه بی‌خان و مان و بی‌زن و جفت نه مقامِ نشست و معدن خفت**[۳۳]

وی هر نوع وابستگی و تعلّق ـ بجز دلبستگی به معبود ـ را هوی و هوس می‌داند:

چه کنی خویش، خویشت الله بس هرچه زو بگذری هوی و هوس

و درمقام معرفی خود چنین می‌گوید:

من نه مردِ زر و زن و جاهم به خدا گر کنم وگر خواهم

هم او در جایی دیگر، در مذمّت زن و ازدواج این‌گونه اظهارنظر می‌کند:

مرد را دل‌شکسته دارد جفت تیر را پای بسته دارد جفت
ملک عالم به زیرتنهایی است مردِ تنها نشان زیبایی است[۳۴]

جلال الدین محمد مولوی هم، علیرغم اشعار سابق‌الذکرش مبنی بر ضرورت و مقتضایِ فطرت بودنِ ازدواج، در چندین مورد، توجّه به امور جنسی و دلبستگی به زن و فرزند را مورد عتاب و نکوهش قرار داده است:[۳۵]

زلّت آدم ز اشکم بود وباه*** و آنِ ابلیس از تکبّر بود و جاه

---

* - هنگام رحلت ** - جای خوابیدن
*** - لغزش و گمراهی انسان ناشی از شکم‌پرستی و تمایل جنسی او بود.

مثنوی: دفتر پنجم، صفحه ۲۸۷

هرکه را فرج و گلو آیین و خوست　　آن «لکم دین ولی دین» بهر اوست*

دفتر پنجم، صفحهٔ ۳۴۵

ای که صبرت نیست از فرزند و زن　　صبر چون داری زحی ذوالمنن

دفتر دوم، صفحهٔ ۱۲۶

گه خیال نقره و فرزند و زن　　گه خیال بوالفضول و بوالحزن**

دفتر دوم، صفحهٔ ۸۹

شیخ محمود شبستری ـ عارف قرون هفتم و هشتم هجری (متوفی در ۷۲۰ هـ ق) هم، از مخالفان تاهّل و تعلّقات خانوادگی است:

زر و زن نیست الا مایهٔ غم　　به جا بگذار چون عیسی بن مریم
هرآن نسبت که پیدا شد ز شهوت　　ندارد حاصلی جز کبر و نخوت
اگر شهوت نبودی در میانه　　نسبها جمله می‌گشتی فسانه
چو شهوت در میانه کارگر شد　　یکی مادر شد آن دیگر پدرشد
نمی‌گویم که مادر یا پدر کیست　　که با ایشان به حرمت بایدت زیست
نهاده ناقصی را نام خواهر　　حسودی را لقب کرده برادر
عدوی خویش را فرزند خوانی　　زخود بیگانه خویشاوند خوانی
مرا باری بگو تا خال و عم کیست　　وزایشان حاصلی جزدردوغم‌چیست؟(۳۶)

گلشن راز

عزالدین محمود کاشانی از جملهٔ علما و عرفای قرون هفتم و هشتم هجری (متوفای ۷۳۵ هـ ق) و صاحب کتاب معروف **مصباح‌الهدایة و مفتاح الکفایة** است که از امّهات کتب عرفانی و اخلاقی به شمار می‌رود. وی بخش مستقلی از این کتاب را تحت عنوان:

---

*- در مورد کسی که فقط در بندِ شکم و در اندیشهٔ ارضای غریزهٔ جنسی خود باشد، این آیه مصداق دارد که: تو بر دین و آیین خویش باش، من هم تابع دین و آیین خویشم.

**- البته بعید نیست که آنچه در این اشعار واقعاً مورد ایراد و انتقاد مولوی قرار گرفته است، افراطِ در پرداختن به مسائل جنسی و مستغرق شدن در علاقمندی و وابستگیِ به زن و فرزند باشد.

«در آداب تجرّد و تاهّل» به بررسی موارد تجویز و عدم تجویز ازدواج اختصاص داده است:(۳۷)

کاشانی به دلیل «اختلاف احوال نفوس»، ارائهٔ دستورالعمل واحدی را در مورد ازدواج ـ که در مورد همهٔ مردم قابل اعمال باشد ـ امکان‌پذیر نمی‌داند و معتقد است که باید برای هر گروه ـ به تناسب مقتضیات و شرایط ویژهٔ آنها ـ راه حل خاصی تجویز کرد:

۱- برای افرادی که اسیر و منقاد تمایل جنسی بوده و به جهتِ عدم خویشتن‌داری و ضعف اراده فاقد قدرت مقاومت کافی در برابر طغیان شهوت باشند، توسّل به ازدواج، لازم و ضروری است:

«در حقِ بعضی که اسیرِ توقانِ (= شدّت تمایل و اشتیاق) مفرط و مغلوبِ شهوتِ متسلّط باشند و از ایشان به سببِ ضعف تقوی و قلّت صبر بر مراغمت (= سرکوبی) هوی، تورّطِ (= فرو غلطیدن) در مخالفات (= اعمال خلاف شرع) متوقّع و خوفِ عَنَت واقع، نکاح ضروری بود»

۲- در مورد کسانی که در مراحل اولیهٔ سیر و سلوک قرار دارند و آثار و بقایای تمایلات نفسانی هنوز در آنها باقی مانده و در نتیجه، امکان لغزش آنها منتفی نگردیده است، اجتناب از ازدواج فضلیت است:

«در حق طایفه‌ای که هنوز در عنفوان طلب و شرخ (= آغاز) ارادت باشند و نفوس ایشان در طلب مراد طیّاش (= سبکسر) و وثّاب (= جهنده) و دّر اثناء سیر و سلوک باشند و به اذیال (= دنباله‌های) بقایای صفات نفوس متعلّق و متعثّر (= لغزش‌پذیر)، تجرّد و تفرید فضلیت بود»

۳- و بالاخره در مورد افرادی که مراحل اولیهٔ سیر و سلوک را پشت‌سر گذاشته، خویشتن را از پیروی هواهای نفسانی رهانیده و با فراغت از وسوسهٔ اعمال خلاف، به حالت آرامش روحی و طمانینه نایل آمده باشند، اختیار تأهّل نه تنها جایز که اولی و

اصلح است:*

«...در حقِ جماعتی که نفوسِ ایشان از تتبّع (= پیروی) هوی روی برتافته باشد واز طیشِ مخالفات، سکون و طمانینت یافته و از مکاوحت (= مقابله) و منازعات با دل منسلخ و منخلع (= منصرف) شده و امارت واشارت دل را مطیع و مجیب گشته، نکاح و تاهّل فضلیت بود»

شیخ نجم الدین (عبدالله بن محمد بن محمد بن علی اصفهانی)، از اکابر عرفای قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هم، از مخالفان سرسخت تاهّل است. یافعی در مورد او می‌گوید:

«از او پرسیدند هرگز زن خواسته‌ای؟

(در پاسخ) گفت: هرگز زنی تزویج نکرده‌ام و هرگز طعامی نخورده‌ام که آن را زنی پخته باشد»[۳۷] و سرانجام باید از شاعر و عارف قرن نهم هجری مولانا **عبدالرحمن جامی** یاد کرد که وی را نیز با تاهّل نظری ناموافق است:

بیا ای چو عیسی تجرّد نهاد — ترا زین تجرّد تمرّد مباد
چو عیسی عنان از تجرّد نتافت — سوی آسمان از تجرّد شتافت

جامی، ازدواج را موجب بر باد رفتن دل و دین می‌داند و مؤکدانه به مردان توصیه می‌کند که هیچگاه درصدد اختیار تاهّل بر نیایند:

تعلّق به زن دست و پا بستن است — تجرّد از آن بند وارستن است
ز شهوت اگر مرد دیوانه نیست — ز رسم و ره عقل بیگانه نیست
چرا بند بر دست و پا می‌نهد — دل و دین به باد هوا می‌دهد
چو خوش گفت دانا حکیمی که گفت — که دارم ز خواهندهٔ زن شگفت

«خردنامهٔ اسکندری»

چو عیسی تا توانی خفت بی‌جفت — مده نقد تجرّد را زکف مفت

---

*- به اعتقاد کاشانی، در مراحل بالاتر سلوک که عارف، به تعبیر او، به **علم سعت** دست می‌یابد، به مرتبه‌ای از خودشناسی رسیده است که بتواند قضاوت کند آیا ظرفیت و توانایی او در چه حدی است و آیا قبول زن و فرزند برای او مقرون به صواب و مصلحت هست یا نه؟

به گلخن پشت برخاکستر گرم بـــه از پـــهلویِ زن در بســتر نـرم

«یوسف و زلیخا»

در پایان این بحث از تذّکر دو نکتهٔ مهم ناگزیریم:

۱- همانگونه که قبلاً اشاره شد، همهٔ عرفا و متصوفه در مورد جایز نبودن اختیار تاهّل و یا عدم مطلوبیت آن اتفاق نظر ندارند* و برخی ـ از آن جمله ابوسعید ابی‌الخیر و غزّالی، ازدواج و زاد و ولد را نه تنها منافی با تزکیه نفس و سلوک نمی‌دانند بلکه آن را عملی مستحسن و یا لااقل «ضرورتی انکارناپذیر» به شمار می‌آورند.

۲- بررسی شرح احوال بسیاری از صوفیه و عرفا حاکی از آن است که تعداد قابل ملاحظه‌ای از آنان در مورد مسئلهٔ اختیارِ **تأهّل**، مصداق بارز **واعظ غیرمتّعظ** بوده‌اند. از آن زمره‌اند **شیخ محمود شبستری** که بنا به نوشتهٔ صاحب ریاض السیاحة در اواسط زندگی به صوب کرمان تشریف آورده و در آنجا مکرّمه‌ای نکاح کرد و بسری از آن عفیفه متولد گشت و مولانا عبدالرحمن **جامی** که دختر سعدالدین کاشغری را به زنی گرفت و صاحب فرزندان بسیار شد.

---

*- منقول است که «**بشر حافی**» ـ که در همهٔ زندگی خود از زناشویی دوری می‌جست ـ «**احمد بن حنبل**» را ـ که برای خود زن برگزیده و به این ترتیب توانسته بود از سنّت پیروی کند ـ برخود ترجیح می‌داد. «**حاتم اصم بلخی**» تا حد نصاب کامل شرعی زن اختیار کرده بود و **ابوسلیمان دارانی** ـ با وجود آنکه اصولاً زناشویی را به منزله بازگشت به «دنیادوستی» (یا «حب‌الدنیا») تلقی می‌کرد ـ بر آن بود که برای کسی که بر اثر تجّرد دچار عسر و حرج گردیده، اختیار تاهّل اولی است. علاوه بر این، بسیاری از متصوفه تحمّل بار عیال و فرزند را به مثابهٔ تکلیف و آزمایشی الهی به شمار می‌آورند از آن جمله «**بوالحسن خرقانی**» معاشرت با همسر ناسازگار خود را از موارد این آزمایش می‌دانست و «**ابوسعیدابن‌الخیر**» بار اختیار تاهّل و داشتن فرزند را «جلوهٔ سیر حضور» تلقی می‌کرد؛ «**شیخ احمد جامی**»[۳۹] بیش از چهل پسر با دختر داشت و «**عبدالقادر گیلانی**»، **شیخ زاهد گیلانی**» ، «**شیخ صفی‌الدین اردبیلی**» و «**شاه نعمت‌الله ولی**» همگی دارای زن و عموماً صاحب فرزندان متعدد بودند.

حاصل سخن:

۱- گرچه جمعیت‌شناسی دانشی نوین است ولی بسیاری از مفاهیم و موضوعات مربوط به جمعیت ـ نظیر: زناشوئی، ناباروری، سالخوردگی... ـ بسیار قدیمی‌آند و سابقه‌ای به قدمت تاریخ بشر دارند.

۲- با توجه به ارتباط تنگاتنگی که از دیرباز بین مفاهیم و مسائل مربوط به جمعیت و زندگی انسانها وجود داشته، این مفاهیم، به نحوی گسترده در فرهنگ‌های مختلف ـ و از آن جمله در فرهنگ و ادب پربار فارسی ـ انعکاس و تجلّی یافته است.

۳- در آثار اکثریت متفکّران، (از آن جمله: فردوسی، مولوی، غزالی و ابوسعیدابی‌الخیر و...) نویسندگان و شاعران ایرانی، زناشویی، به عنوان تنها طریقهٔ مقبول ارضاء غریزهٔ جنسی و تنها وسیلهٔ مشروع تداوم نسل، مورد تحسین ـ و حتی تقدیس ـ قرار گرفته است.

۴- بدیهی است که در بین نویسندگان و شاعران ایرانی متقدّم ومتأخر، تأهّل و تشکیل خانواده مخالفان و منتقدانی هم داشته است. اینان، بیشتر در دو گروه متمرکزاند:

الف ـ کسانی که همسرگزینی و زاد و ولد را مخّل آسایش خیال و موجب محدودیت آزادی عمل فرد دانسته‌اند. این صاحب‌نظران برای بیان مخالفت و یا انتقاد خود غالباً زبان طنز و مطایبه را برگزیده‌اند که نمونهٔ بارز آنها عبید زاکانی است.

ب ـ برخی از صوفیان و عارفان اختیار تأهّل و قبول مسئولیت‌های خانوادگی را منافی با سلوک و تزکیهٔ نفس تشخیص داده‌اند که از معروف‌ترین آنها می‌توان از ناصرخسرو، سنائی و جامی،...یاد کرد.

شایان توجه است که در میان گروه اخیر، تعداد قابل ملاحظه‌ای، مصداق بارزِ **واعظ غیرمتّعّظ** بوده‌اند یعنی در عین حال که به دیگران تجّرد و تفّرد را توصیه می‌کردند خود تأهّل اختیار می‌کردند و گاه صاحب فرزندان کثیری می‌شدند.

یاداشت‌ها و مآخذ:

۱- واژهٔ فرانسوی Demographie که امروزه از آن، در زبان فارسی به جمعیت‌شناسی تعبیر می‌شود، نخستین بار در سال ۱۸۵۵ توسط آشیل گیار، Achille Guillard آمارشناس فرانسوی، به کار برده شد؛ ولی بین آنچه گیار دموگرافی نامید و آنچه امروز دموگرافی (جمعیت‌شناسی) تلقّی می‌شود، تفاوت از زمین تا آسمان است.

۲- برای توضیحات تفصیلی در این خصوص رجوع کنید به کتاب کوچک ولی پرمحتوای **تصویر زن در فرهنگ ایرانی** اثر روانشاد استاد سیّد محمدعلی جمال‌زاده، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۵۷، مبحث مربوط به فردوسی و زنان

۳- **شاهنامهٔ فردوسی** (براساس چاپ مسکو)، دکتر سعید حمیدیان، تهران، جلد ۸، صفحهٔ ۹۵ ابیات ۷۳۰ و ۷۳۱

۴- همان مأخذ، جلد اوّل، صفحهٔ ۱۷۵، ابیات ۶۰۲ و ۶۰۳

۵- دو بیت اخیر در حاشیه صفحهٔ ۱۷۵ جلد اوّل آمده است

۶- همان مأخذ، همان صفحهٔ، بیت ۶۰۴

۷- همان مأخذ، جلد اوّل، صفحهٔ ۱۶۶، بیت ۴۵۰

۸- همان مأخذ،

۹- همان مأخذ، جلد اوّل، صفحهٔ ۱۷۶، بیت ۶۱۹

۱۰- همان مأخذ، جلد اوّل، صفحهٔ ۱۷۵، بیت ۶۰۸

۱۱- همان مأخذ،

۱۲- همان مأخذ، جلد اوّل، صفحهٔ ۱۷۵، بیت ۶۰۵

۱۳- منقول از **امثال و حکم** دهخدا، جلد سوّم، صفحات ۱۳۵۶ و ۱۳۵۴

۱۴- همان مأخذ، جلد سّوم، صفحهٔ ۱۲۰۹

۱۵- ویس و رامین، به نقل از تصویر زن در فرهنگ ایرانی، پیشین، صفحهٔ ۴۰

۱۶- غزّالی، امام محمد، **کیمیای سعادت**، به تصحیح شادروان استاد احمد آرام، تهران، ۱۳۳۴، کتابخانه و چاپخانهٔ مرکزی، صفحات ۲۳۸ تا ۲۴۷

۱۷- ابی‌الخیر، ابوسعید، **اسرارالتوحید**...

۱۸- در **امثال و حکم** دهخدا، جلد ۱، صفحهٔ ۲۸ این سخن به نقل از قابوسنامه از ابوسعید ابی‌الخیر روایت شده است.

۱۹- برای توضیحات تفصیلی رجوع کنید به تصویر زن در فرهنگ ایرانی، پیشین

۲۰- کلیه اشعاری که از مولوی در این مقاله آمده از **مثنوی معنوی**، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی رومی، به تصحیح و مقابله و همّتِ مرحوم محمد رمضانی از انتشارات کلالهٔ خاور در تهران (چاپ اول ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۹) نقل شده است.

۲۱- به اعتقاد مولوی پرخوری موجب ازدیاد تمایل جنسی است (برای توضیحات بیشتر در این زمینه رجوع کنید به کتاب: **درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت‌شناسی** تألیف: احمد کتابی، از انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷ تحت عنوان توالد و تناسل و گرسنگی صفحهٔ ۳۰۵ به بعد

۲۲- اوحدی مراغه‌ای، رکن‌الدین، **جامجم**، تهران، انتشارات مجلهٔ ارمغان، ۱۳۰۷

۲۳- همان مآخذ

۲۴- مستوفی، حمدالله **تاریخ گزیده**، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوائی، صفحات ۱۱۷ تا ۱۲۰ (به نقل از **تاریخ اجتماعی ایران** تألیف روانشاد مرتضی راوندی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳، جلد ششم، صفحهٔ ۸۷)

۲۵- زاکانی، عُبید، **کلیات** با مقابله با نسخهٔ مصحّح، شادروان عباس اقبال آشتیانی و چند نسخهٔ دیگر با شرح و تعبیر و ترجمهٔ لغات و آیات و عبارات عربی از پرویز اتابکی، کتابفروشی زوّار، چاپ دوّم، ۱۳۴۴

۲۶- شجاع...**انیس الناس**، به کوشش ایرج افشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰

۲۷- به نقل از **تاریخ اجتماعی ایران**، پیشین، جلد هشتم، صفحه ۳۶۶

۲۸- **تصویر زن در فرهنگ ایرانی**، پیشین

۲۹- **رسالهٔ اُنارجانی** عنوان رسالهٔ مختصری است که روحی اُنارجانی از شاعران نیمه دوم قرن دهم هجری در دوازده فصل و یک مقدمه در عقاید و رسوم مردم تبریز نگاشته است. وی احتمالاً منسوب به اُنارجان از روستاهای ناحیهٔ اُنار واقع در میان اردبیل و مشکین‌شهر است. این رساله با تصحیح استاد فقید سعید نفیسی در جلد دوّم **فرهنگ ایران زمین** (به کوشش ایرج افشار و دیگران، چاپ دوّم، ۱۳۳۳) صفحات ۳۲۹ تا ۳۷۲ درج شده است.

۳۰- خوانساری، دکتر محمد، مقالهٔ «رابعه، سوختهٔ عشق و درد»، نشریهٔ **فرهنگ و زندگی**، انتشارات شورای عالی فرهنگ و هنر، شمارهٔ ۱۹ و ۲۰، ۱۳۵۴ و نیز نگاه کنید به **تذکرة الاولیاء**، به تصحیح دکتر محمد استعلامی، انتشارات زوّار، ۱۳۷۴، صفحات ۷۹ و ۴۶

۳۱- همان مأخذ

۳۲- **۱۵ قصیده از حکیم ناصرخسرو**، به کوشش دکتر مهدی محقّق، انتشارات دانشگاه تهران،

۳۳- سنائی، مجدودبن آدم، **حدیقةالحقیقه و شریعةالطریقه** (منتخب)، به اهتمام شادروان مدرس رضوی، انتشارات امیرکبیر، صفحهٔ ۳۵ و...

۳۴- برای آگاهی بیشتر در زمینهٔ نظریهٔ سنائی در خصوص تاهّل رجوع کنید به کتاب «حدیقة الحقیقه...» (چاپ تهران، سپهر، ۱۳۲۹) ذیل عناوین: «در نکوهش این جهان»، «اندر مذّمت این دنیا»، «در معنی زناشویی»، «حکایت و مثل»، صفحاتْ ۴۲۷، ۴۳۱، ۶۶۴ و ۲۳۵.

۳۵- **مثنوی معنوی**، به تصحیح محمد رمضانی، پیشین

۳۶- شبستری، شیخ محمود، **گلشن راز**، چاپ اصفهان، کتابفروشی تایید، ۱۳۴۶

۳۷- کاشانی، عزالدین محمود، **مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة** به تصحیح استاد فقید جلال‌الدین همائی صفحات ۲۵۴ تا ۲۶۳ و نیز رجوع کنید به کتاب **درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت‌شناسی** تألیف نگارنده، پیشین، صفحات ۲۴۴ تا ۲۴۹

۳۸- لغت‌نامهٔ دهخدا، ذیل مدخل نجم‌الدین (به نقل از «شدالازار»)

۳۹- در توصیف ریاضتهای شیخ احمد جام آمده است که «گاه از شهوت رنج می‌برد و به کمک روزه از غلبهٔ شهوت می‌کاست» تا سرانجام بر آن شد که آلت رجولیت خود را ببرد که ناگاه هاتفی آواز داد که یا احمدا خون سی‌ونه کس از اولیای خدای در گردن می‌کنی ....چون شیخ این آواز بشنید، ترک گفت و در آخر عمر پیوسته زنان می‌خواستی، تا ۳۹ پسر از وی در وجود آمد و سه دختر» (مأخذ: **مقامات ژنده‌پیل** صفحهٔ ۲۱۰...) و نیز رجوع کنید به کتاب «**مجموعه مقالات بدرالدین کتابی**»، تهران، انتشارات نوین، ۱۳۶۷، صفحهٔ ۶۵

سپاسگزاری: از آقای مهدی مدائنی ـ شاهنامه‌شناس متبحّر ـ که به نگارنده، در یافتن ضبط صحیح اشعار فردوسی یاری فراوان نموده‌اند کمال تشکّر را دارد.

جمعیت و توسعه

جمعیت عنصر کلیدی در توسعه ملی
(سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی)

دکتر جعفر جوان*

بحث روی جمعیت و توسعه و بررسی روابط متقابل آنها بصورت ساختاری در داخل یک سیستم و چگونگی اثرات متقابل عناصر تشکیل‌دهنده این سیستم‌ها نسبت به هم و در ارتباط با سایر عناصر تشکیل‌دهنده سیستم‌های دیگر که بنحوی از انحاء با هم در ارتباط هستند القاءکننده این فرضیه است که آیا:

«جمعیت با تمامی ابعادش می‌تواند بعنوان عاملی مهم در توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی کشورها قلمداد گردد یا مانعی در راه رسیدن به آن و یا فرضیه‌ای بینابین»

جواب دادن به سئوال بالا مشکل و خود سئوال قدمتی به بلندای تاریخ تفکر بشری و مورد بحث و منازعه نحله‌های فکری و فلسفی در بستر زمان.

به راستی توسعه چیست که همه خواهان آنند، راههای رسیدن به آن کدامست؟ عناصر تشکیل‌دهنده آن چیست؟ به بیان ساده هم و غم مشترکی است که کشورهای دنیا را به هم نزدیک می‌کند، هدف مشترکی است برای تمامی دولت‌ها و ملل. چیزی که مکاتب مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی در راستای رسیدن به آن در بستر زمان و مکان همدیگر را مورد مداّقه قرار داده و سعی در نفی اصالت و ماهیت همدیگر داشته‌اند.

---

* دانشیار گروه جغرافیای دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد

این در حالی است که عدم توسعه یافتگی عملکرد کشورهای توسعه‌نیافته را ـ دست‌کم در مورد اکثریت آنها ـ در راه رسیدن و نیل به اهداف توسعه با هم متحد می‌کند. ولی متأسفانه اغلب راه وفاق ملی آنها در راستای اتخاذ سیاستهای همگن برای حصول به توسعه با مشکلات درونی و بیرونی مواجه است.

عناصر تشکیل دهنده توسعه چیست؟ ابعاد مختلف آن کدامست؟ چه عامل و یا عواملی مشترکی این عناصر را به هم پیوند داده و می‌تواند موجب تحکیم بقا و ضامن استواری این پیوند بوده باشد. اقتصاددانان و نظریه‌پردازان عناصر ترکیبی را در طول زمان تحت تأثیر زمینه‌های فکری و فلسفی خود و منطبق بر آن اهداف مورد نظر، بصورتهای گوناگونی معرفی و انتظارات متفاوتی از آن داشته‌اند. تأکید بی‌محابا بر منابع و وسایل تولیدی بعنوان عاملی مهم جهت حصول به توسعه کشورهای ندار را مأیوسانه در صف طویل حصول به آن قرار داده است و تلاش آنها را در راستای توجیه عقب‌ماندگی خود به طرف طرح مشکل افزایش بی‌رویه جمعیت و تبعات سوء حاصله از آن و عوامل بازدارنده خارجی سوق داده است. ولی آیا ریشه اصلی عقب‌ماندگی این قبیل کشورها در چگونگی عنصر جمعیتی و تحولات آن در داخل و احیاناً تحت تأثیر عوامل مؤثر بیرونی آن نهفته است یا ریشه در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی داخلی وابسته به نظام جهانی دارد. مساله‌ای که مکاتب مختلف عمدتاً به دنبال اثبات هستند، نه تأیید حقانیت رشد بی‌رویه جمعیت در توجیه عقب‌ماندگی این کشورها.

تحلیل‌ها و توجیه هرچه باشد رابطه بین جمعیت و توسعه و مسائل و مشکلات تبعی آن نه در داخل مرزهای ملی بلکه در ماوراء آن بصورت فراملّی مطرح می‌گردد بطوریکه کشورهای توسعه یافته‌ایکه خود رشد جمعیت کمتری داشته و مسلماً مشکلات تبعی آنرا ندارند به دنبال کنترل جمعیت در کشورهای توسعه نیافته از طریق تشویق و دادن کمکهای بلاعوض برای بهداشت و تنظیم خانواده و تحدید موالید هستند، زیرا خود را در مشکلات سوء حاصله از آن شریک و سهیم می‌دانند. این در حالی است که نظر اکثریت

قریب به اتفاق اقتصاددانان و جمعیت‌شناسان، جغرافیدانان و جامعه‌شناسان جهت رسیدن به یک جمعیت مطلوب را در راستای افزایش درجه توسعه اقتصادی آن کشورها مطرح می‌کنند نه صرفاً تحدید موالید و کاهش جمعیت از طریق اعمال روشهای جلوگیری از بارداری و... این امر امکان‌پذیر نیست مگر از طریق تقسیم عادلانه‌تر ثروت‌های بین‌المللی بین کشورها و ایجاد فرصتهای نسبتاً برابر برای همه کشورها جهت تحقق اهداف توسعه خود از طریق ایجاد بستر مناسب بین‌المللی از راه آفرینش و ایجاد سازمانهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که تحقق این بستر را فراهم نماید.

علیرغم وجود تعاریف زیاد از توسعه، در صورتیکه وجوه افتراق تعاریف متعدد را ـ البته موارد جنبی ـ از دیدگاههای مختلف کنار بگذاریم و بر وجوه مشترک آنها تأکید بورزیم توسعه چیزی جز به معنای ارتقاء مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و یا انسانی‌تر نخواهد بود و آنهم فقط در راستای قدرت تأمین نیازهای اساسی زندگی افراد انسانی، اعتماد به نفس و احساس شخصیت کردن و عزت نفس داشتن و آلت دست دیگران قرار نگرفتن و بالاخره بالا رفتن دامنه قدرت انتخاب افراد انسانی قابل تحقق است و در حقیقت اهداف توسعه نیز همان سه متغیر بالا یعنی امکان دسترسی بیشتر به کالاهای تداوم بخش زندگی و توزیع گسترده اینها (غذا، مسکن، لباس و پوشاک ...)، افزایش سطح زندگی (بهداشت، درمان، آموزش، ارزشهای فرهنگی و انسانی ...) و بالاخره گسترش دامنه انتخابهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است تا جامعه بتواند با استفاده بهینه و مطلوب از کلیه عناصر تشکیل‌دهنده توسعه، نه تنها رفاه اجتماعی و فردی را در سطح مطلوب تأمین و به کلیه آحاد جامعه گسترش دهد بلکه روز به روز نیز سطح آنرا بهبود بخشیده و تفکر و اندیشه بالنده‌ای را برای کلیه آحاد جامعه فراهم آورد. حال با این مقدمه نسبتاً طولانی جهت ورود به بحث اصلی، تعریف و مفهوم کاربردی‌تری از توسعه می‌تواند کمک شایسته‌ای در تداوم موضوع مورد بررسی یعنی جمعیت و توسعه بکند.

در مجموع می‌توان گفت توسعه فرآیندی است که طی آن بنیانهای اقتصادی،

اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه دگرگون می‌شود که حاصل چنین دگرگونی در درجه اول کاهش نابرابریهای اقتصادی و تغییراتی در زمینه‌های تولیدی، توزیعی و تغییر در الگوی مصرف جامعه خواهد بود.[۱]

بنابراین بی‌مناسبت نیست که گفته شود برای حصول به توسعه لزوماً باید شبکه‌ای به هم پیوسته، متشکل از مجموعه محصولات و درآمدها، با توجه به کلیه موجودی‌های داخلی، منابع و با در نظرگرفتن وابستگی‌های متقابل با دیگر کشورها پدید آید. بدیهی است برای تحقق این فرایند و نیز به منظور توزیع عادلانه درآمد ملی و بهبود سطح زندگی باید به استقرار ساختار و نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی منطبق بر شرایط جدید پرداخت و این در حالی است که باید انطباق رفتارها، طرز تفکرها و نقشهای اجتماعی نیز به نوبه خود باید مطمح نظر قرار گیرد، چه توسعه اقتصادی الزاماً متضمن توسعه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی جامعه بعنوان مجموعه‌ای زنده باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین تغییرات و تبدلات نهادی و تحولات اساسی از بنیانهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جامعه از ضروریات راهی است که بایستی در راستای توسعه پیموده شود که این بنیانها شامل:

۱- بنیانهای تأسیساتی

۲- بنیانهای ترجیحاتی

۳- بنیانهای تشکیلاتی

۴- بنیانهای تکنولوژیکی

می‌باشد، که با توجه به مصادیق و شمول بنیانهای مختلف، مشخص می‌گردد که بهبود آنها مستلزم یک سری تغییرات و تحولات ساختاری در کلیه زمینه‌ها و حتی در اعتقادات و باورهای افراد در جامعه است و حصول به توسعه نیز در گرو تحولات همه جانبه آنهاست. بهبود بخشی، موضعی، منطقه‌ای، دست‌کم بعنوان یک نکته مثبت. ولی در مقابل عوامل بازدارنده سایر بنیانها و بخشها، نه تنها با مشکلاتی مواجه خواهد شد بلکه

۱- ازکیا، مصطفی، جامعه‌شناسی توسعه ص ۱۸ به نقل از فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی ص ۹۰

موجب نابسامانی و هدر رفتن منابع مالی و سرمایه‌ای و نیروی انسانی نیز خواهد بود.

با ملحوظ داشتن مطالب بالا جهت گشودن مدخلی بر مطالعه اثرات ابعاد جمعیتی روی تحولات و تغییرات و دگرگونی منتهی به توسعه و اثرات متقابل توسعه در راستای تنظیم ابعاد جمعیتی جهت تکامل و تداوم توسعه ـ علیرغم وجود بعضی تفکرات نسبتاً متقن دایر بر اینکه جمعیت و رشد آن معلول اثرات اساسی‌تر دیگری در راستای توسعه‌نیافتگی است ـ بهتر است عوامل و عناصر ترکیبی توسعه را بطور خلاصه یادآوری کنیم. اگر چه عقاید و نظریات گوناگون بوسیله دانشمندان مختلف با زمینه‌های علمی متفاوت و تحت شرایط حاکم اقتصادی و اجتماعی و سیاسی زمان خود، عنوان شده است ولی در مجموع می‌توان به این جمع‌بندی رسید که می‌شود عناصر ترکیبی توسعه را به ۶ عنصر تفکیک نمود.

۱- جمعیت انسانی

۲- منابع طبیعی، زیست‌اقلیم، زیرزمین، سطحی،...

۳- وسایل و ابزار تولیدی

۴- فرآورده‌ها و کالاهای تولیدی (ناخالص داخلی)

۵- حلقه‌های ارتباطی (جهت ارتباط دادن تولیدات، به مصرف‌کنندگان ـ مواد اولیه به محل‌تولید...)

۶- سازمان (هدفش خاطرجمعی از عملکرد مطلوب عناصر)

قبل از توضیح چگونگی ترکیب عوامل و عناصر فوق‌الذکر خود را ملزم به یادآوری این مطلب می‌داند که اغلب بحثهای جمعیت و توسعه، توسعه‌نیافتگی و جمعیت... عمدتاً متمرکز در رشد بی‌رویه جمعیت و اثرات بازدارنده آن در تحقق فرایند توسعه... می‌باشد ولی بحث ما در اینجا عمدتاً روی جمعیت و توسعه است نه رشد جمعیت و تبعات آن، بنابراین می‌توان گفت که بحث ما از نظر ماهوی کاملاً متفاوت از هم می‌باشد.

همانطوریکه از عناصر و عوامل تشکیل‌دهنده توسعه معلوم می‌گردد، عوامل به دو سری عامل: یکی عامل جمعیتی و سری دیگر عوامل غیرجمعیتی است که بنحوی از

انحاء با جمعیت و در ارتباط با جمعیت تقسیم شده است که دیاگرام صفحه زیر بنحو مطلوب آنرا نشان می‌دهد:[۱]

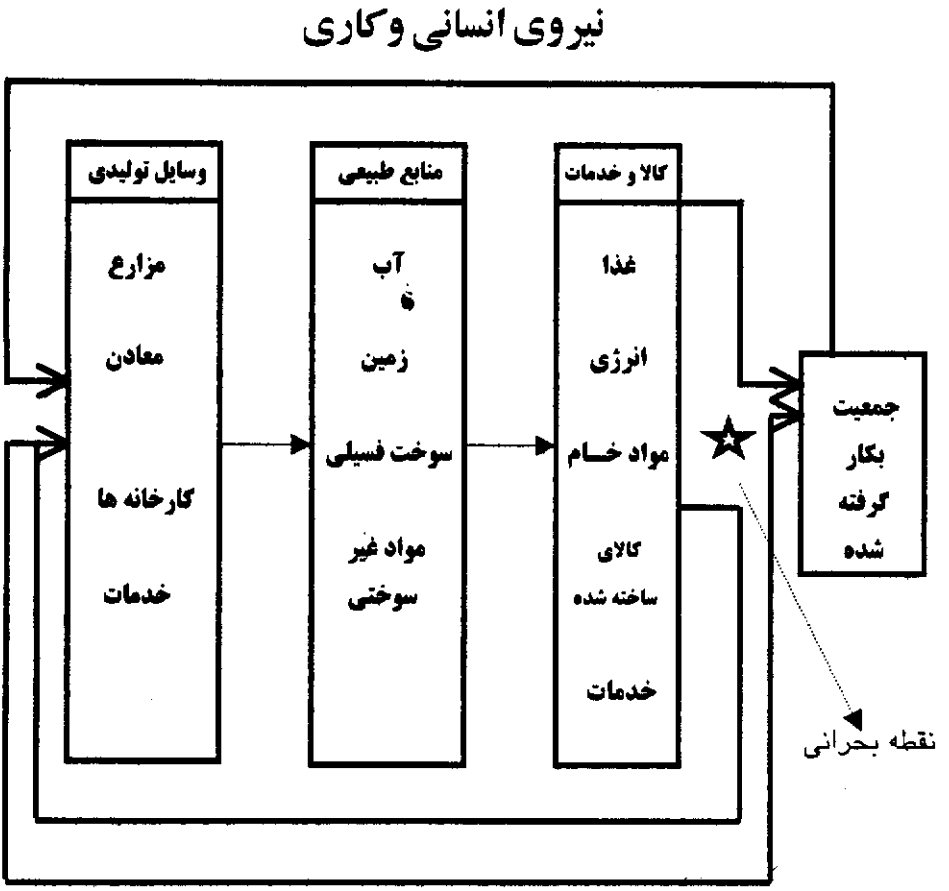

با توجه به دیاگرام بالا، جمعیت بکار گرفته شده یا جمعیت فعال با بکارگیری وسایل تولیدی و با استفاده از منابع تولیدی و با توجه به توانائیهای فکری، فنی و خلاقیتهای علمی خود در چارچوب سیاستهای تدوین شده ملی یک سری کالا و خدماتی را که

۱- در جمعیت باز باید صادرات و واردات نیز با تمامی ابعاد شرع مدنظر باشد.

همان تولید ناخالص داخلی است تولید خواهد کرد که میزان این تولیدات در درجه اول بطور مستقیم تحت تأثیر توانائیهای (مهارتهای فنی، شغلی، آمادگی روحی و روانی...) جمعیت فعال و در درجه دوم بطور غیرمستقیم تحت تأثیر چارچوب سیاستهای ملی که بستر اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی آن تولید را فراهم می‌کند خواهد داشت. بخشی از حاصل تولید باز هم در چارچوب سیاستهای ملی ـ تحت الگوی مصرف تحمیلی یا ارشادی یا خودخواهانه ـ به مصرف کل جمعیت انسانی، نه تنها تولیدکننده، رسیده و بخش دیگر یعنی مازاد یا بخش نگهداری شده صرف افزایش توان تولیدی، نوسازی وسایل تولیدی، جایگزین ماشین‌آلات، بالابردن سطح رفاه عمومی و بهبود سطح زندگی، جلوگیری از آلودگیهای زیست محیطی و انهدام منابع طبیعی (تحت تأثیر کارکرد بنیانهای اقتصادی، اجتماعی و گرایشهای سیاستهای ملی) و نهایتاً جوابگوئی به افزایش جمعیت رو به رشد در کشورهای در حال توسعه خواهد شد. که باید بین این دو بخش (مصرف ـ سرمایه‌گذاری) با توجه به شرایط کلی جامعه و مرتبه و درجه توسعه‌نیافتگی و بقیه عوامل، تناسب مطلوبی وجود داشته باشد که استراتژیهای توسعه تحت عنوان برنامه‌ریزیهای کوتاه‌مدت، بلندمدت و...ناظر بر همین مسأله است که ضمن تأمین درجه‌ای از رشد و توسعه اقتصادی بستر مطلوبی را برای تحولات و تبدلات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی فراهم و نیز از بروز هرگونه تشنجات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جلوگیری می‌کند. بنابراین با توجه به مطالب بالا مشخص می‌شود که توانائی و کارآیی و حجم جمعیت بکار گرفته شده فعال، حدّی را بر تولید ملی تحمیل می‌کند که فرار از این حد مستلزم اثرگذاری روی جمعیت و بویژه جمعیت فعال و بالابردن روش و بینش و آگاهیهای فنی، مهارت و قدرت تولیدی آن می‌باشد. به بیان ساده‌تر متعادل ساختن ساخت سنی و بافت جمعیت و بالا بردن وجود کیفی جمعیت می‌باشد زیرا هر تغییری در کم و کیف جمعیت به تغییر در تولید (نحوه، میزان، نوع، انطباق با منابع، الگوی مصرف،...) و هر تغییری در تولید نهایتاً به جمعیت فعال منتقل می‌گردد بدیهی است هر هدف اقتصادی، اجتماعی در راستای توسعه همه جانبه خواهان ترکیب خاصی

از جمعیت فعال است (حجم، ابعاد، مهارت، توانائی). چرا که اگر در برنامه توسعه اقتصادی کشورها در صورتیکه عامل سرمایه را نادیده بگیریم ـ که این امر امکان‌پذیر بوده و می‌توان بهاء کمتری به آن داد ـ به منابع انسانی و یا بهتر بگوئیم به سرمایه انسانی آن کشور بستگی خواهد داشت. در حقیقت هم همینطور است زیرا سرمایه مادی در هرحال به انحاء مختلف و به راحتی قابل حصول هست ولی سرمایه انسانی بدون سرمایه‌گذاری‌های طولانی مدت و نگرش خاص در این مورد هرگز. براستی اغلب دانشمندان تأکید می‌کنند که توسعه و دگرگونیهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی در کشورهای در حال توسعه همانند کشورهای توسعه‌یافته نیازمند دگرگونیهای مناسب و بهینه در بسترهایی چون جمعیت، آموزش و پرورش و شهرنشینی و... می‌باشد.[۱] بطوریکه مایکل تودارو اشاره می‌کند احتمالاً، اکثر اقتصادانان در این امر توافق دارند که آنچه در نهایت خصوصیت و روند توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را تعیین می‌کند، منابع انسانی آن کشور است و نه سرمایه و یا منابع مادی آن[۲]. بدیهی است هدف از منابع انسانی، نه آن منابع انسانی که با تأکید بر بازوی قوی تأمین‌کننده نیروی انسانی دهه ۱۹۵۰ است بلکه هدف اصلی و عمده ازآن، سرمایه انسانی و مغز متفکر انسانی است که طرق حصول به آن بعداً مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بنابراین با ملحوظ داشتن نقش اصلی و عمده سرمایه انسانی و یا جمعیت فعال بکار گرفته شده در راستای توسعه، مسلماً حجم، وسعت، ابعاد، چگونگی کیفیت و کمیت این نیرو است که درجه رشد و توسعه همه جانبه را مشخص خواهد ساخت. لذا برای کشوری چون ایران که دارای منابع تولیدی غنی و قوی است کمبود کادر متخصص و نیروی کار کارآمد است که می‌تواند موجب عدم رشد اقتصادی مطلوب محسوب گردد. حتی بررسی وضعیت کشورهای جهان سوم از نقطه نظر مادی، سرمایه، مدیریت و نیروی کار متخصص و آموزش سیستم آموزشی، نه در

۱- ازکیا، مصطفی، جامعه‌شناسی توسعه، انتشارات نشر کلمه، ص ۵۱، سال ۱۳۷۸

۲- تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، چاپ ۱۳۷۸، ص ۳۴۴

تمامی آنها بلکه در اکثریت قریب باتفاق آنها، علیرغم کمبود سرمایه انطباق وضعیت مالی آنها در راستای اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی بسی آسانتر از انطباق ساخت و بافت و کیفیت درونی جمعیت فعال آنها با حوائج انسانی و نیاز به نیروی متخصص جهت برآورد اهداف موردنظر آنهاست. چرا که انسانها نمی‌توانند بسرعت خود را با تغییر جهت برنامه‌ها و نوسانات مالی و پولی هماهنگ کنند. گو اینکه گرایش به کارهای پرمنفعت برای مردم کاری است دلخواه ولی تغییر شغل به تبع تغییرات مصرف کار آسانی نخواهد بود و جهت‌جوئی شغلی بستگی تام و تمام به امکانات و توانائیهای فردی و آموزشی و مهارتهای فنی دارد. ولی آنچه که مسلم است اینست که جمعیت فعال ناگزیر خواهد بود تا حدی از تغییرات مصرف که در نتیجه تغییر و تحولات در جامعه ایجاد می‌شود، پیروی کند. زیرا هدف اقتصاد نه کار است و نه تولید بلکه هدف نهائی هرگونه فعالیت مصرف است. بنابراین کار وسیله تولید و تولید وسیله مصرف است. بنابراین هرگونه تغییر در اهداف نهائی یعنی مصرف، چگونگی مصرف، الگوی مصرف ـ که بستگی به مفاهیم‌های اتخاذ شده بوسیله سیاستهای ملی و نگرش کلی جامعه دارد ـ مسأله ساختمان تولید و ترکیب نیروی کار و جمعیت فعال را نیز تغییر خواهد داد.

بنابراین با برگشت به مدل قبلی، یعنی با ملحوظ داشتن اینکه جمعیت بکار گرفته شده (فعال شاغل) با استفاده از وسایل تولیدی و با بهره‌گیری از منابع طبیعی و سرمایه‌ای مقداری کالا و خدمات را تولید خواهد کرد که بخشی از این تولیدات (ناخالص داخلی) به مصرف جمعیت انسانی و بخشی دیگر برای بالا بردن تولید ناخالص داخلی بطوری که قبلاً عنوان شد، بصورت کالاهای سرمایه‌ای مصرف خواهد شد. مسأله بسیار مهم و دقیق اینجاست که چه کسی و چه سازمانی چگونگی استفاده از وسایل تولیدی و نحوه بکارگیری و تملک آنها، چگونگی بهره‌گیری از منابع مادی و سرمایه‌ای از نظر حجم، کیفیت، میزان و تعداد، کم وکیف کالاها و خدمات تولید شده و... را و یا در حقیقت چگونگی ترکیب سرمایه، منابع، کار و نیز تعیین حجم و میزان و کم و کیف

چگونگی مصرف و گسترش آن بین آحاد جامعه و در حقیقت تثبیت الگوی مصرف...را بعهده دارد؟ آیا چیزی جز تبلور اراده و عزم همان جمعیت انسانی در چارچوب سازمانهای تصمیم‌گیری بوسیله طبقه حاکم یا نظام حاکم یا دولت نیست؟

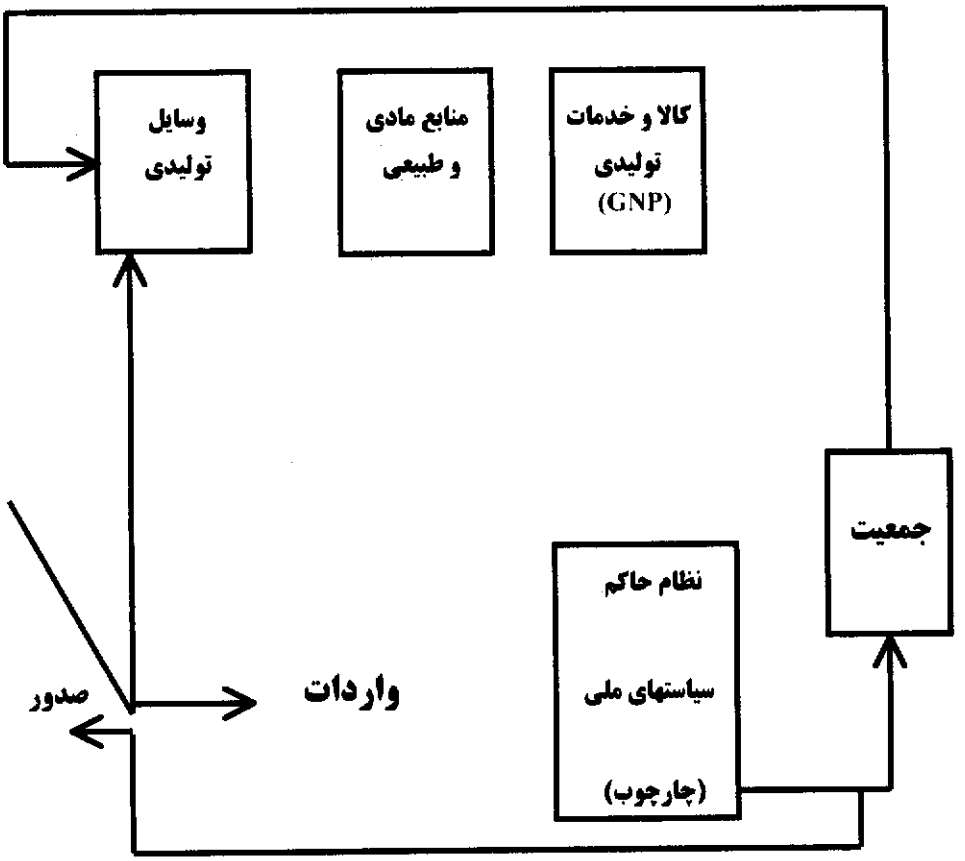

بنابراین در راستای تحقق اهداف توسعه، این نظام حاکم اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی بصورت متبلور در دولت یا مدیریت کلان است که چگونگی تقسیم تولید ناخالص داخلی را بین جمعیت انسانی (هزینه کرد) و کالاهای سرمایه‌ای (عمرانی) بعهده دارد و درست نقطه بحرانی و نیز فرق کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه

نیز در همین نکته نهفته است. چه حجمی از تولیدات به سمت جمعیت و به چه گستردگی در بین آحاد جمعیت و چه حجمی به سوی کالاهای سرمایه‌ای برای سرمایه‌گذاری در چه بخشهائی از اقتصاد و به چه صورتی سرازیر می‌شود. مسأله‌ای که برنامه‌ریزیهای ملی و مدیریت کلان کشوری به دنبال آنست. اهمیت این مسأله یعنی مدیریت کلان در حدی است که بعضی از دانشمندان جهت سنجش درجه توسعه‌یافتگی یکی از چهار شاخص موردنظر خود را مدیریت قلمداد می‌کنند و سه شاخص دیگر را سخت‌افزار، نرم‌افزار، اطلاعات می‌دانند این افراد معتقدند که کشورهای جهان سوم اگر بتوانند مدیریت کلان کشاورزی خود را بنحو مطلوب سازمان بدهند از همان تولید ناخالص داخلی کم خود می‌توانند به نحو مطلوبتری استفاده کنند.[۱]

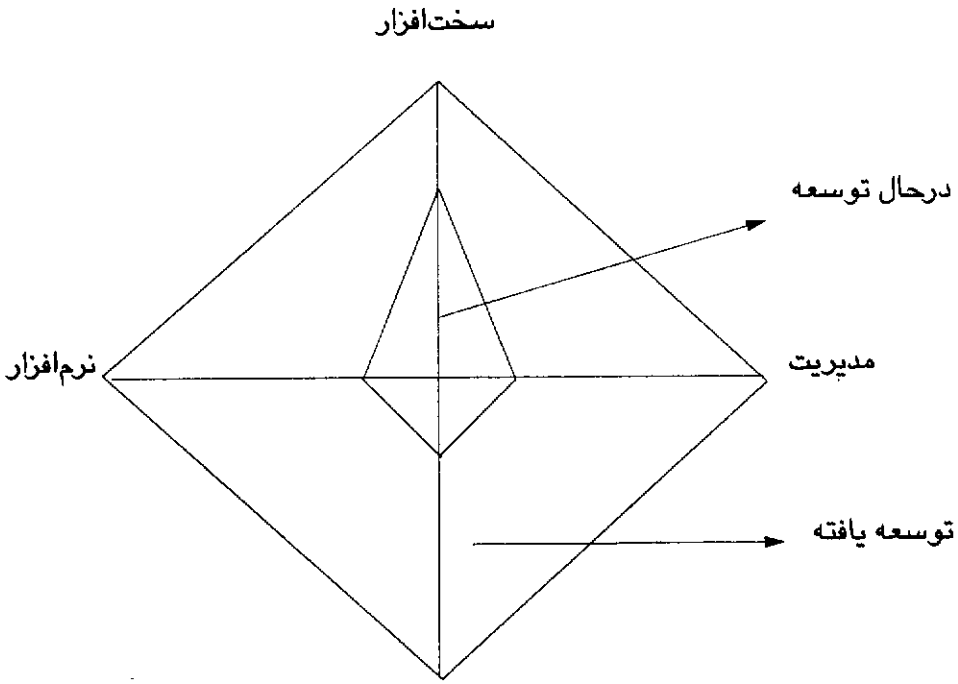

بنابراین در نتیجه اعمال مدیریت‌های صحیح جائی که ابعاد جمعیتی آن متوازن، ساخت و بافت سنی جمعیت مطلوب، سرمایه‌گذاری روی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

۱- جوان، جعفر، توسعه اقتصادی و انسانی در کشورهای اسلامی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تابستان ۱۳۷۷

متناسب و منتهی به کارائی و توانائی بالای جمعیت باشد نتیجتاً بهره‌وری کار بالا و ارزش افزوده کالاها و خدمات بالا و مسأله تولید ناخالص داخلی بیشتر خواهد بود که در نتیجه آن نه تنها توانائی سرمایه‌گذاری روی بقیه بخش‌های غیرجمعیتی به منظور تأمین رفاه همگانی مداوم و گسترده بیشتر خواهد شد، بلکه سرمایه‌گذاری جهت بهینه‌سازی خود جمعیت نیز انجام خواهد گرفت و هرچه روی جمعیت سرمایه‌گذاری بیشتری صورت پذیرد نه تنها میزان تولید را همانطوری که قبلاً اشاره شد بالا خواهد برد بلکه نسبت به سرنوشت خود و مشارکت در امور مربوط بخود، تقسیم عادلانه‌تر درآمد ملی از طریق ایجاد فرصتهای نسبتاً متناسب برای همه افراد و بالاخره در توزیع نسبتاً هماهنگ درآمد ملی از خود انعطاف بیشتری نشان خواهد داد و زمینه‌ها و بستر تحولات مطلوب را برای تحقق اهداف توسعه ملی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی) و رسیدن به یک زندگی لذت‌بخش توأم با سلامتی و اوقات فراغت مطلوب هموار خواهد ساخت. بنابراین ملاحظه می‌شود که منابع انسانی و سرمایه انسانی است که در نهایت خصوصیت و روند توسعه کشورها را تعیین می‌کند نه سرمایه و نه منابع مادی لذا میتوان عنوان کرد که در اینصورت مکانیزم اصلی و نهادی برای توسعه، بالا بردن دانش و بینش و آگاهی انسانی از طریق نظام آموزشی رسمی هر کشور است که اغلب کشورهای جهان سوم رمز اصلی توسعه ملی را در گسترش کمّی فرصتهای آموزشی می‌دانند. ولی یادآوری این مطلب ضرورت دارد که بنظر اغلب دانشمندان علیرغم تأکید زیاد کشورهای جهان سوم به گسترش کمّی نظام آموزش همگانی و صرف میلیاردها دلار هزینه آموزشی چندان مفید فایده نبوده و وضع و حال جمعیت آنها نیز چندان بهبود نیافته است[1]. حتی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه این آگاهی نیز بوجود آمده است که گسترش آموزش رسمی همیشه معادل یادگیری نیست و توجه صرف دانش‌آموز و معلم به کسب مدرک تحصیلی ابتدائی و حتی عالی‌تر، که فرد را جهت اشتغال در بخش نوین شهری تربیت و از بکار گرفته شدن منابع کمیاب از

۱- تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی درکشورهای جهان سوم، چاپ ۱۳۷۸، ص ۳۶۵

فعالیتهای اجتماعی مولدتر جلوگیری می‌کند (بعنوان نمونه اشتغال مستقیم) لزوماً با بهبود کارآیی تحصیل کرده‌ها همراه نبوده و چه بسا به جای آنکه محرک توسعه ملی باشد مانع و سد راه آن می‌شود. بنابراین نظام آموزشی کشور، برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری، انتخاب و گزینش، انتخاب رشته تحصیلی و... شدیداً فرایند توسعه را تحت تأثیر قرار داده و همانطوریکه قبلاً عنوان شد، از آن (توسعه) نیز متأثر خواهد شد. زیرا بالا بردن سطح و درجه تحصیلی در نواحی روستائی امکان پیدا کردن شغل را ـ وقتی آموزش وسیله‌ای برای دسترسی بهتر به مشاغل باشد ـ محدود و موجب مهاجرت‌های شهری، و عدم توانائی در انطباق نیازهای اقتصادی و مهارت‌های فنی و تحصیلی، موجب گسترش سطح بیکاری به سطوح بالای تحصیلی و...شده و نتیجه آن شروع دور و تسلسل باطل و معیوب بین توانائی جمعیت در بالا بردن توان تولیدی و عدم توان تولیدی در روی سرمایه‌گذاریهای لازم ملی و روی جمعیت است و نهایتاً اینکه آموزش رسمی بعنوان نهادی ملی برای توسعه از طریق تجهیز نیروی انسانی و تبدیل آن به سرمایه انسانی با سئوالات اساسی از قبیل:

- چگونگی اثر آموزش در ساخت و خصوصیت رشد اقتصادی
- چگونگی اثرگذاری نرخ و ساخت و خصوصیت رشد در ماهیت نظام آموزشی
- نقش آموزش و نظام آموزشی در رشد نابرابری یا کاهش آن
- چگونگی نقش آموزشی در تشدید مهاجرت‌های داخلی و خارجی و بیکاری، حتی بیکاری تحصیل‌کرده‌ها
- نقش آموزش به ویژه آموزش زنان در تعیین اندازه مطلوب خانواده و بالاخره سخن آخر
- نقش آموزش در روند و جریان توسعه کشاورزی و روستائی که عمده فعالیت‌ها و اکثریت ساکنین کشورهای جهان سوم در بخش کشاورزی و زندگی روستائی را تشکیل می‌دهد مواجه بوده است.

در انتهای بحث شاید بی‌معنی و نامأنوس جلوه کند که ما مجدداً مطرح کنیم که نقش

عامل جمعیتی یا انسانی در توسعه چیست، اثرات متقابل درجه رشد و توسعه برای ابعاد جمعیتی چیست و چگونگی حصول به درجه‌ای از توسعه‌یافتگی به چه صورتی است. بعبارت دیگر حصول به توسعه مستلزم ابعاد متوازن جمعیتی و...است و ابعاد جمعیتی جز از طریق توسعه، متوازن نخواهد شد. بنابراین جواب به این سئوال شاید با کمی تأمل به همان اندازه مشکل باشد که پاسخ به سئوال مرغ جلوتر است یا تخم‌مرغ. و همینطور است تأکید بر اینکه اگر حتی کشورهای در حال توسعه واقعاً بخواهند در مسیر توسعه قرار بگیرند با وجود ممانعت‌های خارجی و بین‌المللی و مشکلات ساختاری داخلی و عوامل بازدارنده نهادی، آیا دسترسی به مکانیزم‌های توسعه امکان‌پذیر است یا نه. بعبارت دیگر توسعه یا درجه‌ای از توسعه حقیقتاً دست یافتنی است یا نه؟ و چه نهاد و سازمان و اشخاصی می‌توانند حصول به آنرا تأمین و تضمین نماید؟ اغلب دانشمندان در این راستا ـ صرف‌نظر از بحث‌های ایدئولوژیکی در راستای تبیین و توجیه پیدایش حکومتها و دولتها و... ـ با ملحوظ داشتن شرایطی حصول به توسعه را ممکن و در این راستا نقش دولت، حاکمیت، نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و یا هر آن چیزی که بعنوان نماینده جامعه و مغز متفکر آن یعنی دولت را در فرایند توسعه اجتناب‌ناپذیر می‌دانند و حتی بعضی از علمای توسعه، جامعه‌شناسان، جغرافیدانان، اقتصاددانان نقش دولت را در راستای توسعه، حصول به آن یا بازدارندگی از آن، به دلیل سیاستگذاریهای مناسب یا نامناسب در مراحل مختلف توسعه بعنوان یکی از شرایط و اصول ثابت - حتی بعضی‌ها قاطع ـ مطرح می‌کنند. اصولی که بعنوان اصول هفتگانه ثابت توسعه مطرح شده از این دست هستند.[۱]

- توانائی فکری و قدرت سازماندهی هیأت حاکم
- علم‌گرایی در جامعه
- نظم

۱- روزبهان، محمود، مبانی توسعه اقتصادی ـ به نقل از توسعه اقتصادی جهان سوم و نظام بین‌المللی، نشر سال ۱۳۶۹،تالیف دکتر محمود سریع القلم.

- آرامش اجتماعی
- نظام قانونی
- نظام آموزشی پویا
- فرهنگ اقتصادی

در هر حال دیر یا زود هر جامعه‌ای به روند تکاملی خود علیرغم وجود عوامل بازدارنده داخلی و خارجی ادامه خواهد داد. طبیعت، افراد، جوامع دیگر، ممکن است مانع و سد راهش شوند ولی جامعه به تحولات خود در راستای رسیدن به ارزشی که نیازهای طبیعی بشر را پاسخگو باشد ادامه خواهد داد.

بنابراین می‌توان بعنوان سخن نهائی طرح کرد که جمعیت بعنوان عنصر کلیدی توسعه، در صورتیکه بنحو مطلوب از کلیه جهات سازمان یافته باشد و خود خواهان توسعه باشد، می‌تواند قلمداد گردد.

ملاحظات جمعیتی در فرهنگ عامهٔ ایران

(با تأکید بر ضرب‌المثلها)

یعقوب فروتن*

مقدمه:

معمولاً، در بررسیها و تحقیقات جمعیتی، که در مدل نظری موسوم به «K.A.P»[1] مورد استفاده قرار می‌گیرد، عامل دوم (A) در ارتباط با دو عامل دیگر، نقش یک میانجی را ایفا می‌نماید و در مقام تمثیل و تشبیه، قلب یا مرکز ثقل این مدل محسوب می‌شود که خود بیانگر اهمیت ویژهٔ این عامل است. این عامل، معطوف به این نکته است که یک فرهنگ، جامعه و یا اعضای آن، بعنوان مثال، به موضوعات مرتبط با جمعیت چگونه نگاه می‌کنند؟ «رویکرد و نگرش ذهنی» آنها به این قبیل موضوعات چگونه است؟

بدیهی است که این نحوهٔ نگرش معلول یا بازتابی از میزان «آگاهی و شناخت» (K) افراد جامعه می‌باشد، در عین‌حال، خود این نحوهٔ نگرش، ماهیت و کیفیت «عمل» (P) را

---

* - عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران

* - در اینجا برخود لازم می‌دانم که از دانشجویان محترم که در گردآوری ضرب‌المثلهای ایرانی با نگارنده همکاری ارزنده‌ای داشته‌اند، بویژه خانم پوپک محمدی و خانم عالمه‌ورزی تشکر و قدردانی نمایم.

1- Knowledge -Attitude- Practice (آگاهی و شناخت ـ نگرش و طرز تلقی ـ عمل)

تعیین می‌کند. بعبارتی، چگونگی عمل کردن در حوزهٔ موضوعات جمعیتی، نتیجهٔ نحوه نگرش و طرز تلقی نسبت به این موضوعات است.

از سوی دیگر، ضرب‌المثلها را می‌توان کمابیش بعنوان نوعی میراث فرهنگی قلمداد کرد. معمولاً، ضرب‌المثلها، کوتاه و مختصر اما دارای بار و محتوای معنائی بسیار عمیق و گسترده‌ای هستند. بعبارتی دیگر، ضرب‌المثلها را می‌توان بازتابی از باورها و نگرشهای عامهٔ مردم و آینهٔ تمام‌نمای اعتقادات، طرز تلقیها و رویکردهای آنها پیرامون موضوعات مورد نظر به حساب آورد. براین اساس رمز ماندگاری و شرط پایداری ضرب‌المثلها اینستکه کماکان بعنوان بخشی از اندیشه و نگرش عامهٔ مردم پذیرفته شده است که در آنصورت، از نسلی به نسل دیگر انتقال خواهد یافت.

با این توصیف، در نوشتار حاضر سعی شده است تا با بررسی ضرب‌المثلهای ایرانی که به مباحث جمعیتی پرداخته‌اند، نحوهٔ نگرش و رویکرد عامهٔ مردم نسبت به آنها مورد مطالعه و مداقه قرار گیرد. بعبارتی، روشن گردد که جمعیت و موضوعات مرتبط با آن در فرهنگ عامیانهٔ ایرانی چه جایگاهی دارد و چه تصویری از آنها به دست داده می‌شود؟ یقیناً، این باورهای عمومی (نگرش) که بخشهائی از آن در قالب ضرب‌المثلها نمودار می‌گردند، نقش تعیین‌کننده‌ای در وضعیت موجود و سیمای جمعیتی کشور ایفا می‌کنند و بالطبع، هرگونه تلاش (عمل) در راستای بهبودبخشی و ساماندهی امور جمعیتی بدون امعان نظر جدی به این باورها یا در اساس به توفیقی رهنمون نخواهد شد و یا موفقیت آن کامل، پایدار و ماندگار نخواهد بود.

با اینهمه، خاستگاه مرکزی و آبشخور اصلی این هر دو (نگرش و عمل)، «آگاهی و شناخت» می‌باشد. با ارتقای سطح اطلاعات و دانش وافزایش میزان آگاهی، زمینه برای تبلور باورهای عمومی مناسب فراهم خواهد آمد که خود زمینه‌ساز عمل و نتیجهٔ مناسب است. نمونه‌هائی از این تغییر نگرشهای ذهنی در جامعهٔ معاصر ما ملاحظه می‌گردد که بیش از هر چیز، معلول افزایش سطح آموزش، تحصیلات و آگاهی می‌باشد که امید است با تعمیم و تعمیق هرچه بیشتر سطح آگاهیهای عمومی و ایجاد تغییر مناسب و

منطقی در نگرشهای عامه مردم، اقدامات عملی جهت سامان‌بخشی وضعیت جمعیتی کشور، با موفقیتهای پایدار قرین گردد.

۱- ازدواج: (ضرورت همسرگزینی)

در مطالعات جمعیتی، موضوع «ازدواج»[۱] و وضعیت زناشویی مورد توجه قرار می‌گیرد. در واقع، توجه به موضوع ازدواج و مطالعهٔ علمی آن در جمعیت‌شناسی، به سبب ارتباط مستقیم این موضوع با مبحث «باروری»[۲] و زادوولد می‌باشد. عنصر «باروری» از جمله مهمترین عناصر سه‌گانهٔ تغییرات و دگرگونیهای جمعیتی محسوب می‌گردد. (دو عنصر دیگر، عبارتند از «مرگ ومیر»[۳] و «مهاجرت»[۴]). در عین حال، باروری و مرگ ومیر، ارکان و عوامل طبیعی تحولات جمعیتی به حساب می‌آیند. بدین معنا که این دو عنصر، بطور طبیعی (خواه ناخواه) حجم جمعیتهای انسانی را دستخوش دگرگونی می‌سازند و پیشرفتهای جامعهٔ بشری تنها می‌تواند دامنه و شدت این تأثیرگذاری را تحت کنترل در آورد.

علی‌ای‌حال، تحقق باروری مشروع[۵] منوط به ازدواج یا تغییر وضعیت زناشویی از حالت «هرگز ازدواج نکرده» به حالت «ازدواج کرده» می‌باشد. بعبارتی دیگر، ازدواج و زناشوئی زمینهٔ مساعد و مطلوبی را برای تحقق عینی و عملی باروری فراهم می‌آورد. سنجه یا معیار تعیین‌کنندهٔ رفتار باروری در مطالعات جمعیتی و بررسیهای جمعیت شناختی، «تعداد موالید زنده به دنیا آمده» است.

بدین ترتیب، با توجه به نقش زاد و ولد یا باروری بعنوان یکی از دو پدیدهٔ طبیعی جمعیت و عامل منحصر به فرد افزایش آن در مقیاس جهانی از یکسو، و وابستگی این عامل به امر ازدواج و زناشوئی از سوی دیگر، بخوبی می‌توان به نقش تعیین‌کنندهٔ ازدواج در مباحث جمعیتی پی برد.

1- Marriage (Nuptiality)
2- Fertility
3- Mortality
4- Migration
5- Legitimate Fertility

«ازدواج و زناشوئی به تغییر وضع فرد از حالت هرگز ازدواج نکرده به حالت ازدواج کرده، اطلاق می‌شود...مفهوم ازدواج و آداب و رسوم مربوط به آن در بین اقوام مختلف، متفاوت است...ازدواج و زناشوئی تحت تأثیر ارزشهای اجتماعی قرار دارد و براثر آن شکل و انواع مختلفی پیدا میکند...»[۱]

در ادبیات و فرهنگ عامیانهٔ ایرانی، موضوع ازدواج و اختیار نمودن همسر و جفت از اعتبار و جایگاه رفیعی برخوردار است. در ضرب‌المثلهای ایرانی، آرامش و آسایش تن و روان تنها در گرو همسرگزینی است، تمامی کائنات و موجودات عالم هستی را از جفت، گریزی نیست و تنها خداوند است که از این قاعدهٔ فراگیر مستثنی است، و بالاخره آنکه، در نگرش عامهٔ ایرانی، ضرورت ازدواج و همسرگزینی تا بدان حد است که فرد مکلف می‌شود حتی از دیگران قرض و وام مطالبه نماید و به این مهم بپردازد و جالب آنکه، اعتقاد بر این است که فرد نباید از گرفتن چنین قرضی نگران باشد، زیرا، در این راه مستظهر به پشتیبانی خداوند است که او را در بازگرداندن این وام، حمایت خواهد کرد:

* سر، پی همسر می‌گردد
* تنهائی، به خدا می‌برازد
* آنکه از جفت مبراست، خداست
* همه چیز جفت است و ایزد یکی‌ست
* قرض عروسی را خدا می‌دهد
* قرض کن زن بگیر، قرضت ادا، زنت بجا
* هرکس که زن ندارد، آرام تن ندارد

بالطبع، در فرهنگ و جامعه‌ای که موضوع ازدواج و زناشوئی و تشکیل خانواده از چنین ضرورت و جایگاه، منزلت و اعتبار بالائی برخوردار است و نحوه نگرش و رویکرد به آن، تا این حد مثبت می‌باشد، می‌توان پیش‌بینی نمود که بدنبال انجام یک

۱- به نقل از: زنجانی، دکتر حبیب‌اله، ۱۳۷۶، ص ۱۵۶

بررسی علمی بر پایهٔ آمارها و داده‌های جمعیتی، بویژه شاخصها و سنجه‌های جمعیت شناختی ازدواج، حداقل یک واقعیت کلی نمایان خواهد شد و آن اینکه قاطبهٔ جمعیت مورد نظر، ازدواج کرده و متأهل‌اند. در اینجا، صرفاً به یکی از شاخصها تحت عنوان «میزان خالص ازدواج» اشاره می‌شود که حاصل تقسیم تعداد ازدواج کرده‌های یک سال بر روی تعداد جمعیت ده ساله ببالای همان سال ضربدر ۱۰۰۰ است.

جدول شمارهٔ یک: میزان ازدواج در جمعیت ده ساله ببالا به تفکیک جنس و محل سکونت (۱۳۷۵)

جنس	کل کشور	نقاط شهری	نقاط‌روستائی
مرد	۵۲۶/۵	۵۲۸/۵	۵۲۳/۲
زن	۵۹۷/۳	۶۰۵/۹	۵۸۳/۲

۲- طلاق: (مذمت و اجتناب از جدائی)

معمولاً، در بررسیهای جمعیت شناختی به مبحث طلاق[1] نیز پرداخته می‌شود. انگیزهٔ پرداختن بدان همانست که پیشتر در خصوص ازدواج گفته شد. بدین معنا که تمایل جمعیت‌شناسان به مطالعهٔ طلاق بجهت ارتباط آن با پارامتر باروری و زاد و ولد است که البته برعکس ازدواج، طلاق سبب فروپاشی زمینه‌های مناسب تحقق باروری مشروع می‌گردد. بدین ترتیب، علی‌القاعده بین ایندو مقوله ارتباط معکوس وجود دارد: هرچه میزان طلاق افزایش یابد، زمینه برای کاهش زاد و ولد فراهم می‌آید و برعکس.

واقعیت این است که در تبیین رفتار باروری باید به عوامل مختلف و متعدد اشاره کرد. با این وصف، صرف بررسی میزانهای ازدواج در یک جامعه نمی‌تواند تصویری از وضعیت باروری آن جامعه را به دست دهد. بلکه، باید به عوامل دیگر نیز توجه نمود از جمله اینکه طول مدت این ازدواجها چقدر است؟ بعبارت دقیقتر، سنتها و ارزشهای فرهنگی اجتماعی تا چه حد به ثبات، استحکام و پایداری پیوندهای زناشوئی اهمیت

1- Divorce

می‌دهند؟

معمولاً، پیوندهای زناشوئی بدنبال دو واقعه دستخوش فروپاشی شده و از بین می‌روند: فوت حداقل یکی از زوجین و طلاق. ارزشهای اجتماعی و الزامات فرهنگی نقش تعیین‌کننده‌ای در میزانهای طلاق یک جامعه برعهده دارند که می‌توان به دو شکل کلی آن اشاره کرد: نخست، فقدان یا ضعف الزامهای اخلاقی و اجتماعی جهت اقدام به طلاق. دوم، وجود سنتها و ارزشهای فرهنگی واجتماعی قوی در زمینهٔ پایبند نمودن زن و شوهر به زندگی خانوادگی و برحذر داشتن آنها از فروپاشی پیمان زناشوئی.

استاد مطهری در یکی از آثار خود، با استناد به مقاله‌ای از مجلهٔ نیوزویک تحت عنوان «طلاق در امریکا» به نمونه‌ای از شکل اول فوق‌الذکر اشاره می‌نماید:

«...طلاق گرفتن در امریکا بآسانی تاکسی گرفتن است...در میان مردم امریکا دو ضرب‌المثل از همهٔ ضرب‌المثلهای دیگر در بارهٔ طلاق معروفتر است. یکی اینکه «حتی دشوارترین سازشها هم میان زن و شوهرها از طلاق بهتر است». این ضرب‌المثل را شخصی بنام سروانتس در حدود چهار قرن پیش گفته است. ضرب‌المثل دوم که از شخصی بنام سامی کاهن در نیمهٔ دوم قرن بیستم گفته شده است و درست نقطه مقابل ضرب‌المثل اول است و شعاری است برضد او و آن اینست: «عشق دوم دلپذیرتر است»...از متن مقالهٔ نامبرده بر می‌آید که ضرب‌المثل دوم کار خود را کرده است»[۱]

برعکس، در جامعه‌ای همچون جامعهٔ ایران وضعیت کاملاً متفاوتی وجود دارد و نحوهٔ نگرش و رویکرد افراد جامعه به موضوعاتی همچون استحکام کانون خانواده و طلاق بگونهٔ دیگری است.در اینجا، فرهنگ جامعه، زن و شوهرها (بویژه زنان) را بنهایت بردباری، گذشت و سازگاری نسبت به همسر فرا خوانده است و اینها خود نوعی ارزش اجتماعی به حساب می‌آیند، و حال آنکه، از طلاق و جدائی بعنوان منفورترین پدیده‌ها و یک ضدارزش یاد می‌شود. شکل برجستهٔ برحذر داشتن زوجین (بویژه زن) از طلاق و دعوت آنها بنهایت سازگاری، اینستکه همچنانکه در آغاز، زن با رخت سفید به

۱- به نقل از: مطهری، استاد شهید مرتضی، ۱۳۶۵، ص ۲۹

خانه شوهر می‌رود آنقدر باید در برابر مرارتهای احتمالی خویشتنداری و صبوری پیشه کند که تنها و تنها یک چیز سبب فراق آنها و خارج شدن زن از خانه شوهر گردد، یعنی مرگ که در آن شرایط نیز نوعی رخت سپید برتن خواهد داشت. یا آنکه، در این فرهنگ که مهمان‌نوازی از ارج و اعتبار زیادی برخوردار است، با اینهمه، توصیه شده است فردی که زن خود را طلاق داده به منزل راه ندهید:

* زن، باید با چادر سفید بیاید و با کفن سفید برود.
* به زن مرده، زن بده، به زن طلاق داده اعلان جنگ بده!
* به زن مرده، زن بده، زن طلاق داده را به خانه راه نده.
* تا توانی پامنه‌اندر فراق/ ابغض الاشیاء عندی الطلاق (حدیث نبوی)

جدول شمارهٔ دو: میزان طلاق (در هزار) جمعیت ده ساله ببالا برحسب جنس و محل سکونت (۱۳۷۵)

جنس	کل کشور	نقاط شهری	نقاطروستائی
مرد	۴/۶	۵/۴	۳/۳
زن	۸/۳	۹/۷	۵/۸

۳- باروری: (تشویق به فرزندزائی)

همچنانکه قبلاً اشاره گردید، «زاد و ولد یا باروری»، «مرگ و میر»، «مهاجرت» از عمده‌ترین عناصر تغییرات و دگرگونیهای جمعیتی می‌باشند و در میان آنها، «باروری» عامل منحصر به فرد افزایش جمعیتهای انسانی در مقیاس جهانی است. از سوی دیگر، در حال حاضر قسمت اعظم «سیاست جمعیتی»[1] کشورهای مختلف، معطوف به همین عنصر یعنی زاد و ولد یا باروری می‌باشد با این تفاوت که برخی در راستای تقلیل آن

۱- «سیاست جمعیتی [Population Policy] عبارت است از مجموعه اصول و تدابیری که چگونگی و حدود فعالیت دولت را در امور جمعیتی و یا اموری که نتایج جمعیتی دارند تعیین می‌کند» به نقل از: بهنام، دکترجمشید، ۱۳۴۶، ص ۱۵۴

(کشورهای توسعه نیافته) و پاره‌ای دیگر، بمنظور افزایش نسبی آن (ممالک پیشرفتهٔ صنعتی) سیاستگزاری و سرمایه‌گذاری می‌نمایند.

بطور اساسی، مشکل افزایش جمعیت دامنگیر کشورهای توسعه نیافته است. بالا بودن میزان زاد و ولد در این کشورها تحت تأثیر عوامل فراوانی‌ست که از جمله آنها تمایل و خواست خود افراد (زن و شوهرها) می‌باشد. یکی از نخستین مطالعات در زمینهٔ رویکردها و رفتارهای باروری و تنظیم خانواده[۱]، «آمارگیری‌های بهداشتی و)[۲] جمعیتی» (موسوم به نفر D.H.Sمبتنی بر مصاحبه‌های انجام شده با بیش از ۲۱ هزار از مردان متأهل در ۱۵ کشور در حال توسعه است. برپایهٔ این تحقیق، بخش قابل توجهی از پاسخگویان، مخالف استفاده از خدمات تنظیم خانواده و برنامه‌های کنترل موالید بودند و «تمایل به داشتن بچه‌های بیشتر» از عمده‌ترین موانع استفاده از خدمات تنظیم خانواده گزارش شده است. از سوی دیگر، تقریباً در کلیهٔ کشورهای مورد مطالعه، مردان در مقایسه با زنان، خواهان داشتن تعداد فرزندان بیشتری بودند.[۳] و این در حالی است که می‌دانیم در این کشورها معمولاً عنان تصمیم‌گیری در خصوص روابط و رفتار زناشوئی در اختیار مردان است.

فرزندزائی و زاد و ولد در حد زیاد (بعنوان یکی از بارزترین مشخصه‌های جمعیتی کشورهای جهان سوم) بطرز چشمگیری ریشه در تمایلات و باورهای اجتماعی دارد. یکی از واقع بینانه‌ترین تبیینهای رفتار باروری در این کشورها، که زنان با پذیرش تمامی مخاطرات دوران آبستنی و زایمان، حاضر می‌شوند بدفعات حاملگی‌های جدیدتری را تجربه نمایند، اینستکه بجهت عدم دسترسی به سایر منابع جهت کسب منزلت اجتماعی[۴]، سعی می‌کنند از طریق به دنیا آوردن فرزندان بیشتر، در جامعه برای خودشان نیز منزلت و اعتباری کسب نمایند. در یکی از گزارشهای اخیر سازمان ملل متحد به این نکته اشاره شده است:

1- Family planning

2- Demographic and Health Surveys

۳- برای اطلاعات بیشتر ر.ک به: فروتن، یعقوب، ۱۳۷۷، صص ۴۴-۴۰

4- Social status

ارتقا و افزایش نقشهای مولد برای زنانی که موقعیت و منزلت‌شان در جامعه، صرفاً به قابلیتهای باروری بستگی دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در صورت عدم وجود منابع دیگر، جهت تعیین موقعیت و منزلت زنان، توانائی یک زن جهت تصمیم‌گیری پیرامون الگوی ازدواج یا بُعد خانواده[1] محدود و مختصر است...»[2]

در باورهای عمومی و ضرب‌المثلهای ایرانی نیز می‌توان مواردی را سراغ گرفت که مبتنی بر ترغیب به ولادت و فرزندزائی‌ست. در پاره‌ای موارد، این موضوع چنان شتاب و اوج می‌گیرد که فرض بر این گذارده می‌شود که تنها شرط رهائی زن از دایرهٔ بیگانگی، به دنیا آوردن بچه یا فرزندزائی‌ست که اگر نتواند یا احتمالاً نخواهد قابلیت باروری خود را بالفعل نماید اطرافیان به او به دیدهٔ یک غریبه خواهند نگریست.

* میوهٔ دل (کنایه از فرزند)
* خورشید، گوهر آسمانی است و فرزند، گوهرخانه
* هرجا بچه هست، شیطان نیست
* الهی، هیچ سفره یک نانه نباشد
* هر آنکس که دندان دهد، نان دهد
* اونی که دهانش را داده، روزیش را هم می‌دهد
* خانه اگر پر از دشمن باشد بهتر است تا خالی باشد
* زن تا نزاید، بیگانه است

۴- نازائی و ناباروری

بدون تردید، در فرهنگ عامهٔ ایرانی، «فرزند» نقش و اهمیت بسزائی دارد. بطوریکه از آن تحت عنوان «میوهٔ دل» یاد می‌شود. علاوه براین، همچنانکه قبلاً نیز خاطر نشان گردید در چنین فرهنگی، زاد و ولد و فرزندزائی بعنوان امری مبارک و یک ارزش اجتماعی به حساب می‌آید. از سوی دیگر، چنانچه زن یا مادر ابزارهای لازم دیگری را

1-Family size

2- UNFPA (1997).P.5

در اختیار نداشته باشد که از طریق آنها موقعیت اجتماعی خود را تثبیت نماید در آنصورت این تمایل در وی قوت خواهد گرفت تا بوسیلهٔ به دنیا آوردن بچه‌های بیشتر به تثبیت و تقویت موقعیت و جایگاه خویش در جامعه بپردازد.

بدیهی‌ست در چنین فضائی که جهت‌گیریهای عمومی جامعه در باره زن و شوهر و بچه‌ها اینگونه شکل گرفته است، می‌توان بوضوح و بسهولت پیش‌بینی کرد که جامعه به زن و شوهری که قادر نباشند بجهت محرومیت از توانمندیهای لازم جسمانی (بیولوژیک)، قابلیت باروری و زاد و ولد خویش را به فعلیت در آورند، «روی خوش، نشان نخواهد داد» و به شیوه‌های مختلف آنها را آماج طعنه‌ها و کنایات خود قرار می‌دهد:

* زن نازا را بکشی نازاست
* سم قاطر خورده است (به استهزاء به زن نازا گفته می‌شود)
* اجاقش کور است (کنایه از آنکه، فرزندی ندارد)

۵- پدیده ترجیح جنسی

پدیدهٔ «ترجیح جنسی»[1] یکی از مهمترین عواملی‌ست که می‌تواند سطح باروری جامعه را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. بدین معنا که، خانواده‌ها یا زن و شوهرها ممکنست تحت تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم القاآت و یا الزامهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به یکی از دو جنس دختر یا پسر، تمایل بیشتری داشته باشند. بدیهی‌ست در چنین شرایطی این امکان وجود دارد که خانواده‌ها بعضاً به جهت عدم دستیابی به فرزند جنس مورد نظر خود، به تعداد فرزندان بیش از حد مطلوب برسند.

بدون تردید، تفوق یا ترجیح جنسی، ریشه در مبانی و ارزشهای اجتماعی ـ فرهنگی جامعه دارد. اصولاً در جامعه‌ای که بطور مثال، فرزند پسر بنا به دلایل متعددی همچون تأمین منافع اقتصادی و سودآوری، برپادارنده و تداوم‌بخش نام و حیات خانواده تلقی

1- Sex preference

میشود، در واقع زمینه‌های مساعد و مطلوبی پدید می‌آید تا زوجین تقریباً خود را ناچار احساس کنند که حتماً در میان زاد و ولدهای خویش فرزند یا فرزندان پسری داشته باشند. بنابراین، باید این واقعیت را پذیرفت که در چنین شرایطی:

«برخی زنان که چند دختر به دنیا آورده‌اند بواسطه اعتقاد به ارزش بیشتر پسر، حاملگیهای جدید را آزمایش می‌کنند تا شاید دست‌کم، یک پسر بیاورند و در نتیجه، تعداد فرزندان آنان بنحو ناخواسته‌ای به حدود ۷ تا ۸ فرزند می‌رسد در حالیکه شاید تعداد مطلوب آنها سه فرزند بیشتر نباشد... یعنی باروری براین پایه معلول عوامل اجتماعی ـ رفتاری است.»(۱)

آلفرد سووی (Alfred Sauvy)، اقتصاددان و جمعیت‌شناس فرانسوی، نیز به وجود ترجیح جنسی در اغلب جوامع اشاره می‌نماید. وی، خاطرنشان می‌سازد برپایهٔ تحقیقات متعددی که بمنظور شناخت میزان فرزندان دلخواه انجام گرفته، تعداد متوسطی که به دست می‌دهد ۲/۷ تا ۴ فرزند برای هر خانواده است. ضمناً آنگونه که «سووی» نشان می‌دهد هیچیک از این تحقیقات به رقم واقعی باروری (حدود ۶ فرزند) و بالنتیجه به میانگین تعداد فرزندان که یک زن و شوهر در صورت زناشوئی پیوسته و در تمام مدت باروری زن می‌توانند داشته باشند، نمی‌رسند.(۲)

بیقین، در دین اسلام تنها مبنا و ملاک تمایز انسانها، «تقوی» است اما با استناد به منابع تاریخی می‌توان نمونه‌هائی را سراغ گرفت که بیانگر وجود و حاکمیت نوعی تفکر برتری جنسی‌ست که البته بی‌شک با بینش اسلامی مباینت و مغایرت داشته و دارد.

«نقل است که در صدر اسلام با وجودیکه پیامبر اسلام بهواداری دخترانیکه (آنها را) زنده زنده در گور می‌گاردند مبارزه کرده و حق حیات را برای دختر و پسر مسلّم ساخت. معهذا مردم، پسران را به دختران ترجیح می‌دادند از این جهت بشکرانه مولود جدید، اگر دختر بود یک ماه و اگر پسر بود دو ماه روزه می‌گرفتند.»(۳)

۱- امانی، دکتر مهدی، ۱۳۵۵، ص ۱۳۲

۲- ر.ک به: سووی، پروفسور آلفرد، ۱۳۵۷، ص ۱۴۸

۳- به نقل از: جهانفر، دکتر محمد، ۱۳۵۴، ص ۶۰

البته، نمونه‌های کمابیش آشکار ترجیح جنسی را در جوامع و فرهنگهای مختلف می‌توان سراغ گرفت که بدون تردید در ادوار گذشته از شدّت و قوّت بمراتب بیشتری برخوردار بود. بعنوان مثال، در چین قدیم، تولد دختر مصیبتی محسوب می‌شد، چرا که دختر را به منزلهٔ یک بار سنگین، یک دردسر و یا حداکثر یک شیء بی‌مصرف تلقی می‌کردند. از اینرو، دختران نوزاد را در آب غرق می‌نمودند و یا به طریق دیگری سر به نیست می‌کردند و در مواردی هم که آنها را زنده باقی می‌گذاردند انواع تحمیلات و تبعیضها را در مورد آنها اعمال می‌کردند.

از نمونه‌های بارز و شگفت‌آور این تحمیلات می‌توان از رسم عجیب بستن پاهای دختران (در قالبهای تنگ قرار دادن پاهای دختران از خردسالی به منظور کوچک ماندن پاهای آنان) که از قرن دهم میلادی متداول شد یاد کرد. این رسم غیرانسانی صرفنظر از عواقب و آثار ناگوار دیگری که در برداشت عملاً موجب خانه‌نشینی زنان و دختران گردید.[۱]

بینش برتر دانستن جنس مذکر در قالب فرهنگ عامه و ضرب‌المثلها نیز تجلی یافت که در اینجا به دو نمونه آن که در جامعه چینی رواج داشت اشاره می‌شود:

«پسران متولد نشده، سبب می‌شوند که فرزندان زیاد به دنیا بیایند»

«هجده دختر مانند حوری، مساوی یک پسر گوژپشت نیست.»[۲]

در هرحال، این واقعیت تا حدود زیادی غیرقابل انکار است که هنوز هم ترجیح پسرزائی بر دخترزائی با درجه‌ای از شدت بر بخشی از افراد جامعه ثابت، ساری و جاری‌ست. بدین معنا، چنانچه مادری چند شکم از یک جنس (ترجیحاً دختر) آورد برای تحقق تعادل یا اختلاط فرزندان سعی می‌کند با حاملگیهای متعدد باروری خود را به آزمایش بگذارد و لااقل صاحب یک پسر شود البته هرچه زمان تحقق این میل و آرزو دورتر باشد تعداد بیشتری فرزند به دنیا می‌آید که معمولاً ناخواسته می‌باشند.

۱- به نقل از: کتابی، دکتر احمد، ۱۳۷۰، صص ۱۶۰-۱۵۹

۲- به نقل از همان مأخذ، صص ۲۲۱-۲۲۰

با این توصیف، کلید کنترل باروری در چنین مواردی، نه صرفاً استعمال روشهای پیشگیری از حاملگی‌ست، بلکه براین اساس در ایجاد حقوق و ارزش و منزلت مساوی برای دختران و پسران و بعبارتی برای زنان و مردان گامهای مؤثری باید برداشته شود.

بیقین در چنین شرایطی‌ست که برای زوجین، داشتن پسر یا دختر تفاوتی نمی‌کند، بلکه داشتن تعداد محدودی فرزند مطرح است. خواه دو سه پسر یا دو سه دختر و یا اختلاطی از دو جنس. در واقع، جنس فرزندان هرچه باشد بالسّویه از قوانین و نظامات بهره‌مند خواهند بود.(۱)

در عین حال، باید بر این واقعیت تکیه و تأکید گردد که فراهم آوردن شرایط لازم جهت امحا و زدودن بینشهای مبتنی بر ترجیح جنسی، که دیدیم چگونه باعث بالا بردن نرخ موالید و باروری و افزایش جمعیت خواهد شد، بویژه در جوامع در حال توسعه که از یکطرف میزان رشد جمعیت بالاست و از سوی دیگر، استیلا و رواج چنین بینشی بمراتب بیشتر و قویتر است، تأثیرات بسیار مثبتی بر روی کاهش موالید و تقلیل رشد جمعیت خواهد داشت. اهمیت این نکته زمانی بیشتر قابل درک است، که در نظر بگیریم: «اگر تصور ترجیح جنسی (پسر یا دختر داشتن) ضعیفتر شود، حجم جمعیت کشورهای در حال توسعه تا سال ۲۱۰۰ میلادی، حدود ۲/۲ میلیارد نفر کمتر از مقدار پیش‌بینی شده (۱۴/۶ میلیارد) خواهد بود یعنی اگر فقط مردم کشورهای در حال توسعه را در معرض آموزش و تحول فرهنگی لازم قرار دهیم...این تغییر رفتار تا یک قرن بعد به اندازه نیمی از جمعیت کنونی جهان (که بیش از ۵ میلیارد است)...از جمعیت جهان در حال توسعه خواهد کاست.»(۲)

آنچه مسلم است اینکه در هرحال، در فرهنگ عامهٔ ایرانی نمونه‌های کمابیش برجسته‌ای از پدیدهٔ ترجیح جنسی ملاحظه می‌گردد که پاره‌ای از آنها در قالب ضرب‌المثلها نمود عینی یافته است. در تحلیل محتوای اینگونه ضرب‌المثلها، چند نکتهٔ

۱- ر.ک به: امانی، دکتر مهدی، ۱۳۵۵، صص ۶۱-۶۰ ۲- به نقل از: جهانفر و مشکانی، ۱۳۷۳، ص۳۶

مقدماتی و کلی را می‌توان خاطر نشان ساخت: اول آنکه، شکل غالب و فراگیر این ضرب‌المثلها، نوعی سوگیری و تمایل جانبدارانه از جنس ذکور (مرد یا پسر) می‌باشد. دیگر آنکه انعکاس اندیشهٔ ترجیح جنسی در ضرب‌المثلها، یکسان و همانند نیست. بدین معنا که در پاره‌ای از موارد، با صراحت و قاطعیت محسوس این اندیشه بازتاب یافته است («بیان مستقیم») و حال آنکه در مواردی دیگر، این صراحت و قاطعیت را نمی‌توان دریافت، بعبارتی با «بیان غیرمستقیم» به چنین طرز تفکر و اندیشه‌ای پرداخته شده است:

الف) بیان مستقیم

* دختر نابوده به، چون ببود یا به شوی به یا به گور
* هر وقت نیم‌سوز حرف زد تو هم حرف بزن

(در گذشته، مادران به دختران خود توصیه می‌کردند تا هنگامیکه شوهر نکردند شایستگی اظهارنظر و حق حرف زدن ندارند و از این ضرب‌المثل بعنوان یک دستورالعمل زندگی دختران یاد می‌شود)

* مردی که خانه نباشد، زنش دختر می‌زاید

البته معنا و دلالت اصلی این ضرب‌المثل آن است که وجود صاحب مال و توجه او می‌تواند مؤثر و مفید واقع شود. با این توصیف، چنین مستفاد می‌شود که اولاً مرد یا شوهر بعنوان صاحب مال (دختر) محسوب می‌شود که خود نوعی نگرش جانبدارانه است. ثانیاً، عدم حضور مرد در خانه سبب تولد نوزاد دختر گردید. توگوئی، چنانچه مرد (شوهر) ترک خانه نمی‌کرد و در منزل باقی می‌ماند حضورش مؤثر و سودمند واقع می‌شد و نتیجه آنکه، همسرش نوزاد پسر (و نه دختر) به دنیا می‌آورد.

ب) بیان غیرمستقیم

۱- انتساب و اتصال صفات و ویژگیهای منفی به زنان

صفاتی از قبیل: وفادار و صادق نبودن، ناقص‌العقل بودن، گله‌گزاری، ناصالح در مشورت و عدم رازداری ...

* زن، از پهلوی چپ خلق شده است
* زن، ناقص‌العقل است
* زن، یک دنده‌اش کم است
* گله‌گزاری، کار زنان است
* مشورت با زنان تباه است و سخاوت به مفسدان گناه
* از بدیهای زن مشو ایمن، گرچه از آسمان نزول کند
* به پیش زنان، راز هرگز مگوی
* زن و اژدها هر دو در خاک به
* خواب زن، چپ است

۲- انحصاری دانستن خصائل نیک و صفات پسندیده برای مردان (ویژگیهائی همچون اصل و اساس بودن، رازداری، وفای بعهد، اعتبار حرف و قول و...)

* اصلم پدر است که مادرم رهگذر است
* مرد سر می‌دهد سرّ نمی‌دهد
* سر می‌رود از مرد ولی قولش نمی‌رود
* حرف مرد، یکی‌ست
* مرد (شوهر)، خدای کوچک خانه است

با اینهمه، باید خاطر نشان ساخت که در فرهنگ ایرانی، زن بویژه در جایگاه احراز مقام مادری محترم شمرده می‌شود و در ضرب‌المثلهای عامیانه نیز مواردی ملاحظه می‌گردد که بر آن است تا تصویری روشن و مثبت از جنس زن به دست دهد. جالب آنکه، در اینجا سوگیری و جانبداری افراطی مشاهده نمی‌شود و از آن تمایلات شدید و قوی که برای جنس مذکر (مردان) منعکس گردیده بود، تقریباً خبر و اثری نیست.

* زن بلاست، الهی هیچ خانه‌ای بی‌بلا نباشد

(زن بلاباشد به هر کاشانه‌ای بی‌بلا هرگز مبادا خانه‌ای)

* زن تا نزائیده، دلبر است چونکه زائیده مادر است

* کلید عقل مرد، دست زن است
* هرکس که زن ندارد، آرام تن ندارد
* شوهر باید مغز خانه و زن قلب آن باشد

۶- اشتغال و بیکاری

بررسی میزانهای اشتغال و بیکاری[۱] در مباحث ایستائی شناسی جمعیت بویژه بهنگام مطالعه جمعیت برحسب وضعیت فعالیت اقتصادی[۲] مورد توجه است. گرچه، بالا بودن نسبی میزانهای بیکاری یکی از برجسته‌ترین خصوصیات جمعیتی کشورهای جهان سوم تلقی می‌گردد، با اینهمه، در فرهنگ عامه و ضرب‌المثلهای ایرانی، اشتغال بعنوان یک ارزش اجتماعی[۳] به حساب می‌آید و حال آنکه از بیکاری بعنوان یک پدیدهٔ مذموم و ضدارزشی یاد می‌شود:

* بیماری‌به که بیکاری
* برهٔ نر در آغل نمی‌خوابد
* این روزها، از زور بیکاری کارش آجرسایی است
* آجرساب است
* آدم بیکار و ولگرد که کارش فقط راه رفتن و ولگردی است و کنایه از اینستکه از بس روی آجر راه رفته، آجر سائیده شده است.

۷- سالخوردگی (پیری) جمعیت

در بررسیهای جمعیت‌شناسی، بویژه بهنگام مطالعهٔ جمعیت برحسب سن (مطالعهٔ ترکیب و ساخت سنی جمعیت)، سالخوردگی جمعیت[۴] نقش قابل توجهی می‌یابد. ترکیب سنی جمعیت (بطورعام) و میزان سالخوردگی جمعیت (بطورخاص) از مهمترین

1- Employment and Unemployment Rates
2- Economic Activity
3- Social Value
4- Ageing of population

«شاخصها» و سنجه‌های جمعیت شناختی توسعه»[۱] محسوب می‌شود. رویهمرفته، در کشورهای توسعه یافتهٔ صنعتی نسبت قابل ملاحظه‌ای از جمعیت کل را افراد سالخورده و پیر تشکیل می‌دهند در حالیکه این نسبت در ممالک توسعه نیافته چندان برجسته و چشمگیر نیست.

«در حال حاضر، جمعیتها را از نظر ترکیب سنی آنها به سه دسته تقسیم می‌کنند: دسته اول، را جمعیتهای دارای ساخت سنی جوان می‌نامند (کشورهای توسعه نیافته)...دسته دوم، را جمعیت‌هائی تشکیل می‌دهند که دارای ساخت سنی سالخورده‌ای هستند (ممالک پیشرفته صنعتی)... افراد شصت ساله ببالا در این جمعیتها (میزان سالخوردگی جمعیت) معمولاً از ۱۲ درصد تجاوز می‌کند در حالیکه، این نسبت در جمعیتهای دسته اول، حدود ۴ درصد می‌باشد. و (بالاخره) دسته سوم، جمعیتهائی هستند که از لحاظ ترکیب سنی در حال گذر از جوانی جمعیت به سالخوردگی جمعیت می‌باشند»[۲]

در برخی فرهنگها و جوامع انسانی، پیری و سالمندی نوعی ارزش اجتماعی تلقی می‌گردد و سالمندان و پیران در این جوامع از احترام و منزلت اجتماعی خاصی برخوردار هستند. این موضوع، بویژه در دوره‌های گذشته بیشتر متداول بود و در جامعهٔ جدید بدنبال بروز پاره‌ای تغییرات و دگرگونیهای فرهنگی اجتماعی[۳]، جایگاه سالخوردگان نیز کمابیش دستخوش تحولاتی شده است. با اینهمه، در جوامعی که سالمندان کماکان از ارج و قرب بالائی بهره‌مندند، نوعی گرایش و تمایل به پیری‌گرائی در هنگام انجام مطالعات جمعیتی، بویژه بهنگام اعلان سن، ملاحظه می‌گردد.

«...گرایش به سالخوردگی در سنین بالاتر بویژه در جوامعی که پیری و سالخوردگی از منزلت اجتماعی بالاتری برخوردار است دیده می‌شود...»[۴] و به همین منظور، حتی

1-Demographic measures of Development

۲- به نقل از: زنجانی، دکتر حبیب‌ا...۱۳۶۹، ص ۴۷

3- Cultural _ Social Changes

۴- به نقل از همان منبع، ص ۶۷

در جمعیت‌شناسی تکنیکها و روشهای خاصی وجود دارد تا اطلاعات و داده‌های جمعیتی را که تحت تأثیر چنین زمینه‌هائی، نادرست و غیرواقع گزارش شده‌اند، تصحیح، اصلاح و بازسازی نمایند.

در ضرب‌المثلها و فرهنگ عامهٔ ایرانی نیز به موضوع پیری و سالمندی پرداخته شده و از اهمیت و ارزش والای آن یاد شده است تا آنجا که، اعتقاد بر این است که حتی خداوند نیز از موی سفید (کنایه از دوران پیری) شرم می‌کند. در تحلیل محتوای این قبیل ضرب‌المثلها، از «تدبیر و تجربه» بعنوان بزرگترین میراث سالمندی یاد می‌شود و اعتقاد بر این است که یکی از مظاهر و جلوه‌های ارج نهادن به سالمندان، بهره‌گرفتن از تدابیر، تجربیات و دوراندیشی‌های آنهاست:

* تیغ کهنه، جوهر دارد
* دود از کنده برمی‌خیزد
* جز به تدبیر پیر، کار مکن
* تدبیر از پیر، جنگ از جوانی
* اگر پیرم و میلرزم به صدتا جوان می‌ارزم
* آنچه در آینه جوان بیند، پیر در خشت خام بیند
* خدا هم از موی سپید، شرم می‌کند

بخش دیگری از ضرب‌المثلها و فرهنگ عامهٔ ایرانی در زمینهٔ موضوع پیری و سالخوردگی، شامل مواردی می‌گردد که به بیان و توصیف مشکلات، عوارض و پیامدهای خاص دوران سالمندی می‌پردازد: سپید شدن موی سر و صورت، بروز انواع عیوب و بیماریها، حریص و آزمند شدن، افزایش احتمال مرگ و...

* برف پیری بر سرکسی نشستن
* پیری به هزار علت آراسته است
* پیری به تبی و زمستان به شبی
* آدم پیر، حریص است

* هرکس که عمر دراز داشته باشد، به مرگ دوستان بسیار زارد
* غصه‌های دوران پیری از همهٔ غصه‌ها بزرگتر است

جدول شماره ۳: میزانهای سالخوردگی جمعیت ایران (نسبت جمعیت ۶۰ ساله و بیشتر به کل جمعیت) به تفکیک جنس و محل سکونت (به درصد)

	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
میزان سالخوردگی	۶/۵۳	۵/۲۵	۵/۴۳	۶/۶۲
میزان روستانشینی سالخوردگان	۳۶/۵	۴۴/۷	۵۱/۷	۵۶/۹
میزان شهرنشینی سالخوردگان	۶۳/۵	۵۵/۳	۴۷/۸	۴۳/۱

۸- مرگ و میر: (واقعیتی اجتناب‌ناپذیر)

بدون شک، «مرگ و میر»[1] یکی از اساسی‌ترین موضوعات در مطالعات جمعیت‌شناسی‌ست. بدان سبب که مرگ و میر بعنوان یکی از ارکان سه‌گانهٔ تحولات جمعیتی (موالید، مهاجرت و مرگ ومیر) شناخته شده است. علاوه براین، مرگ و میر و باروری دو عاملی هستند که بطور طبیعی حجم، ساخت و ترکیب جمعیت[2] را دستخوش دگرگونی می‌سازند. مطابق تئوری انتقال جمعیتی[3]، نقطهٔ عزیمت افزایش بی‌سابقهٔ جمعیت دنیا (یا بحران جمعیت[4])، کنترل عناصر مرگ و میر و به تبع آن، کاهش چشمگیر مرگ و میر می‌باشد که عمدتاً ناشی از پیشرفتهای برجستهٔ جامعهٔ بشری در زمینهٔ دانش و تکنولوژی پزشکی، بهداشت، ارتباطات و حمل و نقل است.

1- Mortality
2- Structure and composition of Population
۳- «یکی از مباحث تئوریزه شدهٔ علم جمعیت، مبحث انتقال جمعیتی (Demographic Transition) است که بیان می‌دارد چگونه ابتدا مرگ و میر و سپس زاد و ولد و باروری از سطحی بالا به سطحی پایین منتقل می‌شود...»
به نقل از: میرزائی، دکتر محمد، ۱۳۶۷، ص ۱۰۷
4- Crisis of Population

در ضرب‌المثلها و فرهنگ عامیانهٔ ایرانی، به موضوع مرگ و میر توجه شده است. از مجموع این ضرب المثلها به «گریزناپذیر بودن مرگ» و «دعوت به تمکین در برابر آن» بعنوان نکات اصلی که می‌توان از آنها استنباط کرد، اشاره نمود:

* آدمیزاد، تخم مرگ است
* آدم است و یک آه و دم
* آدمیزاد را از مردن چاره نیست
* هرکاری چاره‌ای دارد جز مرگ
* عمر نوح را به کسی نداده‌اند
* عمر همچون باد در گذر است
* عمر اگر هزار سال است عاقبت مرگ است
* هرکسی، پنج روزه نوبت اوست
* مرگ، شتری است که در هرخانه‌ای می‌خوابد

در بخش دیگری از ضرب‌المثلها به توصیف فرا رسیدن زمان مرگ و به پایان رسیدن عمر پرداخته شده و برای این منظور از کنایات و تشبیه، برای بیان مقصود بیشترین استفاده به عمل آمده است:

* ظرفش لبریز شده
* سر بالا رفته
* پایش لب گور است
* پیمانه چو پر شد چه شیرین و چه تلخ
* آفتاب لب بام، آفتاب سربام، آفتاب سر دیوار، آفتاب سرکوه

۹- خلاصه و نتیجه‌گیری

۱) بدون تردید، بخشی از نگرشها و باورهای عمومی در قالب ضرب‌المثلها نمود پیدا می‌کند. ضرب‌المثلها نوعی تجلیات بیرونی و تظاهرات خارجی اعتقادات، طرز تلقیها و رویکردها و نگرشهای عامهٔ مردم در بارهٔ موضوعات مختلف است.

۲) همسرگزینی و ازدواج، بعنوان یکی از مهمترین مباحث جمعیتی، در باورهای عمومی ایرانیان اهمیت برجسته‌ای دارد. این اهمیت و ضرورت تا بدان حد است که فرد را مکلف می‌سازد حتی با استقراض از دیگران، از این مهم غافل نماند زیرا اعتقاد بر این است که چنین فردی از مستحکم‌ترین حمایتها (حمایت الهی) بهره‌مند است.

۳) طلاق و جدائی، از جمله متغیرهائی‌ست که همچون ازدواج بسبب ارتباط تنگاتنگ با مقولهٔ مهم «باروری» (بعنوان یکی از مهمترین ارکان و عناصر تغییرات جمعیتی و عامل منحصر به فرد افزایش جمعیتهای انسانی در مقیاس جهانی) در بررسیهای جمعیتی مورد عنایت جمعیت شناسان است. طلاق، برعکس ازدواج، زمینه‌های مناسب جهت تحقق باروری مشروع را از بین می‌برد. در فرهنگ عامیانهٔ ایرانی، از طلاق و جدائی بعنوان یکی از منفورترین پدیده‌ها و یک ضد ارزش یاد می‌شود و زن و شوهرها (بویژه، زنان) بنهایت شکیبائی و سازگاری در مناسبات زناشوئی دعوت شده‌اند.

۴) بالا بودن میزانهای زاد و ولد و فرزندزائی (بعنوان یکی از برجسته‌ترین مشخصه‌های جمعیتی ممالک توسعه نیافته) بطور نمایانی از تمایلات عمومی و باورهای اجتماعی نشأت می‌گیرد. در این قبیل جوامع، به دنیا آوردن فرزندان بیشتر، یکی از مهمترین و متداولترین منابع تأمین و تضمین منزلت و اعتبار اجتماعی محسوب می‌شود. در باورهای عمومی و ضرب‌المثلهای ایرانی نیز ولادت و فرزندزائی، مورد تأکید فراوان می‌باشد بطوریکه، از فرزند تحت عناوینی همچون «میوهٔ دل» و «گوهر خانه» یاد شده است.

۵) پدیدهٔ «ترجیح جنسی» (برتر دانستن فرزند دختر یا پسر)، که در کشورهای جهان سوم نقش برجسته‌ای در بالا بودن سطح باروری دارد، متأثر از ارزشهای فرهنگی و

اجتماعی و رویکردهای جامعه و خانواده است. در فرهنگ عامیانهٔ ایرانی نیز، نمونه‌های کمابیش برجسته‌ای از این پدیده را می‌توان یافت که پاره‌ای از آنها در قالب ضرب‌المثلها عینیت یافته‌اند. شکل برجستهٔ آن نیز بیانگر نوعی سوگیری و تمایل جانبدارانه از جنس ذکور است. با اینهمه، زن در فرهنگ ایرانی، بویژه در مقام مادری، از جایگاه رفیع و محترم و تصویری روشن و مثبت برخوردار است.

۶) سالخوردگی یا سالمندی، که از جمله معتبرترین سنجه‌های جمعیت شناختی توسعه محسوب می‌گردد، در فرهنگ عامیانه و ضرب‌المثلهای ایرانی بااهمیت و ارزشمند تلقی شده و اعتقاد براین است که حتی خداوند نیز از موی سپید (کنایه از پیری) شرم می‌کند. بعلاوه، از «تدبیر و تجربه» بعنوان عظیم‌ترین میراث سالمندی یاد شده است.

۷) «مرگ ومیر»، که همراه با موالید (باروری) و مهاجرت عناصر اصلی تحولات و دگرگونیهای جمعیتی را تشکیل می‌دهند، از مهمترین متغیرهای مورد نظر در بررسیهای جمعیت شناختی به حساب می‌آید. در فرهنگ عامیانه و ضرب‌المثلهای ایرانی، به این موضوع پرداخته شده و از آن بعنوان یک «واقعیت اجتناب‌ناپذیر» یاد شده است. بعبارتی، «گریزناپذیر بودن مرگ» و به تبع آن، نوعی «دعوت به تمکین در برابر مرگ» از بارزترین نتایجی‌ست که می‌توان از تجزیه و تحلیل ضرب‌المثلهای ایرانی در این زمینه، استنباط و استخراج کرد. علاوه براین، استفاده از تشبیهات و کنایات برای بیان مقصود و توصیف به پایان رسیدن عمر و فرارسیدن هنگام مرگ در باورهای عمومی و ضرب‌المثلهای ایرانی، بطور برجسته‌ای، ملاحظه می‌گردد.

فهرست منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی:

۱- آذرلی، غلامرضا، ضرب‌المثلهای مشهور ایرانی، انتشارات ارغوان، تهران، ۱۳۶۸

۲- ابریشمی، احمد، «فرهنگ مثلهای فارسی» (با معادلهای انگلیسی و فرانسه)، ناشر مؤلف، بی‌جا، ۱۳۷۳

۳- امانی، دکترمهدی، «نظری به سیاستهای جمعیتی در ایران» انتشارات پیوند، تهران، ۱۳۵۵

۴- امینی، امیرقلی، «فرهنگ عوام یا تفسیر امثال و اصطلاحات پارسی» (جلدهای اول و دوم)، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۹

۵- بهنام، دکتر جمشید، «جمعیت‌شناسی عمومی» (جلد دوم، جمعیت، توسعه ورفاه)، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۴۶

۶- جهانفر، دکترمحمد، «تاریخچهٔ نظریه‌های جمعیتی» شرکت سهامی چهر، تهران، ۱۳۵۴

۷- جهانفر، دکترمحمد، و مشکانی، دکتر محمدرضا، «نقش تنظیم خانواده در جمعیت»، مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، جلد دوم، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳

۸- دهخدا، علامه علی‌اکبر، «امثال و حکم» (جلدهای یکم تا چهارم)، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۷

۹- دهخدا، علامه علی‌اکبر، «گزیدهٔ امثال و حکم»، (به کوشش دکتر سیدمحمد دبیر سیاقی)، انتشارات تیراژه، تهران، ۱۳۶۱

۱۰- زنجانی، دکترحبیبا... «مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی، جمعیت، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران، ۱۳۶۹

۱۱- زنجانی، دکترحبیبا... «تحلیل جمعیت شناختی»،انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۶

۱۲- سهیلی، مهدی، «ضرب‌المثلهای معروف ایران»، چاپ دوم، انتشارات مؤسسه مطبوعاتی شرق، تهران، ۱۳۵۳

۱۳- سووی، پروفسور آلفرد، «مالتوس و دومارکس، گرسنگی و جنگ» ترجمهٔ صدقیانی، ابراهیم، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۷

۱۴- شاملو، احمد، «کتاب کوچه» دفتر اول، چاپ اول، انتشارات مازیار، تهران، ۱۳۵۷

۱۵- شاملو، احمد، «کتاب کوچه» دفتر دوم، چاپ اول، انتشارات مازیار، تهران، ۱۳۵۷

۱۶- شاملو، احمد، «کتاب کوچه»، دفتر سوم، چاپ اول، انتشارات مازیار، تهران، ۱۳۵۷

۱۷- شاملو، احمد، «کتاب کوچه»، (دفتر سوم، حرف الف)، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۱

۱۸- شاملو، احمد. «کتاب کوچه». دفتر چهارم، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۲

۱۹- کتابی، دکتراحمد. «نظریات جمعیت‌شناسی» انتشارات اقبال، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۰

۲۰- فروتن، یعقوب. «تنظیم خانواده و مردان». مجله بهداشت خانواده. (نشریه انجمن تنظیم خانواده جمهوری اسلامی ایران)، سال سوم، شماره دهم، تابستان ۱۳۷۷

۲۱- لامعی، ش. «ضرب‌المثلهای برگزیدهٔ ایران و جهان» چاپ دوم، نشرخرم، قم ۱۳۷۳

۲۲- مطهری، متفکر شهید استاد مرتضی. «نظام حقوق زن در اسلام» چاپ پنجم، انتشارات صدرا، تهران ۱۳۶۵

۲۳- مرکز آمار ایران. «نشریات سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن» سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی کل کشور

۲۴- میرزائی، دکترمحمد. «سطح مرگ و میر و توسعه» (ارائه یک مدل). نامه علوم اجتماعی. (دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران)، دوره جدید شماره ۱، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷

ب) منابع انگلیسی:

25_ Demographic and Health Surveys (D.H.S)

Newsletter. Macro International Inc. Vol 8. No 1. 1969.

26_ UNFPA: 1997 "Population Issues". United Nations Population Fund.

معرفی فرمولی جهت برآورد درجه نفوذ و سلسه مراتب سکونتگاههای روستائی

(در راستای توزیع مطلوبتر جمعیت روستایی)

دکتر حمید شایان*

مقدمه

بی‌تردید مدلهای کمی به منظور تعیین مکانهای بهینه مرکزی و حوزه عملکردی سکونتگاههای دارای کاربرد قابل توجهی هستند. محدودیتهای موجود در آنها را نیز بایستی با انجام مطالعات میدانی برطرف ساخت. اما محدودیت اصلی این مدلها در بعد محاسباتی عدم جامع‌نگری کافی می‌باشد؛ برای مثال در مدلهای مرکزیت مکانی، معیار اصلی سطح برخورداری از امکانات مختلف و اندازه جمعیت سکونتگاهها است. در این صورت موقعیت جغرافیایی، اجتماعی، قومی، فرهنگی مورد غفلت قرار می‌گیرند. از طرف دیگر، در مدلهای جاذبه عمدتاً بعد فضایی سکونتگاهها از نظر قابلیت دسترسی و جمعیت اساس کار است. بنابراین، نگارنده لزوم تلفیق هر دو جنبه از فاکتورهای فوق را

* - عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

تا حدامکان احساس و در قالب یک فرمول ارائه می‌نماید. روش تحقیق، کمی با کاربرد در سکونتگاهای مختلف روستایی (سطح دهستان یا مجموعه روستایی) است.

گزینش مدل ویژگی Originality Model

از میان مدلهای گوناگونی که جهت محاسبه میزان مرکزیت ارائه شده‌اند، مدل ویژگی به دلیل جامعیت بیشتر به عنوان بخشی از فرمول پیشنهادی انتخاب گردید. طبق این مدل، ضریب ویژگی هر سرویس خدماتی با تعداد کل آن سرویس در منطقه (دهستان یا مجموعه سکونتگاهها) از یک طرف و با تعداد کل سرویسهای مختلف موجود در سکونتگاه برخوردار از سوی دیگر مورد قیاس قرار می‌گیرد. بنابراین، ضریب ویژگی هر سرویس در هر سکونتگاه برخوردار طبق فرمول زیر محاسبه شده سپس با جمع کلیه ضرایب ویژگی برای هر سکونتگاه، ضریب ویژگی یا مرکزیت همه سکونتگاهها به دست می‌آید.[۱]

$$oji=(\frac{n\,i\,j}{N\,i}).Nj$$ (ضریب ویژگی سرویس i)

که در آن؛i= نوع سرویس، j= مرکز سکونتگاهی، nij= تعداد سرویسهای نوع i در سکونتگاه j، Ni = جمع کل سرویس i در منطقه Nj جمع سرویسهای مختلف موجود در سکونتگاه j است.

مزایای این مدل عبارتند از؛

الف) برحسب آنکه یک سرویس فراوانی کمتری داشته باشد، ضریب ویژگی بالاتری خواهد داشت.

ب) بالاترین ضریب ویژگی متعلق به سرویسی است که هم فراوانی کمتری داشته باشد (اصل کمیابی)[۲] و هم در سکونتگاهی مستقر باشد که دارای سرویسهای متنوع‌تری است؛ چرا که همزمان قادر به خدمات رسانی به جمعیت بیشتری در زمینه‌های متعدد

۱- جهانی، مهدی، نقش جغرافیا در برنامه‌ریزی روستایی دشت گرمسار، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۴

۲- شبلینگ، ژاک، جغرافیا چیست؟، ترجمه دکتر سیروس سهامی، ۱۳۷۷

است، بویژه اگر ملاک را خدمات بنیادی ـ پایه‌ای (دارای وابستگی افقی) در نظر بگیریم (سرویسهایی که علاوه بر جمعیت محل استقرار به سایر سکونتگاههای پیرامونی نیز بهره می‌دهند مانند مدرسه، درمانگاه، پاسگاه). مثالی هرچند ساده مسئله را روشن‌تر خواهد نمود. فرض کنیم سرویس نوع i در سطح دهستان A فقط در دو سکونتگاه ۱ و ۲ به تعداد یک واحد موجود است. لیکن سکونتگاه اول دارای ۵ نوع سرویس پایه‌ای دیگر نیز می‌باشد که در دومی نیستند. بنابراین ضریب ویژگی سرویس i در سکونتگاه اول برابر ۲/۵ ($\frac{۱}{۲}$ ×۵)و در سکونتگاه ۲ برابر با ۰/۵ ($\frac{۱}{۲}$ ×۱) خواهد بود.

گزینش مدل ساده جاذبه

طبق این مدل، میزان کشش دو مرکز جمعیتی i و j با فرمول زیر سنجیده می‌شود:

$$Iij = \frac{pi \cdot pj}{d^2 ij}$$

که در آن فرض می‌شود عمل متقابل بین دو سکونتگاه بطور مستقیم متناسب است با جمعیت آن (pj و pi) و بصورت معکوس متناسب است با مجذور فاصله بین آنها (d^2).[۱]

معرفی فرمول پیشنهادی

$$D.Iij = kij. \frac{pi.pj}{d^2 ij}$$ (درجه نفوذ سکونتگاه i بر j)

که در آن؛ kij = نسبت ضریب ویژگی یا مرکزیت سکونتگاه i به سکونتگاه j، pi جمعیت سکونتگاه i، pj = جمعیت سکونتگاه j ، $d^2 i\ j$ فاصله کیفی (سهولت دسترسی بین دو سکونتگاه به توان ۲ است.

۱- آسایش، حسین، برنامه‌ریزی روستایی در ایران، انتشارات پیام نور، ۱۳۷۵

ضریب k

این ضریب، ضریب ویژگی یک سکونتگاه را نسبت به سکونتگاههای دیگر دو به دو می‌سنجد. اگر ضریب ویژگی یک سکونتگاه بزرگتر از سکونتگاه متناظرش باشد ضریب k بزرگتر از یک و الاّ کوچکتر از یک خواهد بود. در نتیجه میزان نفوذ دو سکونتگاه هیچگاه برابر نخواهد شد مگر آنکه هم جمعیت، هم ضرایب ویژگی و هم فاصله آنها با یکدیگر و نسبت به سایر سکونتگاهها یکسان باشد که البته سومی امری محال است. بنابراین امکان تفکیک دقیق کلیه سکونتگاهها تحقق‌پذیر می‌باشد.

ضریب k عبارتست از:

$$kij = \frac{oj(i)}{oj(j)}$$

ضریب d^2

برای محاسبه d^2 مراحل زیر طی می‌شوند:

الف) تعیین فاصله بین دو سکونتگاه برحسب نوع (کیفیت)

ب) دادن ضرایب ۱، ۲ و ۳ به راههای آسفالته، شوسه و خاکی

ج) ضرب کردن ضریب هر راه بر طول آن راه بعبارتی هر چه کیفیت راه نامناسب‌تر، طول (d) یا سهولت دسترسی بیشتر خواهد گردید.

د) چون نقش فاصله در کنش متقابل و به تبع آن درجه نفوذ متقابل سکونتگاهها با اهمیت می‌دانند، لذا مقدار d را به توان ۲ می‌برند.[۱]

ـ محاسبه درجه نفوذ و سلسله مراتب سکونتگاهی براساس فرمول پیشنهادی:

جدول (۱) جمعیت و ضرایب ویژگی سکونتگاههای فرضی را نشان می‌دهد:

سکونتگاه	A	B	C	D	E	F
جمعیت (p)	۱۵۰	۱۴۰	۱۸۰	۹۰	۲۱۰	۶۰
ضریب‌ویژگی(oj)	۱۳	۶	۱۱	۸	۱۹	۱۰

۱- طالب، مهدی، برنامه‌ریزی مکانی با تأکید بر سطح‌بندی سکونتگاههای روستایی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

در جدول (۲) ضرایب d^2, d,k و D.I هر سکونتگاه نسبت به سایر سکونتگاهها نشان داده شده‌اند. در نهایت سکونتگاهها برحسب مقدار D.I بر دو اساس رتبه‌بندی (Rank) شده‌اند؛ یکی مقایسه دو به دو و رتبه‌بندی آنها از ۱ تا ۳۰ و دیگری برمبنای مجموع (ΣD.I) هر سکونتگاه در کل منطقه که از ۱ تا ۶ رتبه‌بندی شده‌اند. در نتیجه، بیشترین درجه نفوذ را سکونتگاه E بر C داراست (۱۰۴۶۳) و در کل منطقه نیز دارای بالاترین درجه نفوذ می‌باشد. (ΣD.I=۱۴۰۳۸) ملاحظه میشودکه فاصله عملکردی E نسبت به سایرین بسیار زیاد است.

جدول (۲) طبقه‌بندی سکونتگاهها براساس فرمول پیشنهادی

سکونتگاه	K	d	d^2	D.I	Rank	ΣD.I	Rank
A/B	۲/۱۷	۴	۱۶	##۲۸۴۸##	۳	۵۵۵۴	۳
A/C	۱/۱۸	۴/۵	۲۰/۳	۱۵۷۳#	۴		
A/D	۱/۶	۶	۳۶	۶۰۰	۱۱		
A/E	۰/۶۸	۷	۴۹	۴۳۷	۱۲		
A/F	۱/۳	۱۱	۱۲۱	۹۶	۲۳		
B/A	۰/۴۶	۴	۱۶	۶۰۳	۱۰	۹۹۰	۴
B/C	۰/۵۵	۸/۵	۷۲	۱۹۱	۱۹		
B/D	۰/۷۵	۱۰	۱۰۰	۹۴	۲۴		
B/E	۰/۳۲	۱۱	۱۲۱	۷۸	۲۶		
B/F	۰/۶	۱۵	۲۲۵	۲۲	۳۰		
C/A	۰/۸۵	۴/۵	۲۰/۳	۱۱۳۳#	۶	۵۷۶۱	۲
C/B	۱/۸۳	۸/۵	۷۲	۶۳۷	۹		
C/D	۱/۳۸	۱۰/۵	۱۱۰	۲۰۳	۱۸		
C/E	۰/۵۸	۲/۵	۶/۳	۳۵۰۸#	۲		
C/F	۱/۱	۶/۵	۴۲	۲۸۰	۱۵		

بقیه جدول (۲)

D/A	۰/۶۲	۶	۳۶	۲۳۲	۱۶		
D/B	۱/۳۳	۱۰	۱۰۰	۱۶۷	۲۰		
D/C	۰/۷۴	۱۰/۵	۱۱۰	۱۰۷	۲۲	۶۶۱	۶
D/E	۰/۴۲	۱۱	۱۲۱	۶۵	۲۷		
D/F	۰/۸	۷	۴۹	۸۸	۲۵		
E/A	۱/۴۶	۷	۴۹	۹۳۹*	۷		
E/B	۳/۱۷	۱۱	۱۲۱	۷۷۰	۸		
E/C	۱/۷۳	۲/۵	۶	۱۰۴۶۳*	۱	۱۴۰۳۸	۱
E/D	۲/۳۸	۱۱	۱۲۱	۳۷۱	۱۴		
E/F	۱/۹	۴	۱۶	۱۴۹۵*	۵		
F/A	۰/۷۷	۱۱	۱۲۱	۵۷	۲۹		
F/B	۱/۷	۱۵	۲۲۵	۶۳	۲۸		
F/C	۰/۹	۶/۵	۴۲	۲۲۹	۱۷	۹۰۳	۵
F/D	۱/۲۵	۷	۴۹	۱۳۷	۲۱		
F/E	۰/۵۳	۴	۱۶	۴۱۷	۱۳		
X	۱/۱۷	۷/۹	۷۳/۵	۹۳۰	-	۴۶۵۱	-
S.e	۰/۶۶	۳/۴	۵۷/۴	۱۹۴۴	-	۴۷۱۷	-

* سکونتگاهایی که درجه نفوذ آنها بر سکونتگاه متناظر بیشتر از میانگین ($\bar{X}$) بوده است.

** نحوه محاسبه طبق فرمول پیشنهادی: $D.I_{AB}$ =۲/۱۷×(۱۵۰×۱۴۰/۱۶) که می‌شود ۲۸۴۸ با توجه به ارقام ستون مربوطه (D.I) این میزان در رتبه ۳ قرار گرفته است یعنی درجه نفوذ A بر B بعد از درجه نفوذ E بر C و C بر E از اهمیت سوم برخودار است. مجموع درجات نفوذ سکونتگاه A (۵۵۵۴) نیز نشان از مقام سوم این سکونتگاه در بین ۶ سکونتگاه فوق دارد.

اگر بخواهیم سکونتگاهها را در سه گروه سطح‌بندی نمائیم، می‌توان میانگین مجموع درجه‌های نفوذ ($\Sigma D.I$) و انحراف معیار آنها را محاسبه کرده (۴۶۵۱ و ۴۷۱۷) آنگاه میانگین را با ۳۳٪ انحراف معیار جمع و تفریق نمود (۶۲۰۷ و ۳۰۹۶)

$$\bar{X} + ۰/۳۳ \ (S.e) = ۶۲۰۷$$

$$\bar{X} - ۰/۳۳ \ (S.e) = ۳۰۹۶$$

در نتیجه سکونتگاه E با درجه نفوذ بالاتر از ۶۲۰۷ در سطح اول، سکونتگاههای A و C با درجات نفوذ بین ۳۰۹۶ و ۶۲۰۷ در سطح دوم و سکونتگاههای B، D و F با درجه‌های نفوذ کمتر از ۳۰۹۶ در پایین‌ترین سطح از سلسله مراتب سکونتگاهی واقع می‌شوند. و چون براساس معیار Z درجه نفوذ سه سکونتگاه اخیرالذکر بین صفر تا ۱- هستند. می‌توان آنها را عقب افتاده‌ترین سکونتگاههای منطقه در نظر گرفت.

کاربرد فرمول:

از آنجا که در این فرمول بطور توأمان ابعاد مهمی چون سهولت دسترسی و برخورداری از خدمات مختلف و اساسی در نظر گرفته شده‌اند می‌توان از آن بهره گرفت. بعبارتی در مکان‌یابی خدمات افقی بمنظور بهره‌گیری سهل‌تر سکونتگاههای غیربرخوردار شایسته است که بیش از یک سکونتگاه که دارای درجه نفوذ بالاتری هم هستند انتخاب گردند تا از رشد و توسعه شدید یک سکونتگاه جلوگیری و تعادلی در فرایند توزیع یا تثبیت جمعیت بوجود آید. در منطقه فرضی فوق‌الذکر، سکونتگاههای C و A علاوه بر E چنین جایگاهی را دارا هستند. البته نگارنده هرگز مدعی کاربرد مطلق این روش نیست بلکه آن را تنها گامی جهت سهولت سازماندهی سکونتگاههای روستایی از حیث مکان‌یابی خدماتی می‌داند. زیرا امکان ۱) شناسایی مکانهای برتر در سیستم فضایی منطقه، ۲) سطح‌بندی سکونتگاهها براساس پتانسیل عملکردی ـ موقعیتی و ۳) آشکار کردن دامنه تفاوتهای موجود بصورت کمی را تا حدود زیادی تحقق‌پذیر مینماید و مآلاً می‌توان با تفویض نقشهای مکمل بنیانی به چند سکونتگاه برتر به اصل مهم نگهداشت و توزیع مطلوبتر جمعیت روستایی کمک نمود.

منابع و مآخذ

۱- جهانی، مهدی، نقش جغرافیا در برنامه‌ریزی روستای دشت گرمسار، پایان نامه دکتری - دانشگاه آزاد اسلامی ۱۳۷۴

۲- شبلینگ، ژاک، ترجمه دکتر سیروس سهامی ۱۳۷۷

۳- آسایش، حسین، برنامه‌ریزی روستایی در ایران، انتشارات پیام نور ۱۳۷۵

۴- طالب، مهدی، برنامه‌ریزی مکانی با تأکید بر سطح‌بندی سکونتگاههای روستایی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

آمار وقایع حیاتی

فرآیند تولید و کاربرد

محمد حسین نجاتیان

مقدمه

بسیاری را عقیده بر آن است که بشریت در آستانه ورود به قرن بیستم، با انفجار جدیدی روبرو است که عبارت از انفجار اطلاعات است. انفجاری که هر چند به دنبال انفجارهای اتمی، انفجار جمعیت و انفجار قیمت‌ها رخ داده ولی از تمامی آنها قوی‌تر و عالم‌گیرتر بوده است، اما نگارنده بر آن است که این نامگذاری صرفاً معلول ضعف ما در لغت‌یابی است. وگرنه پدیده گسترش اطلاعات و به عبارت دیگر امواج اطلاعاتی بسیار شدیدتر و عالم‌گیرتر از آن است که با پدیده انفجار مقایسه شود. امواج اطلاعاتی علاوه بر سرعت بسیار زیادی که دارند، از نظر برد جغرافیائی نیز مرز یا محدودیتی نمی‌شناسند و گذشته از آن که گرداگرد کره مسکونی ما را فرا گرفته‌اند، از طریق امواج الکترو معناطیسی به سایر کرات نیز نفوذ کرده‌اند. امروزه هرگونه رخدادی در عرصه‌های علمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و...در کمترین مدت از طریق انتقال‌دهنده‌هایی با سرعتهای فوق‌العاده زیاد، به سراسر جهان مخابره می‌شود و صدها هزار صفحه رایانه در شبکه جهانی اطلاعات آن را دریافت می‌کنند و بلافاصله به دنبال هر یک از آن‌ها موجی از تصمیمات تازه و سرمایه‌گذاریهای جدید بوجود می‌آید. بطوری که در حقیقت تصمیمات و سرمایه‌ها به دنبال این پدیده به جریان می‌افتند و

هرگز هیچ منبع مالی یا مقام تصمیم‌گیرنده‌ای، جز با توسل به اطلاعات قادر به پیشی گرفتن از اطلاعات نبوده است.

۱- تعریف اطلاعات و آمار

هرچند در محاورات روزانه به سهولت از کلمه «اطلاعات» استفاده می‌کنیم ولی به دلیل گستردگی این مفهوم تاکنون تعریف جامعی از آن ارائه نشده است. «گروهی آن را مترادف با دانش، آگاهی و بصیرت و خبر تعریف کرده‌اند»[۱] اما نکته مهم و قابل توجهی که در مجموعه این تعاریف وجود دارد و در اینجا مورد استفاده قرار خواهد گرفت آن است که در بیشتر این تعاریف، نمود کمّی تمامی انواع اطلاعات، «آمار» نامیده شده است. بدین ترتیب اگر اطلاعات بعنوان یک مفهوم اولیه و بی‌نیاز از تعریف پذیرفته شود، آنگاه یک بعد از «آمار» را می‌توان بصورت؛ «نمود کمی انواع اطلاعات» تعریف کرد. در این صورت تمامی ویژگیهایی که برای اطلاعات شمرده شد برای آمار نیز عیناً می‌توان برشمرد. از آن جمله سرعت انتشار و عدم وابستگی به مکان و نیز بنیان‌گزاری تصمیمات جدید در زمینه‌های مختلف زندگی را می‌توان نام برد. در بین این ویژگیها سرعت انتشار و تأثیر متقابلی که آمار بر تصمیمات اجتماعی، اقتصادی می‌گذارد مستقیماً دارای این نتیجه است که هرگونه کم‌وقتی یا توقف و درنگ در امر تولید آمار اولاً به تمامی جنبه‌های زندگی اجتماعی سرایت می‌کند و ثانیاً عقب‌ماندگی حاصل از آن چنان ژرف و شگرف خواهد شد که در زمانهای حتی بسیار طولانی هم به سهولت قابل جبران نخواهد بود. این زنگ خطر را باید شنید و بسیار جدی گرفت و برای آن ارزشی معادل توسعه یا عدم توسعه اجتماعی ـ اقتصادی جامعه قائل شد.

۱- نصرت‌اله صالحی، نظام اطلاعات آماری و تصمیم‌گیری، مجموعه مقالات سومین کنفرانس آمار ایران، جلد اول، مرکز آمار ایران خرداد ماه ۱۳۷۵، تهران شماره مسلسل ۲۴۴۱ ص ۳۹۴

۲- طبقه‌بندی موضوعی آمار

برخلاف طبقه‌بندیهای پیچیده‌ای که از آمار به مفهوم نمود کمّی اطلاعات شده است نگارنده را عقیده بر آن است که در این مورد طبقه‌بندی ساده‌تر و طبیعی‌تری نیز می‌توان انجام داد. به این ترتیب که آمار یا مربوط به انسان‌ست یا مربوط به سایر پدیده‌های مادی بجز انسان. آن بخش از آمار که به انسان مربوط است یا به احوال شخصی انسان می‌پردازد یا به فعالیتهای انسان و دستاوردهای ناشی از آن. بنابراین، طبقه‌بندی زیر را می‌توان بعنوان یک طبقه‌بندی موضوعی از آمار در نظر گرفت.

نمودار شماره ۱، طبقه‌بندی موضوعی آمار

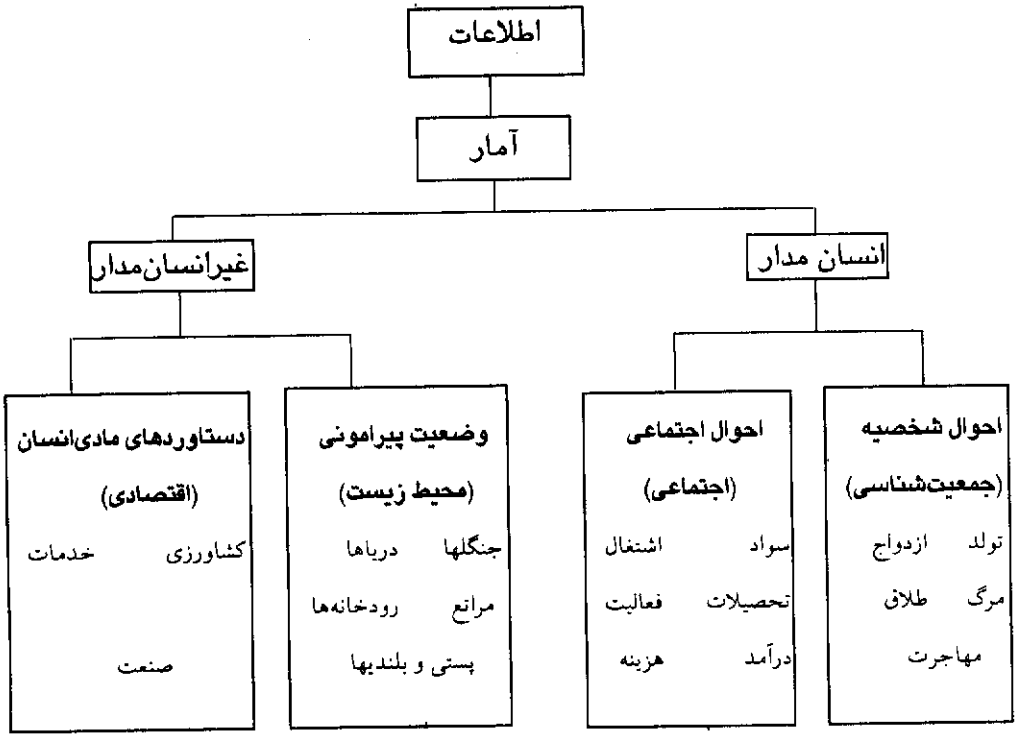

این طبقه‌بندی از آن جهت حائز اهمیت است که به سرعت ما را به حیطه کاری موردنظر راهنمایی می‌کند. چرا که موضوع بحث در اینجا بخشی از اطلاعات است که نمود کمی دارد و ما آن را آمار نامیده‌ایم. اما تمامی گستره آمار مورد توجه ما نیست بلکه صرفاً به آمارهای «انسان‌مدار» توجه داریم و در این میدان نیز فقط آن بخش که به احوال شخصیه انسان مربوط می‌شود حیطه کار ما را تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب حیطه کار در نظام ثبت وقایع حیاتی به صورت؛ بخشی از آمار که به احوال شخصیه انسان می‌پردازد تعریف خواهد شد.

۳- کاربرد عملی آمار (فرآیند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی)

تصمیم‌گیری در هر زمینه فرآیندی است که طی آن به تشخیص مشکل، تنظیم راه‌حلهای گوناگون تحلیل راه‌حلها و انتخاب مناسبترین یا عملی‌ترین آنها، به اجرا در آوردن راه حل مشاهده و تحلیل نتایج حاصل از آن و ارزیابی میزان توفیق و برآن اساس تکرار فرآیند مزبور پرداخته می‌شود.

ملاحظه می‌شود که در تمامی مراحل تصمیم‌گیری از تشخیص مشکل گرفته تا ارزیابی نتایج حاصل از برنامه‌های جدید اطلاعات کمّی و بعبارت دیگر آمار نقش پیدا می‌کند و هیچ‌یک از مراحل نامبرده بدون اتکاء به آمار به توفیقی دست نخواهد یافت. برای روشن‌تر شدن این بستگی فرض کنید یک پزشک قصد دارد نسبت به معالجه مریضی اتخاذ تصمیم یا برنامه‌ریزی کند. همچنین فرض کنید که مریض مزبور در اختیار پزشک نیست اما یک پزشک می‌تواند اطلاعات مورد نظر خود را از طریق یک آزمایشگاه در اختیار داشته باشد شرایطی که غالباً در برنامه‌ریزیهای اجتماعی یا اقتصادی وجود دارد. روشن است که اگر اطلاعات دریافتی پزشک صحیح و دقیق نباشد تصمیماتی که اتخاذ می‌کند و در نتیجه تجویزهای وی نیز عاری از خطا نخواهد بود. در واقع هر اندازه خطای اطلاعات دریافتی بیشتر باشد تجویزها نیز از روش درست درمان دورتر خواهد افتاد و چه بسا مریض را با خطرهای جدی‌تری مواجه

سازد. در سایر فرآیندهای تصمیم‌گیری نیز آمار چنین نقشی دارد. زیرا برنامه‌ریزان توسعه نیز مانند پزشک مزبور جامعه را فارغ از واقعیت بیرونی فقط بر پایه آمارهای دریافتی می‌شناسند و تعریف می‌کنند. از اینرو برنامه‌های تدوین شده نیز ناظر به جامعه‌ای است که از طریق آمار به تصویر کشیده شده است و نه عینیتی که در خارج وجود دارد. بدین لحاظ موفقیت در برنامه‌های توسعه نیز در قدم اول موکول به آنست که این دو جامعه تا چه اندازه بر یکدیگر منطبق باشند یا بعبارت دیگر آمار تا چه اندازه کار خود را درست انجام داده باشد.

۴ - ضرورت و نقش آینده‌نگریها

با توجه به تعریفی که از فرآیند تصمیم‌گیری شد، نتیجه می‌توان گرفت که در این فرآیند حصول به سه شناخت عمده ضرورت می‌یابد:

(۱) شناخت وضع موجود (تشخیص مشکل)

(۲) شناخت وضع مطلوب

(۳) کوتاهترین یا بطورکلی مناسبترین راه گذر در وضع موجود به وضع مطلوب

اگرچه تصمیم‌گیران، در هر سه مورد فوق با عدم اطمینان روبرو هستند ولی عدم اطمینان در مورد بندهای (۲) و (۳) حقیقت اجتناب‌ناپذیری است که در بیشتر شرایط رخ می‌نماید چرا که بر خلاف وضع موجود آینده همیشه نامعلوم است و عدم اطمینان در مورد آینده مستقل از میزان صحت و دقت آمارهایی که وضع موجود را معرفی می‌کنند همواره وجود خواهد داشت. بدین لحاظ در فرآیند تصمیم‌گیری کسب شناخت در مورد آینده از قدمهای اولیه مهم و اساسی به شمار می‌آید و هر چه این شناخت صحیح‌تر و دقیق‌تر باشد تصمیم‌گیری مفیدتر و نتیجه‌بخش‌تر خواهد بود.

روشن است که در هر زمینه از تصمیم‌گیری، شناخت در مورد آینده نیز، مربوط به همان زمینه خواهد بود. اما پاره‌ای از زمینه‌هابه لحاظ ویژگی محوری و کلیدی خود در سایر زمینه‌های تصمیم‌گیری نیز نقش پیدا می‌کنند. جمعیت یکی از این زمینه‌ها است.

چرا که در هر برنامه‌ریزی توسعه در نهایت ارتقاء کمّی یا کیفی یکی از ابعاد زندگی افراد جامعه هدف‌گیری میشود و اگر چنین هدفی در میان نباشد برنامه‌ها اعتباری نخواهند یافت. بنابراین بسیاری از تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان اجتماعی به آینده جمعیت می‌اندیشند و راه‌حلهای خود را به آینده موکول می‌بینند. و چنین است که در برنامه‌ریزیهای توسعه بحث از آینده‌نگری جمعیت درمیان می‌آید. این وابستگی علاوه بر ضرورت شناخت نسبت به آینده دلیل قاطع‌تری نیز دارد و آن تأثیر متقابلی است که بین برنامه‌های توسعه اجتماعی ـ اقتصادی و مؤلفه‌های رشد جمعیت وجود دارد. در عمل مؤلفه‌های رشد جمعیت (موالید، مرگ و میر و مهاجرت) از طریق متغیرهای نظیر نیروی کار، میزان مصرف و تفکیک شهری و روستایی بر برنامه‌های توسعه تأثیر می‌گذارد و متقابلاً از طریق شرایط بهداشتی، خدمات عمومی، بازار کار، درآمد و توزیع آن و...از شرایط اقتصادی جامعه تأثیر می‌پذیرد.

نمودار (۲) تأثیر متقابل مدلهای جمعیت شناختی و مدلهای اقتصادی در برنامه‌ریزیهای توسعه

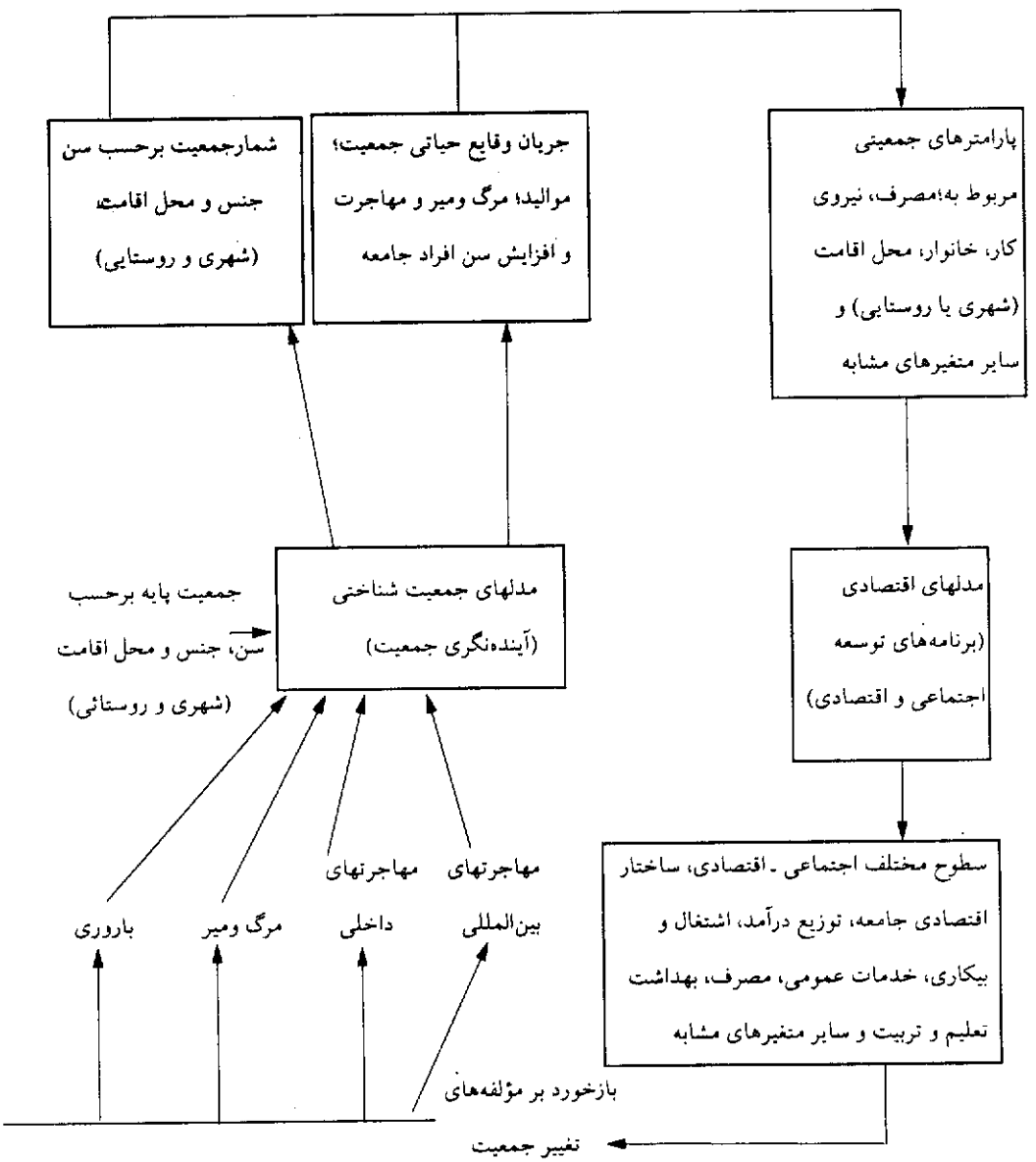

Computational Methods for Population Projections with Particular Reference to Development Planning. The Population council,New York,1987,p2.

بطوری که در نمودار شماره (۲) مشاهده می شود، برای آینده‌نگریهای جمعیتی، اطلاعات ذیل‌مورد نیاز است؛

(۱) شمار جمعیت پایه برحسب سن، جنس شهر/ روستا

(۲) شمار یا یکی از سنجه‌های باروری

(۳) شمار یا یکی از سنجه‌های مرگ و میر

(۴) شمار یا یکی از سنجه‌های مهاجرت

اطلاعات مربوط به مهاجرت، غالباً از طریق روشهای غیرمستقیم قابل برآورد و با یافته‌های حاصل از سرشماریهای جمعیتی قابل کنترل است به ویژه در سطح ملی که فقط مهاجرتهای بین‌المللی نقش پیدا می‌کند قابل اغماض خواهد بود. شمار جمعیت پایه نیز بطور معمول از طریق سرشماریهای جمعیتی قابل حصول است. بنابراین بحث اصلی در زمینه آینده‌نگریهای جمعیتی به موالید و مرگ و میر محدود می‌شود که در اینجا آن را آمارهای حیاتی می‌نامیم.

۵- مناسبترین روش تولید آمارهای حیاتی

برای تولید آمارهای حیاتی مانند سایر آمارها سه روش؛ سرشماری، آمارگیری نمونه‌ای و استفاده از آمارهای ثبتی وجود دارد. منظور از آمارهای ثبتی آمارهایی است که با استفاده از گزارشها، مدارک و اسناد مَربوط به فعالیتهای جاری مؤسسات بدست می‌آید. بطوری که هدف اصلی مؤسسه تولید آمار نیست. فارغ از تعاریف پیچیده‌ای که در مورد نظام، نظام آماری و نظام آمارهای ثبتی وجود دارد[۱]، خاطرنشان می‌سازد که وقایع حیاتی مؤثر بر رشد و ترکیب جمعیت، یعنی تولد و مرگ، علاوه بر اهمیتی که ماهیتاً دارند، از دیدگاه روش تهیه آمار نیز از ویژگی قابل ملاحظه‌ای برخوردارند،

۱- برای آشنایی با تعریف هر یک از نظام‌های مورد اشاره رجوع کنید به مهرداد تقی‌زاده، ضرورت ایجاد نگرشی سیستمی در رابطه با نظام آمارهای ثبتی کشور، مجموعه مقالات سومین کنفرانس آمار ایران، مرکز آمار ایران، تهران ۱۳۷۵ جلد اول صفحات ۱۹۷ تا ۱۹۸ و نیز نصرت‌اله صالحی، نظام اطلاعات آماری و تصمیم‌گیری، همان مأخذ صفحات ۳۹۵ تا ۴۰۵

ویژگی مهمی که عدم توجه به آن موجب شده است تا در طول تاریخ و در کشورهای مختلف، تولید آمارهای مربوط به این وقایع دستخوش تحولات گوناگون شود که بطور مختصر به شرح ذیل بوده است:

۵-۱- تولید آمار وقایع حیاتی از طریق آمارگیریهای جمعیتی (اعم از سرشماری و نمونه‌ای)

در آغاز آمار وقایع حیاتی نیز مانند سایر اقلام اطلاعاتی مربوط به جمعیت، مستقیماً در سرشماری‌ها و آمارگیریهای جمعیتی گنجانده می‌شد. اما نتایج حاصل نشان داد که در آمارگیریهای جمعیتی و به ویژه در سرشماریها کسب پاسخ برای سئوالات مستقیم مربوط به وقایع تولد و مرگ چندان ساده نیست و در عمل نتایج حاصل از آن همواره همراه با فروشماری (کم‌شماری یا Under enumeration) است. پژوهشهای بعدی دلایل بروز این فروشماری را نیز مطرح ساخت که عمدتاً بر تعارض بین روشهای رایج در آمارگیریهای جمعیتی و ماهیت وقایع حیاتی استوار بود. بر پایه این یافته‌ها مشخص شد که خاصیت پویائی (Dynamic) وقایع حیاتی با روشهای گذشته‌نگر (Retrospective) موجود در آمارگیریهای جمعیتی سازگاری ندارد و آمار وقایع حیاتی حاصل از نتایج سرشماریها و آمارگیریهای نمونه‌ای جمعیتی همواره با فروشماری همراه خواهد بود. دلایل این ناسازگاری در پاره‌ای از منابع تحلیلی مربوط به روشهای تولید آمارهای جمعیتی، مطرح شده است و در اینجا برای اجتناب از اطاله موضوع از ورود به آنها در می‌گذریم[۱] اما بطور اختصار اشاره می‌شود که در اینگونه آمارگیریها، در مورد شمار جمعیت یک مقطع زمانی و در مورد وقایع حیاتی یک دوره زمانی (دو مقطع) در نظر گرفته می‌شود و در واقع در یک فضای کاملاً فرضی و قراردادی، جریان رخداد وقایع حیاتی متوقف انگاشته می‌شود.

۱- بعنوان نمونه مراجعه کنید به محمدحسین نجاتیان، روشهای تعاقبی در آمارگیریهای جمعیتی، مرکز آمار ایران مدیریت آمارهای اجتماعی - اقتصادی خانوار، تهران ۱۳۶۹

مطرح شدن سئوالهای غیرمستقیم در مورد وقایع حیاتی (تولد و مرگ) در سرشماریها که زمینه اطلاعاتی مناسبی برای برآورد میزانهای حیاتی را فراهم می‌سازد، از جمله کوششهایی است که پیشگامان علم جمعیت‌شناسی برای مقابله با شرایط فوق و رفع ناسازگاریهای مزبور بعمل آورده‌اند. مجموعه روشهایی که تحت عنوان روشهای غیرمستقیم (Indirect Methods) برآورد میزانهای حیاتی در جهان رایج شده است، محصول این کوششهای دانشمندانه است. با تعظیم در مقابل این دستاوردهای علمی و علیرغم مقبولیتی که این روشها در بین جمعیت‌شناسان یافته‌اند و در سراسر جهان و توسط بزرگ آوازگان این علم در تحلیلهای جمعیتی بکار گرفته می‌شوند، از ذکر این نکته نیز نمی‌توان گذشت که در مبانی نظری این روشها، فرضیاتی وجود دارد که باید قبل از استفاده از آنها در مورد سازگاری این فرضیات با شرایط جامعه تحقیق شود. تحقیقی که کمتر به عمل می‌آید یا حداقل نگارنده کمتر با آنها برخورد کرده است. مسلماً چنانچه شرایط جامعه با شرایطی که در تدوین روشهای مزبور «فرض» شده است، مطابقت نداشته باشد، استفاده از این روشها نابجا و نتایج حاصل از آنها ناروا است. به ویژه در کشور ما ایران که وقایع حیاتی، مخصوصاً موالید، در سالهای اخیر با تحولی قابل ملاحظه همراه بوده است استفاده از این روشها چندان جایز نیست و به‌گمان نگارنده استفاده جمعیت‌شناسان ایرانی از این روشها صرفاً معلول فقدان اطلاعات قابل اعتماد در این زمینه است.

۵ـ۲ـ روشهای تعاقبی

یکی دیگر از روشهای مقابله با ناسازگاری بین ویژگی گذشته‌نگر آمارگیریها و پویائی رخداد وقایع حیاتی، انجام آمارگیریهای جمعیتی به روش تعاقبی است. در اینگونه آمارگیریها، هرچند جامعه آماری، همان افراد جامعه مورد بررسی است، اما چون غالباً از روش (Area Sampling) استفاده می‌شود، رسیدن به واحدهای نمونه با دو واسطه انجام می‌شود. یکی حوزه‌های نمونه و دیگری خانوارهای ساکن در این

حوزه‌ها. بعبارت دیگر در اینگونه آمارگیریها، ابتدا چند حوزه آماری (جغرافیائی) به عنوان نمونه انتخاب و سپس چند نوبت به خانوارهای ساکن در این حوزه‌ها (یا نمونه‌ای از این خانوارها) مراجعه می‌شود. در مراجعه اول فهرستی مرکب از نام و پاره‌ای دیگر از ویژگیهای جمعیتی اعضای خانوارهای نمونه تهیه می‌شود و در مراجعات مکرر بعدی که در فواصل زمانی معین و ثابت (مثلاً هر ۳ ماه یا ۶ ماه یکبار یا...) صورت می‌پذیرد، نسبت به ثبت وقایع حیاتی که برای هریک از افراد در فواصل زمانی مزبور رخ داده است اقدام می‌شود.

طرحهای آمارگیری جمعیتی به روش تعاقبی که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی در پاره‌ای از کشورها به اجرا درآمد، بین آمارشناسان و جمعیت‌شناسان با مقبولیت چشمگیری مواجه شد و نتایج نیکویی به بار آورد. از جمله در کشور ما ایران نیز اولین بار در سالهای میانی دهه ۷۰ میلادی با همکاری دفتر جمعیت سازمان ملل متحد و مدیریت آمارهای اجتماعی و نفوس مرکز آمار ایران به اجرا گذاشته شد و نتایج بسیار خوبی به دست داد. بطوری که تا همین سالهای اخیر مورد استفاده جمعیت‌شناسان قرار داشت[۱].

با اذعان به اینکه روشهای تعاقبی توانسته است مسئله مورد بحث را تا حد بسیار زیادی حل کند، اما ناگفته نمی‌توان گذشت که این روشها نیز راه حل نهایی یا مناسبترین راه حل برای گردآوری آمارهای حیاتی نیست. استفاده از این روشها برای تولید آمار وقایع حیاتی دقیقاً مصداق استفاده از وسایلی «در غیر ما وُضع له» است. بعنوان مثال

۱- نگارنده که همراه یکی از آمارشناسان برجسته کشور (فریدون حاجی ستاری) در تهیه طرح فنی آمارگیری مزبور مشارکت داشته و در زمان اجرای عملیات میدانی نیز بعنوان مسئول مرکز آمار در یکی از استانها عملیات میدانی را نظارت کرده است، اهمیت اجرای اینگونه طرحهای آماری را به خوبی دریافته و به همین دلیل در سالهای بعدی به عنوان مسئول آمارهای جمعیتی در مرکز آمار ایران، چندین نوبت به اجرای طرحهای تعاقبی در زمینه‌های اجتماعی ـ اقتصادی دست زده است. هرچند نتایج کمی این آمارگیریها انتشار یافته ولی متأسفانه هنوز تحلیلی بر این نتایج صورت نگرفته است. امید است با برخورداری از توجه همکاران در مؤسسات آموزشی و پژوهشی نسبت به تحلیل یافته‌ها این آمارگیریها اقداماتی به عمل آید.

برای عبور از یک مسیر آبی باید از قایق استفاده کرد. اما در شرایط اضطرار احتمالاً میتوان با تجهیز اتومبیل نیز از مسیر آبی مزبور گذر کرد. در تهیه آمار وقایع حیاتی، روش ثبتی، همان نقشی را دارد که قایق در مسئله فوق داشت.

۵ـ۳ـ روشهای ثبتی

طبیعی‌ترین روش، که می‌تواند آمار وقایع حیاتی را به دست دهد و با ماهیت آن سازگاری دارد، روش ثبتی است. در این روش هر واقعه حیاتی در زمان وقوع، ثبت می‌شود و همزمان با انباشت این وقایع در جامعه، اطلاعات مربوط به آنها نیز در یک فایل مناسب انباشته می‌شود. بطوری که در هر مقطعی از زمان قابل مراجعه باشد. بنابراین ملاحظه میشود که بزرگترین ویژگی و در واقع برتری این روش نسبت به سایر روشهای تولید آمار وقایع حیاتی، سازگاری آن با طبیعت پویای وقایع مزبور است. چرا که در این روش برخلاف تمامی روشهای دیگر نیازی به ایجاد برش زمانی و فرض توقف در جریان رخداد وقایع وجود ندارد. بلکه هرگونه برش مورد نظر فقط بر روی فایلهای اطلاعاتی انجام خواهد شد. به این ترتیب با ثبت وقایع حیاتی در زمان وقوع، تهیه آمارهای مربوط به این وقایع برای هر دوره زمانی مورد نظری ممکن و میسر خواهد افتاد.

۵ـ۳ـ۱ مزایای روش ثبتی

استفاده از روش ثبتی در تولید آمارهای حیاتی به دلیل سازگاری موجود بین این روشها و ماهیت وقایع مورد بحث علاوه بر سرعت و مصونیت از خطاهای نمونه‌ای و بسیاری از خطاهای غیر نمونه‌ای نظیر خطای پرسشنامه، خطای آمارگیر ،خطای پاسخگو و...[۱]

۱- برای اطلاع از چگونگی بروز و کمیت این خطاها مراجعه کنید به Quality of statistical Data چاپ FAO سال ۱۹۶۸.

با صرفه‌جویی های مالی قابل توجهی نیز همراه خواهد بود. به‌طور کلی مزایای این روش را می توان به شرح زیر تلخیص کرد؛

(۱)وجود مستندات قوی برای اثبات رخداد واقعه مورد نظر وزمان وقوع آن

(۲) استقلال اطلاع از خواسته ها واغراض شخصی افراد

(۳) قابلیت بهنگام‌سازی اطلاعات

(۴) سرعت در تهیه آمارهای مورد نظر

(۵) مصونیت از خطاهای نمونه‌ای و بسیاری از خطاهای غیر نمونه‌ای (در مقایسه با سایر روشها)

(۶) صحت و دقت اطلاعات مربوط به هر یک از وقایع (در صورت ثبت آن)

۵ـ۳ـ۲ نقطه ضعف روش ثبتی

اکثر بررسیهایی که در مورد کیفیت یافته های آماری سیستم ثبت وقایع حیاتی در کشورهای مختلف ،از جمله در کشور ما ایران، به عمل آمده است، حکایت از آن دارد که در مراحل مختلف مربوط به ثبت وانتقال اطلاعات مراقبتهای کم‌وبیش قابل قبولی صورت می‌پذیرد و اطلاعاتی که از این طریق منتقل می‌شود از کیفیت نسبتاً مطلوبی برخوردار است. اما پوشش ثبت این وقایع حدیث دیگری دارد و باید به آن پرداخته شود. این بررسیها نشان داده‌اند که علیرغم تمامی مزایای مربوط به آمارهای ثبتی، اینگونه آمارها از نظر پوشش با دو مسئله اساسی روبرو است. یکی فقدان پوشش کامل و دیگری نامعین بودن میزان پوشش در ثبت وقایع حیاتی است. بعبارت دیگر نه می‌توان مدعی بود که تمامی وقایع حیاتی در کشور به ثبت می‌رسد و نه می‌توان گفت که چند درصد از آنها تحت پوشش ثبت قرار می‌گیرد.[۱]

۱- علاوه بر اکثر پژوهشگران داخلی، جمعیت‌شناسان خارجی نیز در بررسی یافته‌های آماری سیستم ثبت وقایع حیاتی کشور، به نتایج کم‌وبیش مشابهی رسیده‌اند. از جمله می‌توان به نظرات آقای کنت هیل (Dr. Keneth Hill) استاد و دانشمند معاصر مراجعه کرد. ایشان در ماه مارس ۱۹۹۴ بعنوان مشاور صندوق کودکان سازمان ملل متحد به منظور بررسی میزانهای موالید و نیز مرگ و میر کودکان به تهران دعوت شده بود. وی اطلاعات ثبت احوال کشور را از نظر بهنگام

وجود خطای پوشش و نیز عدم آگاهی از میزان این خطا، از آفتهای بسیار مهم و خطرناک اطلاعات است. بطوری که در مواردی حتی استفاده از اطلاعات را غیرممکن می‌سازد. البته این منبع خطا در آمار وقایع حیاتی، منحصر به روش ثبتی نیست. بلکه در سایر روشهای تولید این آمار نیز وجود دارد و به سختی می‌توان ادعا کرد که یک آمارگیری هرچند هم دقیق انجام شده باشد، از سرایت این آفت به کلی مصون مانده باشد.[۱] امّا شدت این خطا در روش ثبتی تهیه آمارهای حیاتی بیشتر از سایر روش‌ها است. به همین دلیل سالیان بسیار، استفاده از یافته‌های ثبتی، چه در زمینه آمارهای حیاتی و چه در پاره‌ای دیگر از زمینه‌ها، تقریباً منسوخ شده بود.

کوششهایی هم که از طرف سازمانها و مؤسسات مربوط برای افزایش میزان مطلوبیت یافته‌های حاصل از این روش و ترویج استفاده از آنها در بین پژوهشگران به عمل آمده یا می‌آید، چون مستقیماً در جهت رفع نقطه ضعف مزبور و افزایش سطح پوشش یا اندازه‌گیری میزان پوشش بوده است، چندان موفقیتی نیافته است.

اگر تولید آمار وقایع حیاتی به روش ثبتی از یک «نظام آماری مدون» برخوردار بود، حتی در صورت عدم توفیق در دستیابی به پوشش کامل نیز، حداقل میزان پوشش ثبت وقایع حیاتی یا، جامعه‌ای که وقایع ثبت شده به آن مربوط می‌شود ـ یعنی جامعه در معرض آن وقایع (Population at Risk) قابل برآورد و ارائه می‌بود. لازم است در همین‌جا اشاره شود که جامعه در معرض ـ مثلاً در مورد موالید ـ محدود به زمانی نمی‌شود که در دوره زمانی مورد نظر بچه‌ای به دنیا آورده باشند. بلکه منظور، جامعه‌ای است که در آن، بخشی از زنان در سنین باروری قرار دارند و تعدادی از آنان،

بودن «بسیار عالی» توصیف کرده و فقط از نظر ارائه ضعفهایی در آن دیده است، اما «کم‌ثبتی» را بعنوان عمده‌ترین مسئله این اطلاعات برشمرده است. گزارش وی که به زبان انگلیسی است توسط نگارنده به فارسی ترجمه و از سوی دفتر یونیسف در تهران به چاپ رسیده است.

۱- بعنوان نمونه مراجعه کنید به محمد حسین نجاتیان «سرشماری سال ۱۳۷۵، نظری و گذری» فصلنامه جمعیت شماره ۲۵ و ۲۶ سازمان ثبت احوال کشور- تهران. در این مقاله نشان داده شده است که در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ بین ۰/۷ تا ۱/۹ میلیون نفر کم‌شماری وجود داشته است.

در دوره زمانی معین، بچه‌ای به دنیا آورده‌اند. این خلط موضوع در شناخت «جامعه در معرض» متأسفانه در پاره‌ای از طرحهای پژوهشی که در غیاب یک آمارشناس تدوین شده است به چشم می‌آید و بعضاً موجب بروز گمراهیهایی نیز شده یا می‌شود.

۶ـ چه باید کرد؟

علیرغم وجود خطای پوشش در ثبت وقایع حیاتی و نیز علیرغم شدت تأثیر آن در آمارهای مربوط، هرگز نمی‌توان از مزایای فوق‌العاده و انحصاری و همچنین مطلوبیت یافته‌های این سیستم چشم پوشید. کوشش در جهت رفع این نقیصه و استفاده از آمارهای حیاتی بهنگام و دقیق که به روش ثبتی تولید می‌شوند، هم منطقی و هم عملی است. منطقی است به دلیل آنکه، اگر این نقطه ضعف برطرف شود، یک منبع تولید آمار حیاتی ارزان، سریع و دقیق در اختیار خواهد بود که بسیاری از مسایل مربوط به برنامه‌ریزیهای توسعه را پاسخ خواهد گفت. عملی است به دلیل آنکه بسیاری از کشورهای جهان در این راه کوشیده و به موفقیت هم رسیده‌اند.(۱)

برای مقابله با مسئله پوشش در ثبت وقایع حیاتی و در نتیجه گسترش کاربرد آمارهای حاصل از این روش در تمامی مطالعات، پژوهشها و برنامه‌ریزیهای جمعیتی، لازم است دو برنامه به طور همزمان به اجرا گذاشته شود. اول، افزایش میزان پوشش ثبت وقایع و رساندن آن به پوشش صددرصد، یعنی ثبت تمامی وقایع حیاتی در تمامی نقاط کشور و دوم، اندازه‌گیری میزان پوشش ثبت وقایع یا تعیین جامعه‌ای که وقایع مربوط به آن ثبت شده است.

۱- بعنوان مثال می‌توان به کشور سوئد دراروپا و نیز به کشور استرالیا در منطقه آسیا و اقیانوسیه اشاره کرد. برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به محمدحسین نجاتیان، مجموعه مدارک مربوط به برقراری نظام آمارهای ثبتی ـ فصل آمارهای ثبتی در سایر کشورها، مرکز آمار ایران سال ۱۳۷۲

۶ـ۱ـ افزایش پوشش ثبت وقایع حیاتی و رساندن آن به سطح صددرصد

برای نیل به این مقصود، که البته راهی دراز و سخت و ناهموار است، اقدامات اساسی و زیربنایی ساده ولی مستمری ضرورت دارد که باید از طریق طراحی و به اجرا در آوردن یک نظام آمارهای ثبتی به عمل آید. چنین انتظاری، شاید تا گذشته‌های حتی نه چندان دور نیز، معقول نمی‌نمود. اما در حال حاضر که راههای روستایی کشور توسعه یافته و تقریباً هیچ نقطه سکونتی روستایی باقی نمانده است که برای رفت و آمد ساکنان آن راههای ارتباطی قابل قبولی وجود نداشته باشد و نیز با توجه به توسعه کمّی و کیفی نیروی انسانی در سازمان ثبت احوال کشور، تردیدی در توفیق در اینگونه برنامه‌ها وجود ندارد. البته در این راه با هماهنگی با نظام آماری کشور، به ویژه شورای عالی آمار که ـ سازمان ثبت احوال کشور نیز در آن عضویت دارد ـ بسیار ضروری است. از پرداختن به اجزا این برنامه، به دلیل تفصیل آن صرف‌نظر می‌شود. اما نگارنده برعهده خود می‌داند که در فرصتی مناسب و در صورت فراهم آمدن امکانات، به آن بپردازد. در عین حال از ذکر دو نکته نمی‌توان گذشت. اول اینکه در کل نظام آماری کشور، ضرورت پرداختن به این امر کمتر از ضرورت و اولویت اجرای طرحهای بزرگ آماری نیست که با صرف منابع مالی و انسانی فراوان به اجرا گذاشته می‌شود، ولی نتایج آنها هرگز منتشر نمی‌شود یا نتایجی به دست می‌دهد که از دیدگاه اهل فن، پذیرفتنی نیست و دوم اینکه تولید آمار وقایع حیاتی به روش ثبتی، فعالیتی است مستمر، یکنواخت و هوش‌طلب. یعنی علیرغم استمرار خسته‌کننده خود، مستلزم توجه، دقت و مراقبت دائمی و زیاد است .بدین لحاظ سازمان ثبت احوال کشور باید با ایجاد انگیزه‌های قوی در مباشران ثبت و انتقال اطلاعات، در سطوح مختلف و به ویژه در سطوح پایین سازمان، به جبران این شرایط بپردازد. این انگیزه‌ها از طریق برقراری دوره های اموزشی ضمن خدمت، افزایش مزایا و دستمزدها، مطرح ساختن ارزش و اعتبار واقعی محصول کار آنان، ایجاد فضاهای کاری مناسب و شاد و نیز فراهم ساختن امکان استفاده از وسایل رفاهی و تفریحی در ایام مرخصیها و... قابل ایجاد و تقویت است.

۶-۲- اندازه گیری میزان پوشش ثبت وقایع حیاتی

هر چند همانگونه که گذشت، راه حل واقعی و قطعی مسئله مورد بحث، طراحی «یک نظام آماری» برای سیستم ثبت وقایع حیاتی است به گونه‌ای که در آن، مکانیزمهای لازم برای حصول اطمینان از پوشش کامل این وقایع پیش‌بینی شده باشد یا حداقل و تا رسیدن به این هدف، میزان پوشش به‌طور جاری اندازه‌گیری شود. ولی در عین‌حال، چون طراحی چنین نظامی، مستلزم فعالیتهای زیاد و طولانی و جلب حمایت سازمانهای مختلف و حداقل شورای عالی آمار است، تا آماده شدن زمینه‌های لازم برای طراحی نظام مزبور نیز نمی‌توان و نباید بیکار نشست. در این مورد سه برنامه مشخص، کوتاه‌مدت، میان مدت و بلندمدت پیشنهاد میشود.

قبل از پرداختن به اجزا سه برنامه پیشنهادی، خاطر نشان میسازد که فعالیتهای آماری سازمان ثبت احوال و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بدون کمکهای متقابل یکدیگر هرگز کامل نخواهد شد. بنابراین لازم به نظر می آید که همکاری بین این دو مؤسسه اولاً گسترش یابد و از حالت موردی و مقطعی که در حال حاضر وجود دارد، به یک پدیده مستمر تبدیل شود وثانیاً از حالت علائق فردی خارج شده و شکل قانونی و تشکیلاتی به خود بگیرد. اولین قدم در این راه شاید تعریف یک پروژه مشترک بین دو مؤسسه با برخورداری از منابع مالی دفتر جمعیت سازمان ملل متحد باشد. دفتر مزبور نیز علی‌الاصول باید از چنین پیشنهادی استقبال کند.

۶-۲-۱- برنامه‌های کوتاه مدت - استفاده از اطلاعات موجود

در این روش اساس فکر بر پایه کاربرد اطلاعات موجود قرار دارد، هرچند که برای تهیه مقدمات کار لازم است از سایر منابع آماری نیز استفاده شود یا نسبت به تهیه اطلاعات لازم راساً اقدام به عمل آید. اما بهرحال اساس نظریه بر استفاده از روابط موجود بین متغیرهای مختلف و در نتیجه برآورد متغیرهای مورد نظر، بنا شده است. پاره‌ای از این روابط هیچ فرضیه اولیه‌ای ندارد و مبتنی بر یک منطق ریاضی است مثل

حاصل جمع دو جزء از یک کمیت که منطقاً برابر آن کمیت خواهد بود. ولی پاره‌ای دیگر از روابط بر پایه نظریات جمعیت شناختی بنا شده است. مثل برابر بودن نسبت موالید در دو منطقه با نسبت جمعیت در همان دو منطقه.

فرض کنید یک شهر یا یک منطقه روستایی به دو قسمت کاملاً متمایز ۱ و ۲ تقسیم شده و همه جا اندیس ۱ معرف منطقه ۱ و اندیس ۲ معرف منطقه ۲ باشد. با توجه به این مقدمات تعاریف زیر را در نظر خواهیم گرفت.

جدول ۱- متغیرهای مورد مطالعه و سمبل انتخابی برای هر یک از آنها

شماره ترتیب	شرح	منطقه ۱	منطقه ۲
۱	تعداد کل فوت شدگان	$D_{t,1}$	$D_{t,2}$
۲	تعداد فوت شدگان صفر ساله	$D_{0,1}$	$D_{0,2}$
۳	تعداد فوت شدگان ۱ ساله و بیشتر	$D_{+1,1}$	$D_{+1,2}$
۴	تعداد کل تولدها	B_{t1}	B_{t2}
۵	تعداد تولدهای فوت شده‌ای که نه تولد و نه فوت آنها ثبت شده است	$B_{d,1}$	$B_{d,2}$
۶	تعداد تولدهای زنده ثبت نشده	$B_{an,1}$	$B_{an,2}$
۷	تعداد کل تولدهای ثبت شده	$B_{r,1}$	$B_{r,2}$
۸	تعداد تولدهای منجر به فوتی که هم تولد و هم فوت آنها ثبت شده است	$B_{rd,1}$	$B_{rd,2}$
۹	تعداد افراد صفر ساله	$P_{0,1}$	$P_{0,2}$
۱۰	تعداد افراد یکساله و بیشتر	$P_{+1,1}$	$P_{+1,2}$
۱۱	کل جمعیت	$P_{t,1}$	$P_{t,2}$

بطوری که ملاحظه می‌شود مندرجات جدول ۱، دو گروه متمایز از متغیرها را نشان می‌دهد، متغیرهای ردیف ۱ تا ۶ که در بررسی حاضر مجهول هستند و غرض برآورد آنها است و متغیرهای ردیف ۷ تا ۱۱ که یا از سیستم ثبت وقایع حیاتی و یا از سایر منابع نظیر آمارگیریها یا سرشماریها قابل حصولند و یا باید برای دستیابی به آنها از طریق یک فهرست‌برداری اقدام شود. بنابراین ۶ متغیر مجهول وجود دارد که چون شهر

یا منطقه روستایی به دو منطقه تقسیم شده است. در واقع ۱۲ مجهول پیش رو خواهیم داشت و لازم است ۱۲ رابطه بین آنها به گونه‌ای برقرار شود که به جز از مجهولات، بقیه اجزاء روابط، اعداد ثابت باشند یا پارامترهائی که کمیت آنها معلوم فرض شده است. در آن صورت مسئله مورد نظر به حل یک دستگاه ۱۲ معادله ۱۲ مجهولی تبدیل خواهد شد که با حل این دستگاه معادلات کلیه مجهولات، از جمله تعداد کل متولدین و نیز تعداد کل فوت‌شدگان در هر دو منطقه به دست خواهد آمد و با در دست داشتن این اقلام هرگونه محاسبه دیگر نظیر محاسبه میزان پوشش ثبت وقایع تولد و فوت میسر خواهد افتاد.
معادلات مورد نظر عبارتند از:

$$B_{t,1}=B_{r,1}+B_{d,1}+B_{an,1}$$

$$B_{t,2}=B_{r,2}+B_{d,2}+B_{an,2}$$

$$P_{0,1}=B_{t,1}-D_{0,1}$$

$$P_{0,2}=B_{t,2}-D_{0,2}$$

$$D_{01}=B_{d,1}+B_{rd,1}$$

$$_{rd,2}\ D_{02}=B_{rd,2}+$$

$$\frac{B_{t,1}}{B_{t,2}}=\frac{P_{t,1}}{P_{t,2}}=k$$

$$\frac{D_{0,1}}{D_{0,2}}=\frac{P_{0,1}}{P_{0,2}}=k$$

$$D_{t,1}=D_{0,1}+D_{+1,1}$$

$$D_{t,2}=D_{0,2}+D_{+1,2}$$

$$\frac{D_{t,1}}{D_{t,2}}=\frac{P_{t,1}}{P_{t,2}}=k$$

$$\frac{D_{+1,1}}{D_{+1,2}}=\frac{P_{+1,1}}{P_{+1,2}}=k$$

معادلات پیشنهادی از نظر امکان وجود جواب مورد بررسی قرار گرفته و تا آنجا که توان ذهنی نگارنده اجازه داده است، استقلال معادلات از یکدیگر ملحوظ شده و انتظار می‌رود دستگاه معادلات دارای جواب باشد. اما بهرحال، چون در این زمینه تاکنون هیچگونه کوششی بعمل نیامده و نگارنده نیز فرصت و امکانات آزمودن این معادلات را جز بر پایه اطلاعات فرضی و امکانات کامپیوتری ضعیف نداشته است، امکان بروز پاره‌ای نواقص را رد نمی‌کند. اما معتقد است، اساس تفکر، می‌تواند راهگشای حل مسئله‌ای بزرگ و تاریخی باشد و برآورد مناسبی از میزان پوشش ثبت وقایع حیاتی به دست دهد. نگارنده آماده است تا با استفاده از امکاناتی مختصر و محدود، این نظریه و روش مبتنی بر آن را تا نیل به هدف نهایی دنبال کند یا حداقل در یک یا دو شهرستان آن را بطور آزمایشی به اجرا در آورد. علاوه بر سازمان ثبت احوال و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مؤسسات دیگری نظیر دفتر جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA) و نیز صندوق کودکان ملل سازمان (UNICEF) که از نتایج این پژوهش بهره‌مند خواهند شد، می‌توانند در تدارک امکانات و منابع لازم همکاری داشته باشند.

۶ـ۲ـ۲ برنامه‌های میان مدت

در تدارک یک برنامه میان مدت برای اندازه‌گیری میزان پوشش ثبت وقایع حیاتی، میتوان با استفاده از منابع اطلاعاتی موجود و احتمالاً انجام آمارگیریهای مقطعی ویژه اما کوچک مقیاس و بر مبانی فکری مربوط به سیستم ثبت مضاعف اطلاعات (Dual record system) به برآوردی از میزان مورد نظر دست یافت. همین جا و قبل از پرداختن به هر موضوع دیگر خاطرنشان می‌سازد که بهتر است قبل از هر اقدام عملی حداقل تصویری از کل فعالیتهای مربوط به برقراری یک «نظام آمار ثبتی» (موضوع بند ۵ـ۱ همین گزارش) در پیش چشم طراحان وجود داشته باشد تا بتوان هر اقدام عملی را در راستای اهداف کلی نظام مزبور برنامه‌ریزی کرد. به این ترتیب ضمن زمینه‌سازی برای نیل به هدف اصلی سازمان در صرف منابع مالی و انسانی نیز صرفه‌جویی‌های

مفیدی به عمل آمد.

بدون قصد ورود به جزئیات مربوط به سیستم ثبت مضاعف اطلاعات، یادآوری می‌کند که این سیستم بر پایه استفاده از دو یا چند منبع اطلاعاتی مستقل و مقابله اطلاعات مربوط به این منابع بصورت مورد به مورد بنا شده است. این مقابله بسته به هدفهایی که دنبال می‌شود، می‌تواند یک طرفه یا دو طرفه باشد، مسئله استقلال منابع اطلاعاتی که تا سالهای اخیر از معضلات عملی این سیستم به شمار می‌آمد تا حدودی مرتفع شده است، چرا که در سالهای اخیر، برآوردکننده‌هایی با فرض عدم استقلال منابع اطلاعاتی نیز پیشنهاد شده است. بنابراین مسئله در استفاده عملی از این سیستم، انجام مقابله و روشهای مربوط به آنست که خود بحث مفصلی است و بسته به چگونگی مقابله برآوردهای متفاوتی از میزان پوشش ثبت وقایع حیاتی به دست خواهد آمد[۱] پیشنهاد می‌شود که با طراحی یک طرح ویژه، ضمن استفاده از مزایای نمونه‌گیری حوزه‌های جغرافیایی (Area Sampling) و حتی‌المقدور بدون نیاز به آمارگیری ویژه، اطلاعات حاصل از سیستم ثبت وقایع حیاتی را در حوزه‌های نمونه با نتایج حاصل از طرحهای آماری مرکز آمار ایران از یک طرف و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از طرف دیگر مقابله کرد. به این ترتیب ضمن افزایش اطمینان به نتیجه طرح، می‌توان در صورت تمایل برآوردی از میزان پوشش آمارگیریهای مورد اشاره را نیز به دست آورد.

۶-۲-۳ برنامه‌های بلندمدت

با توجه به اهمیتی که داده‌های جمعیتی در برنامه‌ریزیهای توسعه دارد و به اختصار به آن اشاره شد، و نیز با توجه به آنکه تولید بخش اعظمی از این اطلاعات به صورت دقیق، مستمر و بهنگام بنا به ماهیت اطلاعات جز از طریق سیستم ثبت وقایع حیاتی،

۱- برای کسب اطلاع بیشتر در اینمورد مراجعه کنید به محمدحسین نجاتیان نگاهی تازه به سیستم ثبت مضاعف اطلاعات، مرکز آمار ایران، مدیریت آمارهای اجتماعی و نفوس، گزارش داخلی شماره ۱۸؛ تهران خرداد ماه ۱۳۶۴

عملی یا حداقل اقتصادی نیست، بنابراین پرداختن به آن در کل نظام برنامه‌ریزی و آماری کشور از ضرورتهای اساسی به شمار می‌آید. تجربه تولید اینگونه اطلاعات از طریق آمارگیریهای گذشته‌نگر چه در کشور، و چه در سایر کشورهای جهان جز شکست حاصلی نداشته است و امروزه کشورهائی در تولید آمار وقایع حیاتی موفق‌ترند که تولید اینگونه اطلاعات را بر پایه ثبت وقایع حیاتی بنا نهاده‌اند و ما نیز چاره‌ای جز آن نداریم. اما این الزام به معنای فراموشی کامل روشهای آمارگیری نیست. بلکه از روشهای آمارگیری باید برای ارتقاء کیفیت سیستم ثبت وقایع حیاتی حداکثر استفاده را به عمل آورد. البته این امر مستلزم هماهنگی کامل در نظام آماری کشور و حداقل بین ارگانهای خط اول این نظام است.

اندازه‌گیری میزان پوشش ثبت وقایع حیاتی در یک برنامه بلندمدت، با اجرای طرحهای آماری میسر خواهد افتاد. این طرحها باید در مقیاس ملی و در نتیجه با نظر موافق و کمکهای همه جانبه کل نظام آماری کشور صورت پذیرد و از اعتبارات مالی مربوط به فعالیتهای آماری کشور تغذیه شود. اینگونه طرحهای آماری را می‌توان به دو گروه عمده به شرح زیر تقسیم کرد؛

۱)آمارگیریهای مستمر

در نظامی که برای تهیه آمار وقایع حیاتی به روش ثبتی طراحی می‌شود، اصولاً باید آمارگیریهایی برای اندازه‌گیری کیفیت و به ویژه میزان پوشش ثبت وقایع، بعنوان یک جزء مهم و لاینفک از آن نظام پیش‌بینی شود. در این طرحهای آماری، هدف عمده همانطور که گذشت، اندازه‌گیری کیفیت و مخصوصاً میزان ثبت وقایع حیاتی است. اما روشهای مورد استفاده باید هماهنگ با نظام ثبت و انباشت اطلاعات و نیز با کل نظام آماری کشور انتخاب شود. روش انتخاب حوزه‌های جغرافیایی (Area Sampling) در اینگونه طرحها بسیار مناسب خواهد بود، از دیگر ویژگیهای مهم این طرحهای آماری، استمرار آنها در طول زمان و پراکندگی نمونه‌ها در طول سال و به ویژه سرعت در

پردازش داده‌ها، تحلیل نتایج و استفاده از آن‌ها در برنامه‌ریزی فعالیتهای آینده خواهد بود. به گمان نگارنده، چنانچه معدودی از طرحهای آماری (حداقل بخشی از طرحهای آمارگیری جمعیتی) که در کل نظام آماری کشور به اجرا در می‌آید، متوقف شود و منابع مربوط به آنها در این مسیر به کار افتد، اقدامی بجا و معقول است و می‌تواند منابع مالی و انسانی لازم را برای تهیه و اجرای طرحهای آماری پیشنهادی در اختیار گذارد، مشروط بر آن که کل فعالیتهای تهیه و تولید آمارهای جمعیتی برمبنای ثبت وقایع حیاتی، از نظامی منسجم و قابل دفاع برخوردار باشد.

۲) آمارگیریهای تعاقبی

در غیاب یک نظام آمارهای ثبتی منسجم و در نتیجه طرحهای آماری مستمر، برای کنترل کیفیت اینگونه آمارها، می‌توان از یک سیستم آمارگیری تعاقبی سود برد. زیربنای نظری اینگونه آمارگیریها را همانگونه که گذشت انتخاب تعدادی حوزه جغرافیایی مشخص و معین و پیگیری رخداد وقایع حیاتی در حوزه‌های مزبور، از طریق مراجعات مکرر ماهانه، فصلی، شش ماهه یا سالانه تشکیل می‌دهد.

روشهای طراحی، اجرا، داده‌پردازی و بالاخره تحلیل یافته‌های مربوط به اینگونه آمارگیریها در پاره‌ای کتب آماری وجود دارد و قابل مراجعه است.[۱]

۱- از جمله میتوان به محمدحسین نجاتیان، استفاده از روشهای تعاقبی در آمارگیریهای جمعیتی، مرکز آمار ایران، مدیریت آمارهای اجتماعی ـ اقتصادی خانوار، تهران ۱۳۶۹ مراجعه کرد.

ترجیح رقمی در گزارش سن
در سرشماری سال ۱۳۷۵ ایران

مرتضی کشتکار[۱]

بدون تردید، سرشماری جمعیتی در هیچ کشوری فاقد اشتباه نیست، از اینرو در دقیق‌ترین سرشماریها نیز، لااقل اندکی خطا قابل تصور است. با وجود این، میزان و نوع اشتباه در سرشماریها و آمارگیریهای نفوس در جوامع مختلف متفاوت است.

از لحاظ میزان اشتباه، سرشماریها را می‌توان به ترتیب با دقت بالا، قابل قبول، متوسط، کم‌دقت و خیلی کم‌دقت تقسیم کرد. اگر نوع اول را از ویژگیهای سرشماری کشورهای توسعه یافته و انواع دیگر را خاص سرشماری جوامع درحال توسعه قلمداد کنیم، به این ترتیب ملاحظه میشود که در پیشرفته‌ترین کشورهای جهان نیز میزان دقت سرشماریها صددرصد نیست.

از نظر نوع اشتباهاتی که در سرشماریهای جمعیتی دیده می‌شود، معمولاً به دو نوع اشتباه برخورد می‌کنیم. نوع اول که اصطلاحاً اشتباهات پوششی[۲] نامیده می‌شوند، مربوط به حذف یا فراموش کردن بخشی از جامعه، دوباره شماری و کم‌شماری جمعیت می‌باشد. نوع دوم یا اشتباهات محتوایی،[۳] مربوط به گزارش یا ثبت اطلاعات مورد لزوم می‌باشد، که ممکن است پاسخگو عمداً یا سهواً اطلاعاتی غیرواقعی را اظهار

۱- کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی و دبیر دبیرستانهای تنگستان

2- Coverage Error

3- Content Error

نماید، یا پرسشگر اشتباهاً اطلاعات را ثبت نماید. اشتباهات اخیر غالباً در ساختار جنسی و سنی جمعیت مشاهده می‌گردد.

خطا در ساختمان جنسی جمعیت معمولاً کمتر دیده می‌شود، زیرا غالباً شاخص جنسیت عینی بوده و تقریباً برای پرسشگر و پاسخگو آشکار است. از اینرو، جنس برخلاف سن، کمتر ممکن است غلط گزارش شود. اما گزارش سن در سرشماریها، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه که درصد زیادی از جمعیت بی‌سواد می‌باشد و مشکلات فرهنگی و روانی و ترس از اظهار مشخصات خانوادگی شیوع بیشتری دارد، از دقت کمتری برخوردار است. از این نوع اشتباهات می‌توان به عدم اظهار سن، جابجایی سنی جمعیت، رجحان بعضی از سنین، افزایش یا کاهش سن و رجحان دادن بعضی از ارقام و... اشاره کرد. بررسی هر یک از انواع اشتباهات محتمل در سرشماریها و سنجش اعتبار و دقت این آمارگیریها، به دو طریق مستقیم [۱] و غیر مستقیم [۲] میسر است. روش مستقیم که مستلزم مراجعه مجدد به جامعه مورد مطالعه و انجام آمارگیری نمونه‌ای مجدد می‌باشد، علی‌رغم بودجه مالی و تشکیلات قابل ملاحظه‌ای که نیاز دارد، نتایج چندان دقیقی در پی نخواهد داشت. از اینرو با توجه به عواملی مانند زمان، هزینه، دسترسی به افراد متخصص و آموزش دیده، اشتباهات ناشی از نمونه‌گیری و... امروزه روشهای مستقیم ارزیابی دقت و اعتبار سرشماریها کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مقابل روشهای غیرمستقیم ارزیابی دقت آمارگیریهای جمعیتی بیشتر مورد توجه و استفاده متخصصین قرار گرفته و بکار برده می‌شود. به همین علت روشهای مختلفی برای ارزیابی صحت ودقت سرشماریها ابداع و مورد استفاده قرار گرفته‌اند، که هریک نوع خاصی از اشتباهات سرشماریها را ارزشیابی می‌کنند. در روشهای اخیر معمولاً با استفاده از آمارها و اطلاعات موجود، بخصوص اطلاعات خود سرشماریها و با ساختن شاخصهایی به ارزیابی سرشماری

1- Direct Methods (Post Enumeration Survey)

2- Indirect Methods

می‌پردازند.

در این مقاله با استفاده از دو روش غیرمستقیم ـ از طریق بکارگیری شاخصهای «ویپل»[۱] و «مایرز»[۲] به بررسی گزارش سن و رجحان بعضی از ارقام (یکی از اشتباهات عمده در سرشماریهای جمعیتی) برای یافتن ارقامی که در گزارش سنی جمعیت مورد تمایل مردان و زنان قرار گرفته‌اند، خواهیم پرداخت. ضمن توضیح و تبین شاخصهای فوق‌الذکر آمارهای سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ جمهوری اسلامی ایران به تفکیک جنس مورد ارزیابی قرار گرفته است.

تست رجحان بعضی از ارقام[۳]

تمایل به گردکردن سن، به ویژه هنگامی که توجه و دقت کافی در بیان سن به مأمور سرشماری نباشد، یا مدرک شناسایی در دسترس نباشد، در بسیاری از موارد دیده شده است. یکی از طریق مطالعه دقت در گزارش سن و تمایل به رُند کردن سن، آزمایش آنها به وسیله شاخصها است. از جمله شاخصهایی که برای این منظور ساخته شده شاخصهای ویپل و مایرز می‌باشند. این شاخصها برای ارزیابی دقت گزارش سن در سرشماریهایی ساخته شده‌اند که در آنها سن فرد بطور مستقیم پرسیده شده باشد. یعنی هنگام سرشماری از فرد پرسیده شود که چند سال دارد؟ از اینرو استفاده از این شاخصها در آمارگیریهایی که در آن سن فرد بطور غیرمستقیم سئوال شده باشد مانند پرسیدن تاریخ تولد یا مراجعه به شناسنامه و یا اسناد معتبر دیگر تجویز نمی‌شود. لذا در بدو امر چنین می‌نماید که استفاده از این دو شاخص در ارزیابی سرشماری ۱۳۷۵ که در آن سن افراد باید از شناسنامه استخراج گردد فاقد کارایی لازم خواهد بود. اما بهرحال، اگرچه در این سرشماری سن افراد بطور غیرمستقیم پرسیده شده لکن به نظر می‌رسد که با توجه به دلایل زیر همچنان استفاده از این دو شاخص در ارزیابی این

1- Wipple's Index
2- Myer's Index
3- Digit preference index

سرشماری مفید و جایز خواهد بود:

۱- سهل‌انگاری بسیاری از پرسشگران در مراجعه به اسناد و اکتفا کردن به اظهارات پاسخگو.

۲- عدم دسترسی به اسناد شناسایی معتبر مانند در دسترس نبودن شناسنامه و... حداقل برای بخشی از جمعیت در زمان سرشماری در کنار عدم الزام و اجبار به ارائه آن از سوی پاسخگو (هر چند این الزام خود می‌تواند مشکلات جدیدی ایجاد کند).

۳- بی‌سوادی بخش وسیعی از جامعه (بیش از ۲۰ درصد جمعیت ۶ ساله و بالاتر، به ستناد داده‌های سرشماری ۱۳۷۵)[۱] خصوصاً در سنین بالا که هم بیسوادی بیشتر و هم امکان فراموشی به دلایل کهولت گذشت زمان و... زیادتر میباشد. در این صورت پاسخگوی بی‌سواد و در عین حال مسن (در صورت عدم دسترسی به شناسنامه) نه تنها قادر به حفظ و به خاطر آوردن تاریخ تولد خود نیست، که سن خود را هم احتمالاً نمی‌تواند دقیق بیان کند.

۴- با نگاهی اجمالی به داده‌های خام سرشماری در سنین مختلف به ویژه سنین ختم شده به صفر و پنج و علی‌الخصوص در گروههای سنی بالاتر از ۵۰ سال عدم تناسب در توزیع دقیق سن (مثلاً جدول شماره ۵ مردان را نگاه کنید) و تمایل به سرراست کردن سن به خوبی مشهود است.

به این ترتیب با این دلایل و اشکالات احتمالی دیگر در این نوشته از دو شاخص مزبور درارزیابی و بررسی گزارش سن در این سرشماری استفاده شده است.

شاخص وپل

معمولاً در سرشماریهای جمعیتی، افراد به هر دلیل مایلند سن خود را عددی که مضربی از پنج می‌باشد بیان کنند. شاخص وپل برای اندازه‌گیری تمایل به اظهار سنین مختوم به ارقام صفر و پنج (سنین مضرب پنج) بکار برده می‌شود. از این لحاظ اگر

۱- در این زمینه رجوع شود به نشریه سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور در سال ۱۳۷۵

چنین تمایلی در اظهار سن از سوی پاسخگو وجود داشته باشد را می‌توان با استفاده از این شاخص معین کرد. علاوه براین از آنجائیکه این شاخص را برای هر دو جنس به تفکیک محاسبه می‌نمایند ارزشهای بدست آمده قابلیت مقایسه داشته و از این طریق می‌توان تمایل دو جنس به این سنین را باهم مقابله نمود.

برای محاسبه این شاخص به دو چیز نیاز است:

۱- مجموع افراد هر یک از دو جنس (به تفکیک) از ۲۳ تا ۶۲ سالگی.

۲- مجموع افرادی که در سنین ۲۵، ۳۰، ۳۵، ۴۰، ۴۵، ۵۰، ۵۵ و ۶۰ سالگی قرار دارند، به تفکیک جنس.

پس از محاسبه هر یک از این دو گروه برای محاسبه شاخص وپیل مجموع افرادی را که در سنین ۲۵ تا ۶۰ سالگی قرار دارند (مورد شماره ۲) در عدد ۵ ضرب کرده و به تعداد افراد همان جنس که در گروه سنی ۲۳ تا ۶۲ (مورد شماره ۱) قرار گرفته‌اند، تقسیم می‌کنیم.

به این ترتیب در محاسبه این شاخص از فرمول زیر استفاده می‌شود.

$$W.I=\frac{5(P_{25}+P_{30}+P_{35}+P_{40}+P_{45}+P_{50}+P_{55}+P_{60})}{\sum_{23}^{62} P}\times 100$$

نتیجه شاخص وپیل بین عدد ۱۰۰ تا ۵۰۰ قرار می‌گیرد. بدین ترتیب که اگر اصلاً تمایلی به گرد کردن سن به سنین مضرب پنج وجود نداشته باشد و افراد سن خود را دقیق اعلام نموده باشند، حاصل این محاسبه ۱۰۰ به دست می‌آید. هرچه عدد بدست آمده از ۱۰۰ بیشتر باشد گرایش به سنین مختوم به صفر و پنج نیز بیشتر است. بنابراین اگر تمام افراد سن خود را به ارقام ختم شده به صفر و پنج بیان کرده باشند، این شاخص برابر با ۵۰۰ می‌شود.

برای ارزیابی شاخص وپیل جدولی تهیه شده که با مراجعه به آن می‌توان ارزشهای

بدست آمده از شاخص ویپل را تفسیر و تبیین کرد (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱- اندازه شاخص ویپل و طبقات دقت در آمارها

اندازه شاخص ویپل	دقت آمارها
کمتر از ۱۰۵	بالا
۱۰۵-۱۰۹/۹	قابل قبول (خوب)
۱۱۰-۱۲۴/۹	متوسط
۱۲۵-۱۷۴/۹	کم
۱۷۵ و بیشتر	خیلی‌کم

مأخذ: سرایی، ۱۳۷۴، ص ۳۲.

حال با استفاده از توضیحات پیشین به محاسبه و ارزیابی شاخص ویپل در سرشماری ۱۳۷۵ برای مردان و زنان ایران می‌پردازیم.

جدول شماره ۲- شاخص ویپل برای جمعیت مرد و زن ایران در سرشماری ۱۳۷۵

سن	جمعیت		سن	جمعیت	
	مرد	زن		مرد	زن
۲۳	۵۰۸۰۲۷	۵۱۱۰۰۷	۲۵	۵۳۵۷۶۰	۵۲۹۴۶۸
۲۴	۴۸۷۲۳۵	۴۸۴۶۲۰	۳۰	۴۴۷۹۴۶	۴۴۶۳۷۱
۲۵-۲۹	۲۳۶۵۸۳۴	۲۳۴۳۳۲۰	۳۵	۴۱۷۸۲۸	۳۹۹۹۴۰
۳۰-۳۴	۲۰۱۲۷۲۰	۱۹۶۷۳۴۶	۴۰	۳۳۸۴۲۴	۳۱۹۵۰۹
۳۵-۳۹	۱۸۱۷۶۰۹	۱۷۵۴۱۷۰	۴۵	۲۵۴۴۰۳	۲۵۸۲۶۳
۴۰-۴۴	۱۴۳۱۰۶۲	۱۳۸۱۰۲۴	۵۰	۱۸۱۳۲۷	۱۹۲۱۷۲
۴۵-۴۹	۹۹۰۱۵۸	۱۰۲۲۸۸۲	۵۵	۱۴۷۰۹۲	۱۴۷۹۳۷
۵۰-۵۴	۷۶۸۶۲۱	۷۶۰۴۵۷	۶۰	۱۹۰۷۸۷	۱۶۳۵۲۴
۵۵-۵۹	۷۱۷۲۵۱	۶۴۹۴۷۷	-	-	-
۶۰	۱۹۰۷۸۷	۱۶۳۵۲۴	-	-	-
۶۱	۱۴۰۶۲۳	۱۱۵۸۹۳	-	-	-
۶۲	۱۴۳۵۹۴	۱۲۰۵۰۳		-	-
جمع	۱۱۵۷۱۵۲۱	۱۱۲۷۴۲۲۳		۲۵۱۳۵۶۷	۲۴۵۷۱۸۴

شاخص ویپل برای مردان: $W.I=\frac{5\times25135\text{۶۷}}{11571521}\times100=108/6$

شاخص ویپل برای زنان: $W.I=\frac{5\times24571\text{۸۴}}{11274223}\times100=109$

همچنانکه ملاحظه می‌شود، شاخص ویپل برای مردان ۱۰۸/۶ به دست آمده که از عدد ۱۰۰ (معرف عدم تمایل به گرد کردن سن و دقت سرشماری) تنها ۸/۶ درصد بیشتر است. این رقم اگرچه گرایش مردان به اظهار سن خود به اعداد مختوم به صفر و پنج را نشان می‌دهد ولی این تمایل چندان زیاد نیست، بخصوص اگر این میزان با سرشماریهای قبل مقایسه شود، یک روند، کاهشی مرتبی را نشان می‌دهد (نگاه کنید به جدول شماره ۳) علاوه براین با مراجعه به جدول شماره ۱ دقت آمارهای شاخص ویپل، ملاحظه میشود که عدد حاصل در مجموع از دقت خوب و قابل قبولی برخوردار است.

شاخص ویپل برای زنان نیز عدد ۱۰۹ را نشان می‌دهد که در اینجا نیز اگرچه بیانگر گرایش زنان به گرد کردن سن خود به اعداد مختوم به صفر و پنج می‌باشد ولی در مجموع این تمایل نیز ناچیز است. علاوه براین، مقایسه شاخص ویپل در سرشماری ۱۳۷۵ با سرشماریهای قبل در مورد زنان نیز یک روند کاهش را نشان می‌دهد (نگاه کنید به جدول شماره ۳) در اینجا نیز مقایسه ارزش حاصل از شاخص ویپل با اعداد جدول شماره ۱ همچنان بیانگر میزان دقت خوب و قابل قبول گزارش سن زنان در این سرشماری می‌باشد.

مقایسه ارزشهای حاصل از شاخص ویپل مربوط به مردان و زنان، مبین این واقعیت است که تمایل زنان به رُندکردن سن خود بیشتر از مردان بوده است.

جدول شماره ۳- شاخص ویپل در سرشماریهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵[1]

جنس	سرشماریها				میزان‌کاهش از۴۵تا۷۵
	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	
مرد	۲۲۹/۳	۱۵۴/۴	۱۱۹/۷	۱۰۸/۶	۲۳/۸
زن	۲۶۰	۱۶۹/۷	۱۲۳	۱۰۹	۲۷/۳

۱- شاخص ویپل در سرشماری ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ از منبع زیر استخراج شده است: میرزائی، ۱۳۶۸، ص ۷۸.

در مجموع هرچند این شاخص در سرشماری ۱۳۴۵ و حتی بعد از آن تفاوت زیادی بین زنان و مردان را نشان می‌دهد، اما در سرشماری ۱۳۷۵ این تفاوت به حداقل رسیده و تا حدی قابل اغماض است. بنابراین دقت در گزارش سن برای هر دو جنس از هر سرشماری به سرشماری بعد بهتر شده است. از سوی دیگر، گو اینکه روند کاهش این شاخص در هر دو جنس دیده می‌شود، لکن میزان کاهش در مورد زنان بیشتر و سریعتر بوده است (۲۳/۸ درصد برای مردان در مقابل ۲۷/۳ درصد برای زنان).

بهرحال شاخص وپیل یک وسیله اندازه‌گیری بسیار ساده و در عین حال مؤثر در مورد دقت گزارش سن و در مواردی است که تمایل به برخی از ارقام (سنین منتهی به صفر و پنج) برای اعلام سن، بیشتر مطرح باشد. لکن نقص آن در این است که تنها تمایل به گرد کردن سن به دو رقم صفر و پنج را نشان می‌دهد، حال آنکه با توجه با تفاوتهای فرهنگی جوامع ممکن است تمایل به ارقام دیگری نیز وجود داشته باشد. از اینرو از شاخص مایرز که پیچیده‌تر و کاملتر از شاخص وپیل می‌باشد و نقص این شاخص را ندارد استفاده می‌کنیم.

شاخص مایرز

این شاخص که به روش ترکیب جمعیت (این روش ترکیبی از جمعیت است که براساس ارقام انتهایی با یکدیگر جمع شده است) نیز معروف است، برای اولین بار در سال ۱۹۴۰ توسط آر. جی مایرز به کار گرفته شد. شاخص مایرز نشان می‌دهد که بطور کلی افراد نسبت به بیان کدام یک از ارقام صفر تا ۹ تمایل بیشتری دارند. از اینرو نسبت به شاخص وپیل که تنها تمایل به ارقام صفر و پنج را نشان می‌داد، کاملتر می‌باشد.

اولین قدم در راه محاسبه شاخص مایرز، تهیه جمعیت ترکیبی می‌باشد. برای این کار ابتدا باید تصمیم گرفت که از چه محدوده سنی، ترجیح رقمی سنی را باید اندازه گرفت. اگرچه هر محدوده سنی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد ولی معمولاً

مناسب‌ترین حدود سنی برای محاسبه این شاخص سنین ۱۰ تا ۶۹ سالگی می‌باشد. پس از تعیین محدوده سنی، در مرحله دوم، توزیع جمعیت را براساس سنین منفرد و به تفکیک جنس از ۱۰ تا ۶۹ سالگی معین می‌کنیم (مانند جدول شماره ۵ مردان ایران). در مرحله سوم حاصل جمع جمعیت سنین ۱۰ تا ۶۹ سالگی و ۲۰ تا ۶۹ سالگی، برمبنای ارقام انتهایی سنین محاسبه می‌شود. مثلاً حاصل جمع سنین ۱۰، ۲۰، ۳۰، و... ۵۰ سالگی در گروه اول (۱۰ تا ۵۹ سالگی) و ۲۰، ۳۰، ۴۰،...و ۶۰ سالگی را در گروه دوم (۲۰ تا ۶۹ سالگی)، سپس به همین ترتیب برای سنین مختوم به ارقام ۱، ۲، ۳،...و ۹ (یعنی سنین ۱۱، ۲۱، ...،۶۱ و ۱۲، ۲۲، ...۶۲) و همینطور سایر ارقام نیز همین محاسبات انجام می‌گیرد (ستونهای ۷ و ۸ جدول شماره ۵ مردان).

در مرحله چهارم حاصل جمع ارقام انتهایی گروه ۵۹-۱۰ سالگی را به ترتیب در ضرایب ۱ تا ۱۰ ضرب می‌کنیم، همچنین حاصل جمع ارقام انتهایی گروه ۶۹-۲۰ سالگی نیز به ترتیب در ضرایب ۹ تا صفر ضرب می‌کنیم. (به شرح ستونهای ۲ تا ۷ ادامه جدول شماره ۵ مردان) مرحله پنجم عبارت از حاصل جمع نتیجه ضرایب جمعیت هر یک از ارقام انتهایی صفر تا ۹ گروههای سنی ۵۹-۱۰ و ۶۹-۲۰ سالگی می‌باشد (حاصل جمع هر سطر از ستونهای ۴ و ۷، ادامه جدول شماره ۵ مردان).

بدین ترتیب ترکیب جمعیت سنین مختوم به ارقام صفر تا ۹ بدست آمده و در مرحله ششم نسبت درصد جمعیت هر رقم مثلاً درصد جمعیت در سنین منتهی به رقم صفر برابر است با تقسیم جمعیت این رقم در ستون شماره ۸، ادامه جدول شماره ۵ به حاصل جمع کل جمعیت این ستون ضربدر صد) را محاسبه نموده و در مرحله آخر انحراف درصد هر ستون از ده را به دست می‌آوریم. حاصل جمع قدر مطلق انحرافات از ده درصد، همان شاخص مایرز است.

این شاخص مبتنی بر این فرض است که جمعیت، تقریباً باید به نسبت ده درصد بین ارقام صفر تا ۹ توزیع شود، حال اگر توزیع درصد جمعیت برحسب سنین ختم شده به این ارقام کمتر یا بیشتر از ده درصد باشد، این امر ناشی از درست نشمردن یا ترجیح

دادن بعضی از سنین به خاطر گرد کردن سن است.

از لحاظ تئوری، شاخص مایرز می‌تواند بین صفر تا ۱۸۰ تغییر کند. اگر سن دقیق گزارش شده باشد، حاصل جمع‌های ترکیب شده (ستون شماره ۸ ادامه جدول شماره ۵ مردان) خیلی به هم نزدیکتر خواهد بود و انحرافات از ده درصد (ستون شماره ۱۰، ادامه جدول شماره ۵ مردان) ناچیز بوده، شاخص نزدیک صفر خواهد بود. اگر تمام سنین اظهار شده به یک رقم ختم شده باشد (مثلاً ۱) در این صورت صددرصد حاصل جمع ترکیب شده در این خواهد بود و حاصل جمع قدر مطلق انحرافات از ده درصد به ۱۸۰ خواهد رسید. اکنون این شاخص را به ترتیب در مورد جمعیت مردان و زنان ایران در سرشماری ۱۳۷۵ به کار می‌بریم.

جدول شماره ۵ محاسبه شاخص مایرز برای جمعیت مرد ایران در سرشماری ۱۳۷۵

رقم آخرسن	تعداد سنین معین							جمع سنین ۱۰-۵۹	جمع سنین ۲۰-۶۹
	۱۰-۱۹	۲۰-۲۹	۳۰-۳۹	۴۰-۴۹	۵۰-۵۹	۶۰-۶۹			
(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)		(۸)	(۹)
۰	۹۵۴۴۲۵	۵۴۲۸۱۶	۴۴۷۹۴۶	۳۳۸۴۲۴	۱۸۱۳۲۷	۱۹۰۷۸۷		۲۴۶۴۹۳۸	۱۷۰۱۳۰۰
۱	۹۵۵۶۷۷	۵۲۰۱۷۶	۳۸۴۶۰۴	۳۰۲۷۵۷	۱۵۶۶۳۲	۱۴۰۶۲۳		۲۳۱۹۸۴۶	۱۵۰۴۷۹۲
۲	۹۶۱۰۰۱	۵۰۸۱۹۹	۴۰۰۲۸۸	۲۷۶۴۵۴	۱۶۰۴۸۵	۱۴۳۵۹۴		۲۳۰۶۴۲۷	۱۴۸۹۰۲۰
۳	۸۹۷۶۱۵	۵۰۸۰۲۷	۳۹۴۷۱۴	۲۶۵۹۸۶	۱۳۸۹۶۰	۱۴۴۴۶۰		۲۲۰۵۳۰۲	۱۴۵۲۱۴۷
۴	۸۵۲۷۵۵	۴۸۷۲۳۵	۳۸۵۱۶۸	۲۴۷۴۴۱	۱۳۱۲۱۷	۱۳۴۰۳۸		۲۱۰۴۸۱۶	۱۳۸۵۰۹۹
۵	۸۵۰۷۰۵	۵۳۵۷۶۰	۴۱۷۸۲۸	۲۵۴۴۰۳	۱۴۷۰۹۲	۱۵۰۹۵۵		۲۲۰۵۷۸۸	۱۵۰۶۰۳۸
۶	۷۸۶۷۶۲	۴۸۳۴۳۱	۳۶۱۱۱۴	۱۹۴۳۹۷	۱۳۷۷۳۱	۱۰۸۷۷۹		۱۹۶۳۴۳۵	۱۲۸۵۴۵۲
۷	۷۱۷۲۱۱	۴۷۸۴۸۴	۳۵۹۰۸۷	۱۹۷۲۰۶	۱۳۶۴۰۲	۱۰۲۹۵۷		۱۸۸۸۳۹۰	۱۲۷۴۱۳۶
۸	۶۶۱۹۵۹	۴۶۰۲۹۳	۳۵۷۹۲۳	۱۷۶۲۳۶	۱۴۲۷۰۵	۱۰۸۵۳۴		۱۷۹۹۱۱۶	۱۲۴۵۶۹۱
۹	۵۶۳۲۳۸	۴۰۷۸۶۶	۳۲۱۶۵۷	۱۶۷۹۱۶	۱۵۳۳۲۱	۱۰۵۹۶۴		۱۶۱۳۹۹۸	۱۱۵۶۷۲۴
جمع	۸۲۰۲۳۴۸	۴۹۳۲۲۸۷	۳۸۳۰۳۲۹	۲۴۲۱۲۲۰	۱۴۸۵۸۷۲	۱۳۳۰۶۹۱		۲۰۸۷۲۰۵۶	۱۴۰۰۰۳۹۹

ادامه جدول شماره ۵

رقم آخر سن	گروه سنی ۵۹-۱۰			گروه سنی ۶۹-۲۰			ترکیب سن (۴)+(۷)	توزیع درصد	انحراف‌ازده‌درصد
	مجموع	ضریب	حاصلضرب ۳×۲	مجموع	ضریب	حاصلضرب ۵×۶			
(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)	(۸)	(۹)	(۱۰)
۰	۲۴۶۴۹۳۸	۱	۲۴۶۴۹۳۸	۱۷۰۱۳۰۰	۹	۱۵۳۱۱۷۰۰	۱۷۷۷۶۶۳۸	۱۰/۱۷	+۰/۱۷
۱	۲۳۱۹۸۴۶	۲	۴۶۳۹۶۹۲	۱۵۰۴۷۹۲	۸	۱۲۰۳۸۳۳۶	۱۶۶۷۸۰۲۸	۹/۵۴	-۰/۴۶
۲	۲۳۰۶۴۲۷	۳	۶۹۱۹۲۸۱	۱۴۸۹۰۲۰	۷	۱۰۴۲۳۱۴۰	۱۷۳۴۲۴۲۱	۹/۹۲	-۰/۰۸
۳	۲۲۰۵۳۰۲	۴	۸۸۲۱۲۰۸	۱۴۵۲۱۴۷	۶	۸۷۱۲۸۸۲	۱۷۵۳۴۰۹۰	۱۰/۰۳	+۰/۰۳
۴	۲۱۰۴۸۱۶	۵	۱۰۵۲۴۰۸۰	۱۳۸۵۰۹۹	۵	۶۹۲۵۴۹۵	۱۷۴۴۹۵۷۵	۹/۹۸	-۰/۰۲
۵	۲۲۰۵۷۸۸	۶	۱۳۲۳۴۷۲۸	۱۵۰۶۰۳۸	۴	۶۰۲۴۱۵۲	۱۹۲۵۸۸۸۰	۱۱/۰۱	+۱/۰۱
۶	۱۹۶۳۴۳۵	۷	۱۳۷۴۴۰۴۵	۱۲۸۵۴۵۲	۳	۳۸۵۶۳۵۶	۱۷۶۰۰۴۰۱	۱۰/۰۵	+۰/۰۵
۷	۱۸۸۸۳۹۰	۸	۱۵۱۰۷۱۲۰	۱۲۷۴۱۳۶	۲	۲۵۴۸۲۷۲	۱۷۶۵۵۳۹۲	۱۰/۱۰	+۰/۱۰
۸	۱۷۹۹۱۱۶	۹	۱۶۱۹۲۰۴۴	۱۲۴۵۶۹۱	۱	۱۲۴۵۶۹۱	۱۷۴۳۷۷۳۵	۹/۹۷	-۰/۰۳
۹	۱۶۱۳۹۹۸	۱۰	۱۶۱۳۹۹۸۰	۱۱۵۶۷۲۴	۰	۰	۱۶۱۳۹۹۸۰	۹/۲۳	-۰/۷۷
جمع	۲۰۸۷۲۰۵۶		۱۰۷۷۸۷۱۱۶	۱۴۰۰۰۳۹۹	-	۶۷۰۸۶۰۲۴	۱۷۴۸۷۳۱۴۰	۱۰۰	* ۲/۶۹

* شاخص مابرز برابر با حاصل جمع قدر مطلق انحرافات از ده درصد

به این ترتیب شاخص مایرز در مورد جمعیت مردان ایران در سرشماری ۱۳۷۵ محاسبه شده رقم ۲/۶۹ را نشان می‌دهد. از این مقدار و جدول شماره ۵ نتایج زیر به دست می‌آید: اولاً این مقدار بیانگر این واقعیت است که تمایل به گرد کردن سن در این سرشماری در میان مردان تقریباً ناچیز است، لذا در مجموع این آمارگیری دارای دقت قابل قبولی می‌باشد. ثانیاً بیشترین تمایل به گرد کردن سن در مورد سنهای منتهی به رقم ۵ یعنی سنین ۱۵، ۲۵، ۳۵، ۴۵، ۵۵، ۶۵ دیده شده است (۱۱/۰۱ با انحراف ۱/۰۱ از ده درصد) بعد از این سنین، گرایش به سنین منتهی به صفر یعنی ۱۰، ۲۰، ۳۰، ۴۰، ۵۰، ۶۰ قرار دارند. حاصل این آزمون با نتایج حاصل از شاخص ویپل هماهنگ است.

همچنین عدم تمایل به سنین منتهی به ۹ و ۱ نیز بیشتر از سایر سنین ملاحظه شده است. به این معنی که احتمالاً افرادی که سن آنها به ارقام ۹ و ۱ ختم می‌شوند، سن خود را گرد کرده و یکسال کمتر یا بیشتر اعلام کرده‌اند. مثلاً یک فرد ۲۱ ساله، سن خود را ۲۰ سال ابراز داشته یا یک فرد ۲۹ ساله، سن خود را ۳۰ سال اظهار کرده است. (سخن اخیر با پذیرش این فرض صادق خواهد بود که بپذیریم که جابجایی سنی در حد یک سال اتفاق افتاده باشد). از اینرو سنین ختم شده به یک و نه یعنی سنهای ۱۱، ۱۹، ۲۱، ۲۹ و...کمتر توسط پاسخگویان اظهار شده است.

با محاسبه شاخص مایرز برای زنان نیز، همچنانکه در جدول شماره ۶ ملاحظه می‌شود رقم ۲/۸۰ به دست آمده که ۰/۱۱ بیشتر از شاخص مایرز برای مردان می‌باشد. این رقم نشان می‌دهد که هرچند تمایل به گرد کردن سن در میان زنان ناچیز بوده است و بنابراین گزارش سن زنان در این سرشمای از دقت قابل قبولی برخوردار بوده ولی در مجموع تمایل زنان به گرد کردن سن خود بیشتر از مردان بوده است.

جدول شماره ۶ محاسبه شاخص مایرز برای جمعیت زن ایران در سرشماری ۱۳۷۵

رقم آخرسن	تعداد سنین معین							جمع سنین	جمع سنین
	۱۰-۱۹	۲۰-۲۹	۳۰-۳۹	۴۰-۴۹	۵۰-۵۹	۶۰-۶۹		۱۰-۵۹	۲۰-۶۹
(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)		(۸)	(۹)
۰	۹۲۴۱۶۶	۵۹۶۸۶۸	۴۴۶۳۷۱	۳۱۹۵۰۹	۱۹۲۱۷۲	۱۶۳۵۲۴		۲۴۷۹۰۸۶	۱۷۱۸۴۴۴
۱	۹۲۲۳۸۲	۵۴۲۱۲۹	۳۸۳۰۵۷	۲۸۵۰۶۹	۱۵۶۸۲۴	۱۱۵۸۹۳		۲۲۸۹۴۶۱	۱۴۸۲۹۷۲
۲	۹۲۵۱۳۲	۵۲۰۹۰۵	۳۸۸۳۵۲	۲۶۷۹۶۳	۱۵۳۳۰۲	۱۲۰۵۰۳		۲۲۵۵۶۵۴	۱۴۵۱۰۲۵
۳	۸۶۴۷۳۴	۵۱۱۰۰۷	۳۸۰۲۰۸	۲۶۲۵۷۹	۱۳۳۰۸۸	۱۱۹۵۶۳		۲۱۵۱۶۱۶	۱۴۰۶۴۴۵
۴	۸۲۱۷۸۹	۴۸۴۶۲۰	۳۶۹۳۵۸	۲۴۵۹۰۴	۱۲۵۰۷۱	۱۰۹۹۶۱		۲۰۴۶۷۴۲	۱۳۳۴۹۱۴
۵	۸۱۶۹۹۸	۵۲۹۴۶۸	۳۹۹۹۴۰	۲۵۸۲۶۳	۱۴۷۹۳۷	۱۳۵۴۳۹		۲۱۵۲۶۰۶	۱۴۷۱۰۴۷
۶	۷۵۹۲۲۹	۴۷۶۴۹۴	۳۵۲۴۴۳	۲۰۲۷۲۸	۱۲۵۶۶۶	۹۳۵۷۴		۱۹۱۶۵۶۰	۱۲۵۰۹۰۵
۷	۶۹۸۲۲۷	۴۶۹۴۹۰	۳۴۸۰۲۱	۲۰۲۵۶۶	۱۲۲۴۸۸	۹۰۲۸۳		۱۸۴۰۷۹۲	۱۲۳۲۸۴۸
۸	۶۶۰۸۴۹	۴۵۸۱۵۹	۳۴۲۱۹۵	۱۸۴۶۹۶	۱۲۶۱۷۱	۹۴۰۳۳		۱۷۷۲۰۷۰	۱۲۰۵۲۵۴
۹	۶۰۰۳۶۹	۴۰۹۷۰۹	۳۱۱۵۷۱	۱۷۴۶۲۹	۱۲۷۲۱۵	۸۵۸۵۵		۱۶۲۳۴۹۳	۱۱۰۸۹۷۹
جمع	۷۹۹۳۸۷۵	۴۹۹۸۸۴۹	۳۷۲۱۵۱۶	۲۴۰۳۹۰۶	۱۴۰۹۹۳۴	۱۱۲۸۶۲۸		۲۰۵۲۸۰۸۰	۱۳۶۶۲۸۳۳

ادامه جدول شماره ۶

رقم آخر سن	گروه سنی ۵۹-۱۰			گروه سنی ۶۹-۲۰			ترکیب سن	توزیع درصد	انحراف از ده درصد
	مجموع	ضریب	حاصلضرب (۲)×(۳)	مجموع	ضریب	حاصلضرب (۵)×(۶)	(۴)+(۷)		
(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)	(۸)	(۹)	(۱۰)
۰	۲۴۷۹۰۸۶	۱	۲۴۷۹۰۸۶	۱۷۱۸۴۴۴	۹	۱۵۴۶۵۹۹۶	۱۷۹۴۵۰۸۲	۱۰/۴۵	+۰/۴۵
۱	۲۲۸۹۴۶۱	۲	۴۵۷۸۹۲۲	۱۴۸۲۹۷۲	۸	۱۱۸۶۳۷۷۶	۱۶۴۴۲۶۹۸	۹/۵۷	-۰/۴۳
۲	۲۲۵۵۶۵۴	۳	۶۷۶۶۹۶۲	۱۴۵۱۰۲۵	۷	۱۰۱۵۷۱۷۵	۱۶۹۲۴۱۳۷	۹/۸۵	-۰/۱۵
۳	۲۱۵۱۶۱۶	۴	۸۶۰۶۴۶۴	۱۴۰۶۴۴۵	۶	۸۴۳۸۶۷۰	۱۷۰۴۵۱۳۴	۹/۹۲	-۰/۰۸
۴	۲۰۴۶۷۴۲	۵	۱۰۲۳۳۷۱۰	۱۳۳۴۹۱۴	۵	۶۶۷۴۵۷۰	۱۶۹۰۸۲۸۰	۹/۸۴	-۰/۱۶
۵	۲۱۵۲۶۰۶	۶	۱۲۹۱۵۶۳۶	۱۴۷۱۰۴۷	۴	۵۸۸۴۱۸۸	۱۸۷۹۹۸۲۴	۱۰/۹۵	+۰/۹۵
۶	۱۹۱۶۵۶۰	۷	۱۳۴۱۵۹۲۰	۱۲۵۰۹۰۵	۳	۳۷۵۲۷۱۵	۱۷۱۶۸۶۳۵	۹/۹۹	-۰/۰۱
۷	۱۸۴۰۷۹۲	۸	۱۴۷۲۶۳۳۶	۱۲۳۲۸۴۸	۲	۲۴۶۵۶۹۶	۱۷۱۹۲۰۳۲	۱۰/۰۰	۰
۸	۱۷۷۲۰۷۰	۹	۱۵۹۴۸۶۳۰	۱۲۰۵۲۵۴	۱	۱۲۰۵۲۵۴	۱۷۱۵۳۸۸۴	۹/۹۸	-۰/۰۲
۹	۱۶۲۳۴۹۳	۱۰	۱۶۲۳۴۹۳۰	۱۱۰۸۹۷۹	۰	۰	۱۶۲۳۴۹۳۰	۹/۴۵	-۰/۵۵
جمع	۲۰۵۲۸۰۸۰		۱۰۵۹۰۶۵۹۶	۱۳۶۶۲۸۳۳	-	۶۵۹۰۸۰۴۰	۱۷۱۸۱۴۶۳۶	۱۰۰	*۲/۸۰

* شاخص مایرز برابر با حاصل جمع قدر مطلق انحرافات از ده درصد

همچنانکه در جدول شماره ۶ دیده می‌شود در مورد زنان نیز بیشترین تمایل به گرد کردن سن، در سنین ختم شده به رقم ۵ یعنی سنهای ۱۵، ۲۵، ۳۵، ۴۵، ۵۵، ۶۵ وجود داشته است. (۱۰/۹۵ با انحراف ۰/۹۵ از ده درصد). همچنین تمایل به سنین منتهی به صفر یعنی ۱۰، ۲۰، ۳۰، ۴۰، ۵۰ و ۶۰ نیز در میان زنان (مانند مردان) ملاحظه می‌شود.

بهرحال در مقایسه شاخص مایرز مربوط به مردان و زنان ایران در سرشماری ۱۳۷۵ این نتایج به دست می‌آید: ۱- تمایل به گرد کردن سن هر چند بسیار کم در هر دو جنس وجود داشته است. این تمایل در میان هر دو جنس، بیشتر در سنین منتهی به رقم ۵ دیده شده است. ۲- تمایل مردان به سنین منتهی به صفر کمتر از زنان می‌باشد. ۳-تمایل به مردان به سنین منتهی به رقم ۵ بیشتر از زنان بوده است. ۴- عدم تمایل به اظهار سنین منتهی به ارقام ۱ و ۹ در هر دو جنس وجود داشته است اما در میان مردان بیشتر از زنان می‌باشد. ۵- در مجموع تمایل مردان به گرد کردن سن خود کمتر از زنان بوده است. ۶- در اظهار سن از سوی زنان دقیق‌ترین سنین سنهای منتهی به عدد ۷ می‌باشد که تفاضل از ده درصد در این گروه صفر می‌باشد در حالیکه این موضوع در مورد مردان مربوط به سنین منتهی به عدد ۴ بوده که تفاضل از ده درصد دراین گروه ۰/۰۲ می‌باشد.

مقایسه شاخص مایرز محاسبه شده برای مردان و زنان دراین سرشماری با سرشماریهای گذشته نشان می‌دهد که این شاخص از ۶۲/۴ برای مردان و ۷۲/۸ برای زنان در سال ۱۳۳۵ در طی چهار سرشماری ۴۶ درصد برای دو جنس کاهش داشته است. شاخص مایرز در سرشماری ۱۳۴۵ برای مردان و زنان به ترتیب ۳۷/۳۹ و ۵۱/۶۴ محاسبه شده است.[۱] این نتایج نیز نشان می‌دهند که دقت در گزارش سن کم‌کم بهتر و تمایل به سر راست کردن کمتر شده است.

در نمودار شماره ۱، نتایج حاصل از این شاخص در مورد هر دو جنس نمایش داده شده است.

۱- شاخص مایرز در سرشماری ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ از این منبع اخذ شده: امین‌زاده، ۱۳۴۹، ص ۱۷۳

نمودار شماره -۱ شاخص مایرز به تفکیک جنس و سنین منتهی به ارقام صفر تا ۹ سالگی در سرشماری ۱۳۷۵

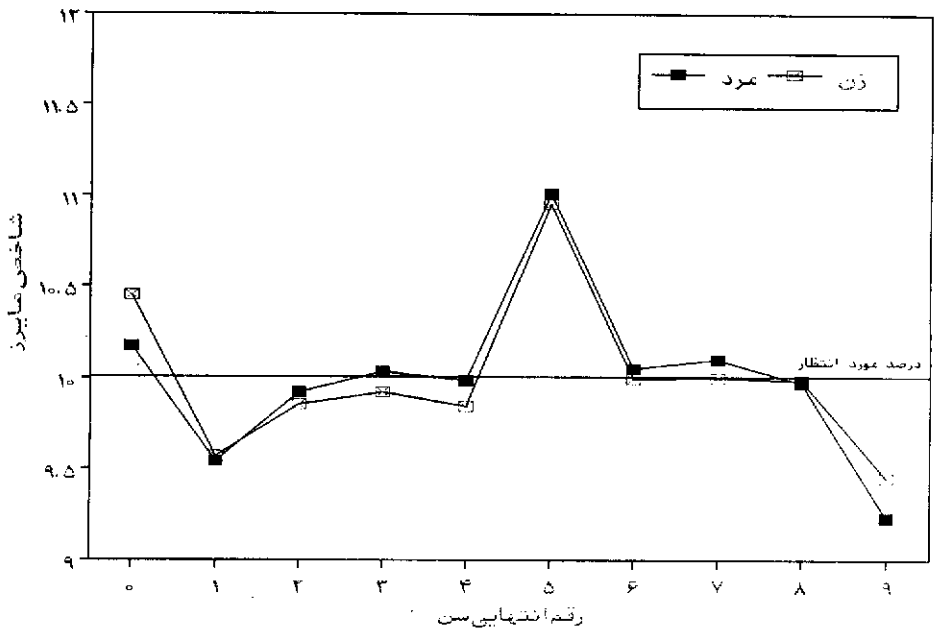

آنچه که از مجموعه نوشته حاضر استنباط می‌شود این است که ارزیابی دقت گزارش سن به کمک آزمونهای ویپل و مایرز در مورد سرشماری ۱۳۷۵ مبّین این واقعیت است که این سرشماری صرف نظر از اشکالات احتمالی دیگری که بر آن وارد است در مجموع از حیث شاخص رجحان سنی مورد مطالعه در حد خوب و قابل قبولی می‌باشد. هر دو شاخص محاسبه شده در این نوشته تمایل کمی به گرد کردن سن و اظهار سنین منتهی به ارقام صفر و ۵ از سوی زنان و مردان شمارش شده در این سرشماری را نشان می‌دهد. همچنین در مقایسه با سرشماریهای قبلی اختلالات کمتری داشته و بطور کلی نسبت به گذشته به مرور از میزان خطا در گزارش سن کاسته شده است.

منابع:

۱- امین‌زاده، فرخ؛ جمعیت‌شناسی، جلد اول، تهران، ابوریحان، ۱۳۴۹

۲- بولارد، ا.اچ؛ و دیگران؛ روشهای تحلیل جمعیت، ترجمه هما آقا و دیگران، شیراز، مرکز جمعیت‌شناسی، ۱۳۶۵

۳- سرایی، حسن؛ در باره مناسبت شاخص ویپل برای ارزیابی کیفیت آمارها در سرشماریهای عمومی جمعیت ایران، تهران، فصلنامه جمعیت، شماره ۱۳ و ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۴

۴- منصورفر، کریم؛ روشهای ارزیابی کیفیت آمارهای اساسی مربوط به برآوردهای جمعیتی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵

۵- میرزایی، محمد؛ ارزیابی سرشماری ۱۳۶۵ براساس شاخصهای سنی و جنسی، تهران، نامه علوم اجتماعی، دوره جدید، شماره ۲، بهار ۱۳۶۸

۶- میرزایی، محمد؛ ضمیمه درس کاربرد جمعیت‌شناسی، تهران، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۷۲

۷- مرکز آمار ایران؛ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، نتایج تفصیلی کل کشور، تهران، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶

جمهوری تاجیکستان

بیان آماری

دکتر لقمان بایمت‌اف*
ترجمه کیوان لؤلؤئی

مقدمه:

بدون تردید تمامی تغییر و تحولاتی که با سرعت شگفت در جهان امروز شاهد آن می‌باشیم ناشی از پژوهشها و تحقیقاتی است که متخصصان علم‌وفن انجام می‌دهند. از طرف دیگر، هر یافته‌ای که از تحقیق و پژوهش منتج می‌شود، بدون بهره‌گیری از روشهای آماری و شاخصهای این علم ارزشی نداشته و قابل تعمیم و استناد نیست.

آری دانش آماری، ارتباطات متقابل ابعاد مقداری پدیده‌های اجتماعی را در ارتباط با تغییرات کمّی و کیفی آنها مورد توجه قرار می‌دهد. به عبارتی، نقش اساسی این دانش تعیین ابعاد مقداری نیروهای تولیدکننده، مناسبات مربوطه، فرهنگ وتمدن و حوادث مختلف اجتماعی می‌باشد و لذا، اطلاعاتی که از طریق دانش آماری حاصل می‌شود، بی‌شک بخش مهمی از پایه‌های بنیادی تمام علوم انسانی و اجتماعی را تشکیل می‌دهد و

---

* (آکادمی علوم تاجیکستان)

هم اکنون نیز با تحولات شگرف و پیچیدهٔ اجتماعی، بدون در نظر گرفتن این دانش، پیشرفت و رونق، نه تنها در زمینهٔ علوم انسانی، بلکه در کلّ عرصه‌های اجتماعی ناممکن می‌شود و در حقیقت شاهدیم که بدون آمارگیری هیچ‌یک از مسائل جامعه به طور صحیح و علمی ارزیابی و حل‌وفصل نخواهد شد. زیرا امروزه نیاز علم به دانش آماری پیوسته و دائمی شده است. در حال حاضر، آمارگیری و تکمیل اصول تحقیقی آن برای کشورها و جوامع درحال توسعه بسیار ضروری‌ست. در این میان از انواع مختلف آمارگیری، آمارهای حیاتی (آمارگیری دموگرافی) نقش، اهمیت و جایگاه خاصی در میان کشورهای جهان داشته و ثبت رویدادهای حیاتی اعم از: تعداد جمعیت، ترکیب جمعیت، جنسیت، وضع خانوادگی، شغل، درجه معلومات و حرکات طبیعی جمعیت (تولد، مرگ، بیماری، طول حیات و...) کاربردهای اجتماعی ـ اقتصادی عدیده‌ای پیدا کرده و ابعاد استفاده از آمارهای حیاتی در افزایش دقت پیش‌بینیهای جمعیتی و تأثیر تحولات آن بر منابع کشورها از نکات قابل توجه در مباحث جمعیت، توسعه و آثار متقابل آن می‌باشد.

در این مقاله، به اختصار خصوصیات و ویژگیهای جمعیتی تاجیکستان مورد بحث و ارزیابی قرار می‌گیرد.

نقشه تاجیکستان

۱- موقعیت جغرافیایی:

جمهوری تاجیکستان با ۱۴۳۱۰۰ کیلومتر مربع مساحت «منطقه خودمختار بدخشان را نیز شامل می‌شود و ۵۹۹۵۴۶۹ نفر جمعیت (مربوط به مرداد ماه ۱۳۷۳ هـ ش/ ۱۹۹۴.م)» یکی از پنج جمهوری آسیای مرکزی می‌باشد. پایتخت آن شهر دوشنبه است. کشوری است کوهستانی در جنوب شرقی آسیای مرکزی و همسایگان‌اش عبارتند از: در شمال، قرقیزستان و ازبکستان ـ در غرب، ازبکستان در شرق، چین و در جنوب، افغانستان. مرز مشترک تاجیکستان با قرقیزستان ۸۷۰ کیلومتر، با ازبکستان ۱۱۶۱ کیلومتر، با چین ۴۱۴ کیلومتر و با افغانستان ۱۲۰۶ کیلومتر می‌باشد. کشور تاجیکستان در میان دو رشته کوه «تین‌شان» ـ که تا چین ادامه پیدا می‌کند ـ و «پامیر» ـ که تا افغانستان ادامه دارد ـ واقع شده است. تاجیکستان دارای چهار استان یا ولایت به نام‌های: خجند، کولاب، غرقان تپه و ولایت خودمختار بدخشان کوهی و ۴۴ ناحیه دیگر است. ایالت خود مختار بدخشان در شرق تاجیکستان در ارتفاعات پامیر واقع شده است و مساحت آن ۶۴۰۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد و ۴۴ درصد خاک تاجیکستان را در برمی‌گیرد و مرکز آن شهر خاروغ است. درهٔ حاصلخیز تاجیکستان، فرغانه در شمال و درهٔ وخش در جنوب غربی آن واقع هستند.

۲- عوارض طبیعی:

تاجیکستان کشوری‌ژ کوهستانی و زلزله‌خیز است. ۹۳ درصد آن را کوههای مرتفع پوشانده است. نیمی از این سرزمین ۳۰۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. به علت کوهستانی بودن آب و هوای آن در ارتفاعات و مناطق پست متفاوت می‌باشد. زمستانها کوتاه و سرد و تابستانها گرم و مرطوب هستند. درجه حرارت متوسط در مناطق پست شمال مانند خجند در زمستان ۹ درجه سانتیگراد و در تابستان ۲۷/۴ درجه سانتیگراد می‌باشد. در مناطق پست جنوب تفاوت درجه حرارت بیشتر است. میزان بارندگی دره‌ها بسیار کم است (۱۵۰ تا ۲۵۰ میلیمتر در سال). در مناطق کوهستانی درجهٔ برودت در جاهائی به ۴۵- تا ۶۰- درجهٔ سانتیگراد می‌رسد. مثلاً، در «مرغاب»، در کوههای جنوب

شرقی ایالت بدخشان درجه برودت متوسط در دی ماه به ۱۹/۶- درجهٔ سانتیگراد می‌رسد. میزان بارندگی سالیانه در مناطق مرتفع ۶۰ تا ۸۰ میلیمتر در سال است. برف و یخبندان چند ماهی از سال قسمتهائی از کشور را غیرقابل دسترس می‌کند.

۳- مهاجرت:

مهاجرت نقش بسیار کوچکی در رشد جمعیت در آسیای مرکزی به طور اعم و تاجیکستان به‌طور اخص بازی می‌کند. مهاجرت از خارج به تاجیکستان همیشه کم بوده و درحال حاضر وجود ندارد. مهاجرت بیشتر از تاجیکستان به کشورهای دیگر بوده و بیشتر افرادی که از تاجیکستان مهاجرت کرده‌اند به جمهوری‌های مجاور رفته‌اند.

برای توجیه این مهاجرتها دلایل متعددی آورده‌اند: بیم از دست دادن تابعیت روسی و یا فرار از جنگ و ناامنیهای داخلی و امید به آیندهٔ اقتصادی روشنتر در روسیه اروپائی. با توجه به اینکه، روسهای مقیم تاجیکستان دارای تحصیلات عالی بوده و در صنایع مختلف و پستهای حساس اقتصادی مشغول به کار بوده‌اند، در صورت مهاجرت آنها این جمهوری دچار مشکل خواهد شد. البته مهاجرت روسها به روسیه نیز برای آن کشور مشکل و مسأله‌ساز است.

مهاجرت از جمهوری تاجیکستان بخصوص در سالهای جنگ داخلی (۱۹۹۷-۱۹۹۲) وسعت یافت. (ر.ک جدول شمارهٔ (۱)

تعداد کل مهاجران در سالهای جنگ و بازگشت آنها (تا سال ۱۹۹۷ م)

	ترک‌کنندگان	بازگشت‌کنندگان	تعداد کل
	۱۶/۸۰۰	۶۸۰/۸۵۳	۶۹۷/۶۵۳
به دولتهای مشترک‌المنافع	۱۸۶/۷۰۲	۹/۱۸۱	۱۹۵/۸۸۳
به افغانستان	۱۹/۰۱۹	۴۰/۹۸۱	۶۰/۰۰۰

(منبع: آژانس آمارگیری دولتی)

۴- جمعیت، ترکیب و پراکندگی آن:

جمعیت تاجیکستان در سال ۱۹۹۱ م، ۵۳۵۷۰۰۰ نفر بوده و در ماه ژنو سال ۱۹۹۷م به ۵۹۶۹۷۰۰۰ نفر رسیده است. یعنی، نسبت به سال ۱۹۹۵ م، ۱/۶ درصد افزایش داشته است. نرخ رشدی معادل ۲/۹ درصد که بالاترین نرخ رشد در آسیای مرکزی می‌باشد. در سالهای ۳-۱۹۹۲ م بعلت جنگهای داخلی عدهٔ زیادی کشته شده‌اند که تعداد آنها را ۲۰ تا ۵۰ هزار نفر تخمین می‌زنند. در مرداد سال ۱۳۷۳ هـ ش جمعیت تاجیکستان را ۵۹۹۵۴۶۹ نفر تخمین زده‌اند و نرخ رشد برای هر ۱۰۰۰ نفر ۳۴۷۹ تولد می‌باشد. پراکندگی جمعیت در هر کیلومتر مربع در سال ۱۹۹۱ م، ۳۶/۴ نفر می‌باشد. ایالت خودمختار بدخشان دارای ۱۷۰۰۰۰ نفر جمعیت برای مساحتی بالغ بر ۶۴۰۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد و پراکندگی آن ۳ نفر در هر کیلومتر مربع است. ۶۷ درصد جمعیت تاجیکستان در روستاها زندگی می‌کنند و تنها ۳۳ درصد انها شهرنشین هستند. روسها تماماً در شهرها به‌سر می‌برند.

درصد افراد در سن کار، بین سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۷ م در تاجیکستان ۳/۸ درصد رشد داشته است. تاجیکها در سایر جمهوریهای آسیای مرکزی نیز زندگی می‌کنند. درصد تاجیکها نسبت به جمعیت هر یک از جمهوریها در جمهوری تاجیکستان ۵۸/۸ و ازبکستان ۳/۹ و قرقیزستان ۰/۷ می‌باشد. حدود دو میلیون نفر تاجیک در افغانستان و تعدادی نیز در چین و پاکستان سکونت دارند.

۵- شهرهای مهم:

- دوشنبه

در تاجیکستان ۱۸ شهر و ۴۹ شهرک وجود دارد. پایتخت این جمهوری شهر دوشنبه (این شهر بین سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۶۱ م استالین آباد خوانده می‌شد) است. که در غرب کشور در میان دره‌ای واقع شده است. از نظر تاریخی سابقهٔ نام دوشنبه به سبب تشکیل «دوشنبه بازار» در قدیم در این محل بوده. جمعیت آن در سال ۱۹۹۰ م، ۶۰۲۰۰۰ نفر بوده است. شهر دوشنبه در وادی حصار و در ارتفاع ۷۵۰ تا ۹۳۰ متر از سطح دریا

واقع شده و به ۴ ناحیهٔ راه‌آهن، مرکزی، اکتبر و فرونزه تقسیم می‌شود و مساحت آن ۱۲۵ کیلومتر مربع است.

- خجند

دومین شهر تاجیکستان از لحاظ جمعیت، شهر خجند (لنین‌آباد سابق) در شمال این کشور می‌باشد که نزدیک ناحیه فرغانه قرار گرفته است. این شهر از شهرهای باستانی ماوراالنهر به شمار می‌آید. جمعیتش‌اش بیش از ۱۶۳۰۰۰ نفر است.

مراکز مهم منطقه‌ای، شهرهای قورغان‌تپه و کولاب در جنوب دوشنبه و خاروق در مرز غربی ایالت بدخشان با افغانستان هستند. شهرهای کان‌بادام، اسفره، اوراتپه، پنجکنت، غفوراف، ترسون‌زارد، حصار، نارک و... از شهرهای دومین درجهٔ جمهوری تاجیکستان محسوب می‌شوند.

۶- رشد جمعیت:

در سال ۱۹۹۴ م نرخ تولّد به‌ازای هر ۱۰۰۰ نفر، ۴۴/۷۹ تولد می‌باشد و نرخ مرگ‌ومیر در همان سال ۶/۷۱ نفر به‌ازای هر ۱۰۰۰ نفر بوده. تاجیکستان بالاترین نرخ رشد جمعیت را در شوروی سابق داشت. درصد رشد جمعیت روستائی در مناطق مختلف تاجیکستان در نمودار ذیل (ش ۲) نشان داده شده است.

جدول شماره (۲) درصد رشد جمعیت روستائی مناطق مختلف

	۱۹۵۹-۷۰	۱۹۷۰-۹	۱۹۷۹-۸۷
ایالت بدخشان	۲/۵	۲/۶	۲/۲
کولاب	۱/۹	۳/۵	۳/۳
قرغان‌تپه	۳	۴/۲	۳/۴
خجند (لنین‌آباد)	۳	۲/۹	۳/۱

جدول شماره (۳) مقایسه رشد جمعیت شهری و روستائی

جمعیت شهری	درصد رشد ۸۷-۱۹۷۹	جمعیت روستایی	درصد رشد ۸۷-۱۹۷۹
۱۳۲۵۱۹۷۹	۲/۴۰	۲۴۷۶	۳/۳۰
۱۶۰۳۱۹۸۷		۳۲۰۴	

جدول شماره ۴ رشد جمعیت در سال ۱۹۹۶ (در هزار)

	دوشنبه	نواحی‌مرکزی جمهوری	بدخشان کوهی	ولایت ختلان	ولایت خجند(لنین‌آباد)	رشد کلی	رشد درصد
تولد	۶/۵	۲۶/۸	۳/۰	۴۶/۱	۴۹/۱	۱۳۱/۵	۲/۲
مرگ	۳/۹	۴/۹	۱/۰	۱۰/۹	۱۱/۰	۳۱/۴	۰/۵
رشد طبیعی	۲/۶	۲۱/۹	۲/۰	۳۵/۶	۳۸/۱	۹۹/۸	۱/۶
رشد مهاجرت	-۴/۳	-۳/۳	۰/۳	-۴/۸	-۱۴/۵	-۲۶/۶	-۰/۵

(منبع: آژانس آمارگیری دولتی)

نمودار شماره ۱ ترکیب ملی جمهوری تاجیکستان

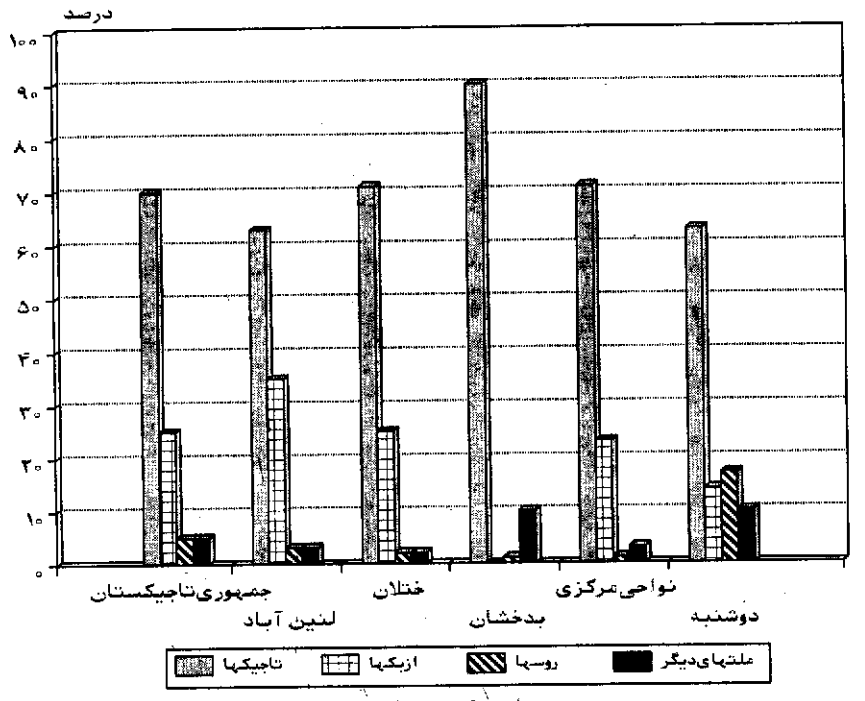

ماخذ : آژانس آمارگیری‌دولتی

بر اثر جنگ داخلی در سال ۱۹۹۵ م، ۴۵۳۹۶ نفر ترک وطن کردند که از میان آنها: روسها ۴۴ درصد، تاجیکها ۱۴/۱ درصد، ازبکها ۱۲/۰ درصد، تاتار و دیگر ملتها ۱۱/۷ درصد و در خود همان سال تنها ۵۴۷۲ نفر آنها به تاجیکستان بازگشتند و ۳۹۹۲۴ نفرشان بازنگشتند.

بعد از جنگ داخلی ترکیب قومی و ملی جمهوری تاجیکستان جداً تغییر یافت (ر. ک نمودار شمارهٔ ۶) این نموار نشان می‌دهد که در جمهوری تاجیکستان هیچ‌وقت مهاجرت ملتها و قومها اینگونه وسعت نیافته بوده است.

جدول شماره (۵)

شغل در سال ۱۹۹۵		
شغل در مؤسسه‌های دولتی	۸۷۵/۳ هزار نفر	۴۳/۲ درصد
شغل در مؤسسه‌های خصوصی	۶۴۰/۳ هزار نفر	۵۶/۸ درصد
شغل در مؤسسه‌های مختلط	۵۹۰/۹ هزار نفر	۳۱ درصد

(منبع: آژانس آمارگیری دولتی)

جدول شماره ۶ شغل و بیکاری (در هزار)

	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶
بیکاری	۲۷۴۶/۳	۲۸۱۰/۸	۲۸۴۱/۴
شهروندان فعال دراقتصاد	۱۸۷۱/۸	۱۸۹۰/۰	۱۸۶۳/۸
● شغل در اقتصادی ملی	۱۸۴۴/۲	۱۸۵۲/۵	۱۸۱۸/۱
●بیکاری	۲۷/۶	۳۷/۵	۴۵/۷
شهروندان غیرفعال	۸۷۴/۵	۹۲۰/۸	۹۷۷/۶
●دانشجویان	۲۰۴/۰	۱۹۹/۴	۲۰۲/۰
●قشرمختلف	۶۷۰/۵	۷۲۱/۴	۷۷۵/۶

(منبع: آژانس آمارگیری دولتی)

جدول شماره ۷

شغل	جمع	درصد	ولایت لنین‌آباد	ولایت ختلان	ولایت‌بدخشان کوهی	نواحی‌های مرکزی	شهر دوشنبه
ملت	۱۰۴۳/۳	۱۰۰	۳۵۴/۷	۳۷۱/۳	۳۸/۴	۱۴۷/۸	۱۳۱/۱
اقتصاد							
صنعت	۱۲۰/۲	۱۱/۵	۴۹/۳	۱۹/۹	۱/۳	۲۰/۰	۲۹/۷
کشاورزی	۴۲۴/۸	۴۰/۷	۱۴۶/۶	۲۰۶/۶	۱۴/۸	۵۵/۸	۱/۰
جنگل	۱/۹	۰/۰۲	۸/۴	۱/۳	۰/۱	۰/۴	-
حمل‌ونقل	۵۲/۴	۵/۰	۱۱/۰	۹/۷	۲/۷	۹/۱	۲۰/۵
ارتباط							
ساختار	۵۱/۸	۵/۰	۱۴/۶	۲۰/۳	۱/۵	۶/۷	۸/۷
تجارت	۴۵/۴	۴/۵	۱۵/۷	۱۵/۳	۱/۱	۴/۷	۸/۶
اطلاعات	۰/۸	۰/۰۱	۰/۲	۰/۱	-	-	۰/۵
زمین‌شناسی	۲/۲	۰/۰۲	۱/۰	-	-	۱/۰	۰/۲
خدمت روزانه	۱۷/۳	۱/۶۶	۵/۷	۵/۰	۰/۳	۱/۱	۵/۲
تندرستی	۷۸/۶	۷/۵	۲۷/۷	۲۳/۶	۳/۵	۱۰/۳	۱۳/۵
معلومات	۱۵۸/۹	۱۵/۲	۵۲/۰	۵۱	۱۰/۰	۲۹/۵	۱۶/۰
فرهنگ	۱۳/۶	۱/۳	۴/۵	۳/۳	۱/۴	۰/۴	۴/۰
علم	۶/۵	۰/۶	۰/۳	۰/۲	۰/۲	۱/۴	۴/۴
اعتبار	۵/۶	۰/۰۵	۱/۸	۲/۰	۰/۳	۰/۹	۰/۶
مدیریت	۲۰/۳	۱/۹	۵/۶	۵/۲	۱/۲	۲/۲	۶/۱
شرکتهای خصوصی	۳۲/۸	۳/۱	۱۸/۴	۲/۶	-	۳/۱	۸/۷

(منبع: آژانس آمارگیری دولتی)

تا اول ماه ژنو سال ۱۹۹۷ م، ۸۲۹ هزار نفر برای دریافت کار مراجعه کرده‌اند و تعداد درخواست‌کنندگان کار در سال ۱۹۹۶ م، ۷۸۴ هزار نفر بودند. یعنی در مدت یک سال تعداد درخواست‌کنندگان ۴۵ هزار نفر افزایش داشته است.

کتاب‌شناسی (مآخذ)

1. *Annual report of the Reproductive Health Centre, 1996*
2. *Academy of Sciences. Survival and SHD, Materials of the seminar. Dushanbe, 1996*
3. *Association "Women scientists of Tajikistan", Periodical N1,1996*
4. *Banuri T.Sustainable Human Development. From concept to operation: A Guide for the Practitioner. UNDP,NY*
5. *CARE - International in Tajikistan. TVGAP Household Food Security Survey. 1995-1996*
6. *Constitution of the Republic of Tajikistan. Dushanbe,1995*
7. *Centre for Rehabilitation of Harassed women. Report, 1996*
8. *Frye R, The Heritage of Central Asia, Princeton, USA, 1996*
9. *Gafurov B.G. History of the Tajik nation. Volume I_III Moscow:"Nauka", 1963-65*
10. *Gafurov B.G. Tajiks. Ancient and medieval history, Moscow:"Nauke",1972*
11. *Global Human Development Report. UNDP,1996*
12. *Gomart E. Tajikistan Pilot Poverty Alleviation Project. World Bank,1994*
13. *Imomov A.I.Sovereignty of the nation of the Republic of Tajikistan. State and Law. Dushanbe, 1996 N1 (in Tajik)*
14. *Kaufman R. Annual report of the Market Survey. Save the Children, USA, 1996*
15. *Masov R.M.Tajiks: History "Confidential". Dushanbe, 1995*
16. *Materials of Aid Coordination Unit, UNDP -Tajikistan*
17. *Ministry of Environment. State of the environment in the Republic of Tajikistan in 1992-1994, National report. Dushanbe, 1996*
18. *Mahmadov A.N.Tajikistan: Regulation of non - traditional situation with traditional methods. Regulation of conflict and spirit of civil society. Washington - Moscow,1997*

19. Mahbub ul - Haq. Reflection on Human Development. Oxford University Press, N.Y.1995

20. Masov R. The History of National Catastrophe. University of Minnessota, 1996

21. National Program of HIV/AIDS Prophylactics for 1996-1998

22. Negmatov N.N.State of Samanids. Dushanbe "Donish", 1997

23. New Laws of the Republic of Tajikistan. Issue 5-8. Dushanbe, 1994-1996

24. ORA - International. Survey on Internats. Dushanbe, 1997

25. Press - Kits of the Global Human Development Report, UNDP,N.Y.1996,1997

26. Rakhmonov E.Sh.Tajiks in the mirrow of history. Dushanbe, 1996

27. Republic of Tajikistan. Laws, Decrees, Resolutions for 1991-1996

28. State Statistical Agency. Social and economic situation in the Republic of Tajikistan in 1996. Dushanbe, 1997

29. State Statistical Agency. Main indicators of the national economy of the Republic of Tajikistan for 1996 and I quarter of 1997.

30. State statistical Agency. Regional Statistical collection of the Republic of Tajikistan for 1991-1995

31. Sustainable Human Development. Concepts and priorities. Occasional papers N8, NHDR Office, UNDP,N.Y.

32. Tajikistan. A country in transition. World Bank. 1996

33. Tajikistan. National Human Development Report, UNDP, 1996

34. Wustefeld M. Nutrition Survey. GAA, 1996

Yakubova Z.Kh. Ecology, clinical pathology of thyroid of children." Women scientists in Tajikistan", 1996

ایران بزرگترین صادرکننده در جهان

دکتر خسرو مرآت

در نخستین سالهای به سلطنت رسیدن شاه عباس صفوی، وضع اقتصادی ایران بسیار بحرانی بود. دولت مرکزی قدرت پرداخت حقوق سربازان و مأموران خود را نداشت. خزانه دولت خالی و در بیشتر مواقع شمال کشور مورد هجوم و چپاول بود همزمان دولت عثمانی نیز مناطق وسیعی از آذربایجان را که یکی از قطب‌های اقتصادی مهم مملکت بود قریب بیست سال در اشغال داشت که وقایع سبب از بین رفتن نظم امور و ایجاد هرج و مرج در کشور شده بود. از جمله اقدامات مهم دولت مرکزی، انتقال صنایع دستی کشور به شهرهای مهم مانند اصفهان، شیراز، مشهد و کاشان بود. مواد اولیه این صنایع را حکومت در اختیار صنعتگران قرار میداد و کارگاههای تولید آنها کلاً متعلق به شخص شاه بود. طرح‌های مورد استفاده در این صنایع به وسیله افراد برجسته زمان تهیه و تنظیم می‌گردید. و کشورهایی مانند اتریش، دولت عثمانی و فرانسه از مشتریان عمده این تولیدات بودند. از آنجائیکه این مصنوعات بیشتر مواد مصرفی بودند، در حال حاضر تعداد زیادی از آنها باقی نمانده است. با وجود این در موزه‌های جهان بخصوص روسیه، اطریش و موزه فرش ایران نمونه‌هایی از این آثار نگهداری می‌شود که مشتمل بر پارچه، لباس، چینی‌آلات می‌باشند. شایان ذکر است که در این زمان با تشویق

حکومت، قالی‌بافی از سطح یک صنعت عادی تا حد هنرهای ظریفه ارتقاء یافت. همزمان قوانین و مقررات خاصی برای کنترل کیفیت صادرات اینگونه مصنوعات وضع گردید که بی‌تردید ایران اولین کشور کنترل‌کننده مرزی صادرات در این زمینه می‌باشد. طرح‌های تولیدی آن زمان سرآمد دوران خود بوده است و هنوز هم پس از گذشت قرن‌ها متقاضیان و طرفداران بیشماری در میان مردم جهان دارد. همچنین طرح‌های شهرسازی اصفهان که در آنزمان در جهان کم‌نظیر بود در نقاط دیگر مملکت نیز رواج داشت. نمونه بعضی از این آثار و بناها هنوز هم در اصفهان موجود است و نشان از پیشرفت زمان خود دارد. این امر سبب گردید که ساختمانهای موجود در کشورهای اطراف نیز وسیله ایرانیان طراحی گردد. اینگونه طراحی‌ها برای انجام امور تجاری کاروانسراها در بیشتر نقاط مملکت رواج یافت چرا که کار داد و ستد را آسان میکرد.

در آن زمان پول رایج ایران نیز در تمام کشورهای اطراف مورد داد و ستد بوده است. علاوه بر موارد فوق طبق گفته شاردان فرانسوی ایرانیان مواد غذائی و گوسفند به کشورهای همسایه صادر می‌کردند وی در مواقع ورود به ایران گله‌های بزرگی از گوسفند مشاهده کرده است. واردات کشور ایران فولاد بوده است که برای ساخت شمشیر از آن استفاده می‌کردند. همچنین قهوه و اسب نیز از افریقا وارد می‌گردید.

پس از اینکه وضع مالی دولت در زمان شاه‌عباس صفوی کمی بهتر گردید مشارالیه اقدام به ایجاد هنگ‌های نظامی نمود که با اشاره وی به هر مأموریتی که لازم بود حرکت می‌کردند و به جز وی به هیچکس وفادار نبودند. متعاقباً هنگ‌های جدیدی ایجاد شد که مرکب از سواره‌نظام مسلح به تفنگ و سلاح‌های معمولی آن زمان بود و تعداد آنها قریب ۱۰۰ تا ۱۵۰/۰۰۰ نفر تخمین زده شده است. علاوه براین شاه‌عباس لشگری از تفنگداران ایجاد کرد که عمدتاً از افراد ایرانی تشکیل می‌گردید. این تفنگچیان ابتداً قرار بود جزو پیاده‌نظام باشند ولی رفته‌رفته به آنها اسب داده شد که از این طریق لشکر سواره‌نظام و توپخانه بوجود آمد، هریک از این لشگرها شامل دوازده هزار تن بود و بالاخره در آخر، قراولان سلطنتی نیز به ۳۰۰ تن افزایش پیدا کرد. این قراولان همیشه از میان غلامان انتخاب میشدند که این امر نشان دیگری از بی‌اعتمادی حکومت به قزلباش‌ها می‌باشد. به

این ترتیب یک آرتش دائمی در حدود ۴۰/۰۰۰ نفر تحت فرمان قرار داشت.
ایرانیان در آن زمان با سیاست، درایت و کاردانی و لشگرکشی‌های فراوان توانستند خاک از دست رفته را در قسمت‌های شمال و شمال شرقی ایران به مام میهن بازگردانند. بعنوان یک ابتکار، شاه‌عباس وانمود به قصد شکار در مازندران نمود چه او به مازندران بسیار علاقمند بود اما این بار به جای مازندران همراه قشون به سوی آذربایجان و تبریز رفت و خاک آذربایجان را پس از ۲۰ سال از دولت عثمانی پس گرفت.

در دوره شاه‌عباس اول حدوداً تعداد ۱۵ هزار نفر بکارهای قالی‌بافی و ۶ هزار نفر در کار نقش قالی مشغول بوده‌اند.

لازم به ذکر است که در این زمان حدود نصف جمعیت کشور ایران در زمینه جاده‌سازی، ساختمان، پل و تولید فرش و پارچه با دولت همکاری می‌نموده‌اند. چینی‌آلات ایران نیز با تولید ظروف چینی در کشور چین برابری می‌نمود. پارچهٔ ابریشم عصر صفوی چندگونه بوده است: حریر ساده، ابریشم زربافت و مخمل ابریشمی که در تن‌پوش امراء، درباریان و اعیان و اشراف در داخل و خارج از کشور بکار میرفته است.

تولیدات کشور در آن زمان بیشترتولیدات مصرفی بوده و در زمان حاضر آثار کمی از آنها باقی مانده است.

جهانگردان فرنگی که در آن زمان از ایران دیدن کرده‌اند گفته‌اند که، با وجود وضع مالیات‌های سنگین از طرف نماینده دولت به کشاورزان، شرایط معیشتی آنها خوب می‌نمود و بیشتر آنها دارای زیورآلات طلا بوده‌اند. از جاده ابریشم نیز در آن زمان مالیات گرفته میشد که به خزانه دولت واریز می‌گردید. در همین زمان بود که ارامنه به اصفهان کوچ داده و در جلفای اصفهان مستقر گردیدند. در آن دوره اروپائیان به دربار اصفهان آمد و شد می‌کردند و نمایندگانی از فرقه‌های غیرمسلمان در دولت مرکزی ایران در اصفهان وجود داشت. بعد از لشگرکشی به خراسان پایتخت از قزوین به اصفهان منتقل شد و اصفهان در سال ۱۰۰۶ هجری قمری بعنوان پایتخت ایران تعیین گردید. در کنار این شهر قدیمی، شهر جدیدی بنا گردید و با این کار خلاقیت ایرانیان در

زمینه‌های معماری و شهرسازی نیز نمایان و مورد تحسین جهانیان قرار گرفت. در این راستا مسجد شیخ‌لطف‌الله در اصفهان یکی از شاهکارهای معماری جهان محسوب می‌شود.

جمعیت ایران در آن زمان حدود ۴۵ میلیون نفر تخمین زده شده است که از این تعداد دو میلیون شهرنشین و بقیه به کار کشاورزی، دامداری مشغول بوده‌اند و عشایر نیز به ییلاق و قشلاق می‌پرداختند.

منابع:

ـ جغرافیای تاریخی شهرها، انتشارات مدرسه ۱۳۷۰

ـ بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، تنظیم عزت‌الله مشکونی

ـ مجله میراث فرهنگی، شماره ۱۰ و ۱۱، پائیز و زمستان ۱۳۷۲

ـ کتاب ایران عصر صفوی، راجر سیدری، ترجمه کامبیز عزیزی

ـ فصلنامه جمعیت علمی و پژوهشی، سال دوم شماره اول

منابع فرانسه:

1- Thomson, 1867 La Perse Sa Population Son Commerce, Paris.

2- Tavernier, Jen Bapitis E, (1606_1689).

3- A Lmanach Gotha, 1898.

4- Voyceye, Chenvaller Chardin, 1811, Voyceye, Chenvaller Chardin, En Perse Et Autres Lieux De L'orient.

5- A.M. Jeurdan, 1819, La Perse Au Tableau, Paris.

معرفی و نقد کتاب

ازدواجهای فامیلی و بیماریهای ژنتیکی کودکان

دکتر علی‌اصغر سروری

چاپ اول ۳۰۰۰ جلد

انتشارات دانشکدهٔ علوم پزشکی اصفهان و انتشارات نوین سپاهان

نویسنده: احمد کتابی

ازدواجهای فامیلی و بیماریهای ژنتیکی کودکان عنوان کتاب بسیار جامع و آموزنده‌ایست که توسط **دکتر علی‌اصغر سروری** ـ عضو هیأت علمی و مدیر گروه ژنتیک دانشکدهٔ پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ـ در باب ازدواج‌های فامیلی (همخون) و پیآمدهای آن به رشته تحریر در آمده و در اصفهان به زیور طبع آراسته شده است.

از آنجا که ازدواجهای فامیلی ـ با توجه به عواقب وخیم ژنتیکی آنها بر نسل‌های آینده و نیز بعضی آثار نامطلوب اجتماعی و فرهنگی مترتب بر آنها ـ از جملهٔ مشکلات اساسی و مبتلابه جامعهٔ ما در شرایط کنونی است و با عنایت به شیوع بسیار زیاد این‌گونه ازدواج‌ها ـ بویژه در مناطق روستایی و جوامع عشایری کشور ـ معرفی این کتاب و بررسی محتوای آن خالی از فایده نخواهد بود.

چنانکه از مطالعهٔ مقدمهٔ نویسنده برمی‌آید، کتاب حاصل بیش از بیست سال تحقیق و تتبّع پیگیر مولّف در سمتِ استاد ژنتیک و نیز ثمرهٔ بررسی‌ها و آزمایش‌های بی‌شمار و همچنین تجربیات متمادی مشارالیه در تماس مستقیم با مراجعان به درمانگاه‌هاو مراکز مشاورهٔ خانواده و مطالعهٔ سوابق و پرونده‌های بیماران و معلولان ناشی از ازدواج‌های فامیلی است.

به نوشتهٔ خود مؤلف «نویسندهٔ کتاب از طریق تأسیس مرکز مشاورهٔ ژنتیک در دانشکدهٔ پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان (۱۳۶۴) و انجام مشاورهٔ قبل از ازدواج و آموزش دانشجویان رشته‌های مختلف علوم پزشکی و دانش‌آموزان مدارس و مربیّان

پـرورشی و مـراقـبین بـهداشت و کـارشناسان بـهزیستی و دبـیران زیست‌شـناسی و بازآموزی پزشکان شهر و ایراد سخنرانی از طریق رادیو و تلویزیون و نوشتن مقالات در مجلات به منظور آگاه‌سازی جامعه از خطرات ژنتیکی ازدواج‌های فامیلی و سایر علل معلولیت‌های مادرزادی، تلاش و کـوشش بسـیار نـموده است» و در یک کـلام، زنـدگی عـلمی و اوقـات فـراغت خـود را یکسـره وقـف تـوضیح و تشـریح عـواقب مـصیبت‌بار ازدواج‌های فامیلی و برحذر داشتن مردم از انجام آنها کرده است.

کتاب «ازدواج‌های فامیلی و بیماریهای ژنتیکی کودکان» از شش فصل به شرح زیر تشکیل شده است:

فصل اول: حاوی عنوان‌هایی نظیر، مروری بر ژنیتک مولکولی، جهش و انواع آن، ارتباط بین DNA و جهش‌پذیری و مباحثی از این قبیل است.

فصل دوم: شامل بررسی انواع عوامل جهش‌زا (موتاژن‌ها) و نیز آثار آنها از نظر تشدید عواقب ازدواج‌های فامیلی و **فصل سوم** مشتمل بر مباحثی در زمینهٔ انواع بـیماری‌های مادرزادی و بیماری‌های ارثی وابسته به آن (اتوزومال مغلوب) می‌باشد.

فصل‌های سه‌گانه یادشده در واقع مقدمه و زیـربنایی است بـرای فـصول چـهارم و پنجم کتاب که منحصراً به ازدواج‌های فامیلی اختصاص یافته است:

فصل چهارم کتاب شامل عناوینی از جمله: ازدواج‌های فامیلی، خویشان درجهٔ ۳، ضریب خویشاوندی و مقایسهٔ خطرات ژنتیکی ازدواج‌های فامیلی و غیرفامیلی و **فـصل پـنجم** حاوی نتایج تحقیقات انجام شده توسّط متخصّصان و پژوهشگران رشتهٔ ژنتیک انسانی در کشورهای مختلف جهان و نیز نظریات متخصصان و کارشناسان ایرانی در مـورد ازدواج‌های فامیلی و همچنین متضّمن نتایج بررسی‌ها و آزمایش‌های مـتعدد نـویسندهٔ کتاب است.

در بین فصول کتاب، فصل پنجم، از امتیازات ویژه‌ای برخوردار است از آن جمله:

۱- در نخستین بخش، مولف، با حوصله و پشتکاری کم‌نظیر، چکیده‌ای از یافته‌های ۱۲۶ متخصّص و محقّق برجستهٔ خارجی را در مورد ازدواج‌های فـامیلی بـه صـورت کـاملاً مستند و با ذکر دقیق مراجع اصلی فراهم آورده است. شایان ذکر است که تمامی ۱۲۶

متخصّص مذکور، بدون استثناء، خطرات احتمالی ازدواج‌های فامیلی را، گوشزد و تایید کرده‌اند.

۲ـ در دوّمین بخش، مولف با حق‌شناسی قابل تقدیری، از کلیه استادان و محقّقان ایرانی که قبل از وی و یا همزمان با او، به پژوهش در زمینهٔ پیآمدهای ازدواج‌های فامیلی پرداخته‌اند به نیکی یاد کرده ضمن تشریح یافته‌های آنها، امانت علمی را کاملاً رعایت کرده است.

۳- و بالاخره در سوّمین بخش، مولّف به تفصیل، به شرح نتایج بررسی‌هایی که طی سالیان دراز در منطقهٔ اصفهان و شهرهای اطراف آن در زمینهٔ ازدواج‌های فامیلی با عمل آورده پرداخته و یافته‌های خود را در قالب جدول‌ها و تحلیل‌های آماری بسیار گویایی ارائه کرده و ضمناً به مناسبتِ مورد، تصاویر عبرت‌انگیز و هشداردهنده‌ای از قربانیان ازدواج‌های فامیلی را در لابلای صفحات (و نیز در صفحات پایانی کتاب) گنجانده است.

آخرین فصل کتاب **(فصل ششم)** به مباحثی نظیر: استفاده از تکنیک‌های مهندسی ژنتیک در تشخیص بیماری‌های ژنتیکی قبل از ازدواج، ژن‌درمانی، احتمال افزایش خطرات ژنتیکیِ ازدواج‌های فامیلی در آینده اختصاص یافته و در انتهای آن، مأخذشناسی نسبتاً مفصلی ـ که حاوی حداقل ۱۱۲ منبع خارجی است ـ ارائه گردیده است.

در پایان مقال، برای آگاهی بیشتر خوانندگان ارجمند از محتوای غنی کتاب و خطرات عظیم و بالقوهٔ ازدواج‌های فامیلی، بی‌مناسبت نمی‌داند یکی از جداول مهم کتاب را که محصول چندین سال پژوهش مؤلف آن است در اینجا عیناً نقل نماید.

گرچه مندرجات این جدول به تمام مناطق ایران قابل تعمیم نیست ولی با توجّه به اینکه بخش قابل توجهی از آمارهای مورد استنادِ نویسنده از مراجعانی اخذ گردیده که متعلّق به منطقهٔ چهارمحال و بختیاری و نیز سمیرم بوده‌اند و بخشی نیز (حدود ۳۰ درصد) مربوط به متولّدین در سایر استانها است، یافته‌های آن می‌تواند تا حدودی در مورد کلِ کشور هم صادق و یا لااقل قابل بررسی باشد.

جدول شمارهٔ ۱ـ میزان (درصد)ابتلای به بیماری‌های مختلف ژنتیکی درکودکان متعلّق به ازدواج‌های فامیلی و غیرفامیلی، تعداد سقط جنین و کودکان معلول فوت شده

نوع بیماری ژنتیکی	ازدواج فامیلی		ازدواج غیرفامیلی		جمع‌کل	درصد
	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
بیماری عصبی و مغزی	۷۵۸	۷۵/۹۶	۲۴۰	۲۴/۰۴	۹۹۸	۱۰۰
بیماریهای عصبی ـ عضلانی	۳۲۸	۷۲/۷۳	۱۲۳	۲۷/۲۷	۴۵۱	۱۰۰
بیماریهای متابولیکی	۲۳۳	۷۴/۹۲	۷۸	۲۵/۰۸	۳۱۱	۱۰۰
بیماریهای خونی	۱۸۹	۷۱/۰۵	۷۷	۲۸/۹۵	۲۶۶	۱۰۰
بیماریهای اسکلتی و استخوانی	۱۴۳	۶۸/۷۵	۶۵	۳۱/۲۵	۲/۸	۱۰۰
بیماریهای‌کرانیوفاسیال	۱۲۰	۶۶/۶۷	۶۰	۳۳/۳۳	۱۸۰	۱۰۰
بیماریهای غدد	۱۳۲	۷۳/۷۴	۴۷	۲۶/۲۶	۱۷۹	۱۰۰
بیماریهای پوستی	۱۲۱	۷۴/۲۳	۴۲	۲۵/۷۷	۱۶۳	۱۰۰
بیماریهای قلب و عروق	۱۰۲	۶۵/۸۱	۵۳	۳۴/۱۹	۱۵۵	۱۰۰
اختلالات بینائی	۹۳	۶۲/۸۳	۵۵	۳۷/۱۷	۱۴۸	۱۰۰
اختلالات شنوائی	۸۱	۷۱	۳۳	۲۹	۱۱۴	۱۰۰
بیماریهای دستگاه گوارش	۶۶	۶۴/۹۷	۴۲	۳۰/۵۳	۹۵	۱۰۰
سقط جنین مکرّر	۱۷۵۵	۶۰	۱۱۷۰	۴۰	۲۹۲۵	۱۰۰
عقیمی و نازائی	۲۴۲	۷۰/۱۴	۱۰۳	۲۹/۸۶	۳۴۵	۱۰۰
کودکان معلول فوت شده	۲۱۹۷	۸۶	۳۵۵	۱۴	۲۵۵۲	۱۰۰

توضیح: آمارهای مورد استناد در این جدول از مراجعه کنندگان به مرکز مشاورهٔ ژنتیک دانشکدهٔ پزشکی اصفهان در بین سالهای ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷ اخذ گردیده است با این توضیح که حدود ۴۵ درصد آنها به شهر اصفهان، ۲۵ درصد به شهرها و روستاهای مختلف استان اصفهان و بقیه به سایر استان‌ها متعلّق بوده‌اند.

فصلنامه جمعیت (علمی و پژوهشی) شامل مقالات علمی و نتایج تحقیقات جمعیتی ذیربط می‌باشد.

حق اشتراک یکی از منابع تأمین مخارج این نوع نشریات است. درصورتی‌که مندرجات و روش فصلنامه را می‌پسندید و ماندگاری آنرا برای جامعه مفید می‌دانید ما را یاری کنید.

بهای اشتراک سالانه (۴ شماره) با احتساب هزینه پستی برای:

مؤسسات، شرکتها و مراکز تحقیقاتی و اشخاص حقیقی و حقوقی ۲۰۰۰۰ ریال

اساتید و دانشجویان ۱۵۰۰۰ ریال

شرایط اشتراک:

۱.تکمیل فرم زیر و ارسال آن به آدرس: تهران، خیابان امام‌خمینی، شماره ۱۸۴، کدپستی ۱۱۱۳۶، سازمان ثبت احوال کشور، دبیرخانه فصلنامه جمعیت. (صندوق پستی ۱۱۳۶۵/۶۶۹)

۲.ارسال فیش بانکی حق اشتراک به حساب جاری ۹۰۲۰۵ بانک ملی شعبه حافظ (تهران، میدان حسن‌آباد).

۳.برای دانشجویان و اساتید، تأییدیه واحد آموزش ذیربط مبنی بر اشتغال به آموزش یا تحصیل.

.....

برگ تقاضای اشتراک در فصلنامه جمعیت:

نام و نام خانوادگی درخواست کننده:.....

نشانی: .....

کُد پستی:..... تلفن:.....

درصورت نیاز به اطلاعات بیشتر با تلفنهای ۶۷۰۶۰۵۰ و ۹-۶۷۰۷۱۳۳ داخلی ۴۸۶ دور نویس: ۶۷۰۶۰۵۰ دبیرخانه فصلنامه تماس حاصل فرمایید.

لطفاً در این قسمت چیزی ننویسید.

نام مشترک:..... شماره اشتراک.....

تاریخ اشتراک:.....

Iran, the largest exporter in the world

Dr.Kh.Merat

■During the Shah Abbas period, the economic of the country improved because of the strengthening of the central government of Iran and hence Iran became the largest exporter of goods in this era. During that period the finest carpets, textile and ceramic dishes were produced and exported.

Regarding the quality, of the carpets, textile and also the architecture of this time can be called masterpieces.

At the time, Iran became the first country in the world as it controlled the quality of its goods by government.

Since that time, Isfahan is called half of the world (Nesf- e - Janan), because, it was to developed to a very beautiful city.

The author in this article tries to prove that country's economic was raised to a better condition and higher degree of excellence, because of a skillful management. The city of Isfahan and its structure was flourished and became historically notable and famous throughout the world. Meanwhile as a result of all these, the Iranian people lived a prosperous life.

Vital Statistics and Tajikistan

Dr. L. Baymatov (The Science Academy of Tajikistan)

■ There is no doubt that all rapid changes and developments we are witnessed in the world today are resulted from researches and studies made by scientific and technological experts. Indeed, without utilization of statistical methods and indices none of these researches and studies could be relied upon or generalized.

At the present time collection of statistics and completing it's research principles is very essential to developing countries and societies.

Among different type of statistics, vital statistics have special role, important place in countries of the world, and registration of vital events have numerous social and economic uses.

Application of vital statistics has enhanced the accuracy of demographic forecasts. The impact of population factor and its changes on resources of the countries are of considerable importance in achieving the goals of development plans and programs and their reciprocal effects.

In this article, improvements on principles and investigation methods and collection of statistic data (vital statistics) are discussed.

This is done with a study on Tajikistan case.

Digital preference in reporting of age in Iran's 1996 census

Morteza Keshtkar

The purpose of this paper is to examine the accuracy of age reporting in Iran's 1996 census, as far as possible, using Wipple's and Meyer's indices. These indices assess the digital preferences in age reporting, as two indirect methods.

The Wipple's index utilized to examine Iran's 1996 census, has concluded that both men and women reported ages, has to some extent, been indicated, tendencies to ages ended to five and zero.

These biases were 108.6 and 109 for men and women, respectively. Although, a few differences have been occurred between the two sexes, yet, these indices are acceptable for Iran, entirely.

The Meyer's index, which indicates the tendency to ages ending from zero to nine, used to evaluate Iran's 1996 census. Meyer's, as expected, has approved the Wipple's index conclusions. This index for men and women was calculated 2.69 and 2.80 respectively.

As the indices, totally, have been shown, the accuracy of the age reporting in Iran's 1996 census were acceptable and so, using the I.D Booklet and other documents of civil registration system resulted acceptable figures in age reporting.

Vital Statistics
Collection, Processing and Use

M. H. Nejatian

In recent years, information and its quantitative representation is compared to waves of explosion. Meanwhile the demographic statistics are of great significance because of the importance of subject and extent of use and mutual dependence on development planning. Production of statistics in this ground, like others, may be made by census, sample survey or registration methods. The occurrence of vital events in legal time requires their production to be timely, therefore they are generated through registration simultaneously with occurrence of events, which is much more accurate and timely than retrospective methods of census and surveys. The cost also will be less.

All these privileges, but depends on complete coverage, or at least distinguished level of coverage for registration of vital events.

Therefore, the first and perhaps the most important step in process of production of vital events "by registration method" is the measurement of extent of coverage, and efforts for promoting it towards complete coverage. In this article some methods are presented for measurement of the scope of coverage of registration of vital events. They include short-term methods of using existing information, long-term methods of designing a self-controlled statistical system. Meanwhile, the use of interim methods such as planning and implementing of subject oriented surveys is also the suggestion of this article.

The promotion of coverage level for registration of vital events requires more studies as it has a very complicated nature.

Therefore, only a perspective of the process is set forth in the form of intra-organizational (civil registration organization) and extra-organizational activities and their relationship to all statistical system of the country.

Introducing a model for Estimation of Penetration and Hierarchy of Rural Areas

Dr. H. Shayan

■Quantitative models are, undoubtedly, of considerable use for the best purpose of determining the most suitable central places and functional areas of residence. The existing limitations in them should be removed by field studies. The primary limitation in these models is lack of comprehensiveness in computational aspect, eg. the original criteria in local center models are the out come of several possibilities they have and the size of population of residence. Therefore the geographic, social, ethnic and cultural situation is neglected.

On the other hand, in attraction model the base factor is the space dimension of residence according to availability and population.

Therefore I consider both aspects of above factors as far as possible and present both of them in the form of one formula. The method of study is quantitative and it is used in different rural residential area.

Demographic Considerations In Iranian Folklore

Y. Foroutan

■The present study reveals certain aspects of common beliefs in Iranian society about some significant demographic issues.

Mating and marriage, which have close relationships with the fertility level, are of remarkable importance in Iranian public beliefs so that individual feels obliged to abide by it, even at the cost of running into debt. But, the attitude towards divorce is quite different. In Iranian culture, divorce is an anti-value and couples, especially women, have been invited to patience, conformity and adjustment in marital relations.

In addition to have more children as one of the most important sources of parent's social status, specially mothers, in developing countries - and "sex preference"- which has a basic role in the increase of population growth - are beliefs arising from the common indications and social attitudes whose spectacular examples can be observed in Iranian folklore.

Aging, as a demographic measure of development, is of remarkable importance and value in Iranian folklore, hence, experience and expedience are considered as the greatest heritages of aging.

Finally, mortality - which in addition to fertility and migration are chief factors of demographic changes - has been introduced as an inevitable reality in Iranian folklore.

Population and Development

Dr. J. Javan

■Today's world has experienced 40 years on experimenting the development process. Development is a novel concept yet, rooted in the philosophical schools of thought. It is an issue that has been addressed in numerous ways such as prosperity and pursuit of happiness. After all, what is development and what are its constitutive elements? What policies and strategies can provide the best context for the realization of the development in a given society?

What are the inhibitive factors and what is to be done to warrant it's sustainability?

Along the path towards a balanced development which components should be prioritized? Which factor plays the key role: Population in its entirety or the non-demographic factors? These are the issue that this paper attempts to engage with and find a rational solution for them.

Demographic concepts in Persian culture and literature

Dr. A. Ketabi

■Demography is a modern science which appeared as a systematic collection aggregate not before half a century ago, but issues related to population, such as marriages, fertility, ageing, death and ...etc. are as old as human race itself. In the series of articles published in the quarterly "population" efforts were made to analyze the reflection of some original concepts and topics concerning population on the Persian culture and literature. To start with, the marriage was selected.

Marriage in Iranian culture and literature

Marriage has been esteemed and regarded highly in Iran during the old times, as the only accepted way of sexual gratification and the only legitimate means of bringing of springs and reproduction, the reflection of such a esteem and respect is seen in the works of many Iranian thinkers, writers and poets, such as Ferdowsi, Asadi-e-Toosi, Asaad Gorgnni, Iman Mohmmad Ghazali, Abusaeed, Abulkheir and Mowlavi. Naturally there has been some opposition towards marriage in the works of past and recent writers and poets of Iran: two groups have presented these oppositions:

Among the first group are those who regard marriage a disturbing of thought and causing restraint and limitation to freedom of life. They usually

The second group consists of Orafa (mystics) and Sufictics who think of marriage as hindrance and preventive to mortification and purification of soul.

The most famous among this group are Naser Khosrow, Sanai, Jami and Shiekh Mahmud-e-Shabestari.

The writer concludes that in spite of short history of demography in modern era this branch of science is as old as human race.

Population explosion in India

A report from the Embassy of I. R. of Iran in New Delhi

■The multitude of population in India is a major problem of the country. It is the root of many social, cultural and economic problems of India. The population in India is estimated 965.6 Millions of people. Utarpradesh and Bihar are the most populated and Sikim and Mizoram are less populated states. India is second populated country of the world. The first is China. Each day, 72000 infants are born which compared to China's 60000 is a considerable figure.

Population growth rate in India has been 2% from 1950 to 1996 almost constant. Taking the mortality rate of 1.5% in to consideration the population increases 15 Million each year.

The center for registration and census of India estimates that the population of India will be one Billion in 11th May 2000. This day is to be called the "National-day of population" or "the day of one Billion", it is also anticipated that India will leave China behind and become the most populated country of the world by the year 2040. Continuation of present trend of population growth in India will increase the Indian population to 1.5 Billion people in the year 2040.

POPULATION

SCIENTIFIC AND RESEARCH QUARTERLY

Published by:
NATIONAL ORGANIZATION FOR CIVIL REGISTRATION

Under the Supervision of:
Dr. Ali Akbar Rahmani

Address: No. 108, Second floor, Imam Khomeini St. Tehran, Iran.

☎ 6706050

جمهوری اسلامی ایران

وزارت فرهنگ و آموزش عالی

تأییدیه درجه علمی

به استناد بند ج تبصره ۳۶ قانون بودجه سال ۱۳۶۳ و نیز بند ج تبصره ۳۴ قانون بودجه سال ۱۳۶۴ و در اجرای آئین نامه تأیید اعتبار و تشخیص ضرورت انتشار مجلات و نشریات علمی و بر اساس رأی یکصد و سی و نهمین جلسه مورخ ۷۷/۸/۴ کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور مجله جمعیت (سازمان ثبت احوال) حائز شرایط دریافت درجه علمی - ترویجی شناخته شد.

این تأییدیه از تاریخ تصویب به مدت چهار سال معتبر است.

با تشکر و آرزوی توفیق الهی

دکتر مصطفی معین

وزیر فرهنگ و آموزش عالی

درج درجه علمی بر روی جلد و شماره پروانه در داخل مجله الزامی است.

شناسنامه

نام نشریه: جمعیت (فصلنامه علمی ـ پژوهشی)
سال هشتم، شماره ۳۲-۳۱، بهار و تابستان ۱۳۷۹

صاحب امتیاز: سازمان ثبت احوال کشور

مدیر مسؤول: دکتر علی‌اکبر رحمانی

سردبیر: دکتر محمدجواد محمودی

زیرنظر هیأت تحریریه

اعضای هیأت تحریریه:

ارژنگ امیرخسروی
دکتر ناصر تکمیل همایون
دکتر حبیب‌اله زنجانی
دکتر سیدمحمد سیدمیرزایی
دکتر عطاءاله متین
دکتر خسرو مرآت
دکتر محمد میرزایی

ویراستار: محمدکاظم تاجبخش

صفحه‌آرایی: دبیرخانه فصلنامه - معصومه مؤمن‌طایفه

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ، لیتوگرافی: شعاع، ۳۱۱۷۲۵۳

- فصلنامه در قبول یا رد متون دریافتی برای انتشار مختار است.
- مطالب و مقالات مندرج در نشریه منعکس کننده آرا و عقاید نویسندگان است.
- نقل مطالب نشریه با ذکر مأخذ آزاد است.

نشانی: تهران، خیابان امام خمینی (ره)، شماره ۱۸۴، کدپستی ۱۱۱۳۶، سازمان ثبت احوال کشور.
تلفن: ۶۷۰۶۰۵۰ و ۹-۶۷۰۷۱۳۳ داخلی ۴۸۶، دورنویس: ۶۷۰۶۰۵۰ صندوق پستی: ۶۶۹-۱۱۳۶۵

فهرست

عنوان	صفحه
* **انفجار جمعیت در هند**	۱
گزارش واصله از سفارت جمهوری اسلامی ایران در دهلی‌نو	
* **مفاهیم جمعیت شناختی در فرهنگ و ادب پارسی**	۶
دکتر احمد کتابی	
* **جمعیت و توسعه**	۳۱
دکتر جعفر جوان	
* **ملاحظات جمعیتی در فرهنگ عامهٔ ایران**	۴۶
یعقوب فروتن	
* **معرفی فرمولی جهت برآورد درجه نفوذ و سلسله مراتب سکونتگاههای روستائی**	۷۰
دکتر حمید شایان	
* **آمار وقایع حیاتی فرآیند تولید و کاربرد**	۷۸
محمدحسین نجاتیان	
* **ترجیح رقمی در گزارش سن در سرشماری سال ۱۳۷۵ ایران**	۱۰۱
مرتضی کشتکار	
* **جمهوری تاجیکستان، بیان آماری**	۱۱۹
دکتر لقمان بایمت‌اف	
* **ایران بزرگترین صادرکننده**	۱۳۱
دکتر خسرو مرآت	
* **معرفی و نقد کتاب**	۱۳۶
دکتر احمد کتابی	
* **چکیده مقالات انگلیسی**	**الاتین ۱**
محمد گودرزی	